

دورین ورچو

اسلحه کامل خدا

مترجم: آرینه سرکیسیان
ویراستار: ادیسون غریبمان

First published by Amazing Grace Productions 2025

Copyright © 2025 by Doreen Virtue

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored or transmitted in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording, scanning, or otherwise without written permission from the publisher. It is illegal to copy this book, post it to a website, or distribute it by any other means without permission.

Christian Standard Bible (CSB) Publisher: Holman Bible Publishers Copyright: © 2017 by Holman Bible Publishers Fair Use Statement: The verses in this work are used under the Fair Use copyright law.

English Standard Version (ESV) Publisher: Crossway Copyright: © 2001 by Crossway Fair Use Statement: The verses in this work are used under the Fair Use copyright law.

King James Version (KJV) Publisher: Various publishers (original 1611 edition is public domain, but modern editions are published by different houses like Thomas Nelson or Cambridge University Press) Copyright: Public domain for the original 1611 edition, but modern editions may have specific copyright for certain elements (e.g., introduction, commentary) Fair Use Statement: The verses in this work are used under the Fair Use copyright law.

New American Standard Bible (NASB) Publisher: The Lockman Foundation Copyright: © 1995 by The Lockman Foundation Fair Use Statement: The verses in this work are used under the Fair Use copyright law.

New International Version (NIV) Publisher: Zondervan (a division of HarperCollins) Copyright: © 2011 by Biblica, Inc.™ Fair Use Statement: The verses in this work are used under the Fair Use copyright law.

New King James Version (NKJV) Publisher: Thomas Nelson Copyright: © 1987 by Thomas Nelson Fair Use Statement: The verses in this work are used under the Fair Use copyright law.

First edition

This book was professionally typeset on Reedsy.

Find out more at reedsy.com

فهرست

۶	—	مقدمه	—
۹	—	فصل ۱: اسلحه کامل خدا	—
۱۳	—	فصل ۲: روح القدس ساکن در ما	—
۱۷	—	فصل ۳: اعتماد کردن به عیسی...	—
۲۱	—	فصل ۴: مقاومت در برابر ابلیس	—
۲۴	—	فصل ۵: در ایمان خود استوار باشید	—
۲۷	—	فصل ۶: هر اندیشه‌ای را اسیر سازید	—
۳۰	—	فصل ۷: سپر ایمان	—
۳۴	—	فصل ۸: کلاه خود نجات	—
۳۷	—	فصل ۹: زره پارسایی	—
۴۰	—	فصل ۱۰: کمر بند حقیقت	—
۴۲	—	فصل ۱۱: شمشیر روح	—
۴۴	—	فصل ۱۲: کفش‌های انجیل سلامتی	—
۴۸	—	فصل ۱۳: خشم فروخورده نبرد روحانی	—
۵۱	—	فصل ۱۴: پیروزی عیسی و نبرد روحانی	—
۵۵	—	فصل ۱۵: نقش گناه در نبرد روحانی	—

- فصل ۱۶: تصمیمات نادرست و نبرد روحانی — ۵۹
- فصل ۱۷: حقیقت درباره خدمت اخراج ارواح — ۶۲
- فصل ۱۸: وسایل موجود در خانه و نبرد روحانی — ۶۸
- فصل ۱۹: دعا و نبرد روحانی — ۷۲
- فصل ۲۰: وقتی خدا ما را می‌آزماید — ۷۷
- فصل ۲۱: فرایند هرس کردن خداوند... — ۸۲
- فصل ۲۲: وقتی خدا ما را تادیب می‌کند — ۸۵
- فصل ۲۳: درك قوت محدود دیوها — ۸۹
- فصل ۲۴: نگذارید ابلیس شادی... — ۹۴
- فصل ۲۵: یوغ ناموافق و نبرد روحانی — ۹۹
- فصل ۲۶: احساس گناه، شرم و نبرد روحانی — ۱۰۴
- فصل ۲۷: کاهش آسیب‌پذیری شما در برابر... — ۱۰۹
- فصل ۲۸: بی‌خواب، کابوس... — ۱۱۳
- فصل ۲۹: به آنچه کتاب مقدس می‌گوید... — ۱۱۷
- فصل ۳۰: گوش دادن به کتاب مقدس — ۱۲۰
- سخن آخر — ۱۲۳
- درباره نویسنده — ۱۲۴

اسلحه کامل خدا / ۵

مقدمه

خدا در سال ۲۰۱۷ جان مرا نجات داد. ۳۳ سال عضو کلیساهای «تفکر نوین» بودم و بعد از آن ۲۶ سال نیز در فریب جنبش «عصر جدید» سرگردان بودم. در طول آن ۵۹ سال پیش از نجاتم، تصور می‌کردم پیام‌هایی از فرشتگان خدا دریافت می‌کنم. اما پس از آنکه نجات یافتیم، همان «فرشتگان» باعث بی‌خوابی من می‌شدند و مرا آزار می‌دادند، زیرا آنان در واقع دیوهایی بودند که در تمام زندگی پیش از نجاتم، به شکل فرشتگان نیکو ظاهر می‌شدند. من ناآگاهانه سخنگوی آنان گشته بودم (دوم قرن تیان ۱۱: ۱۴-۱۵).

روزهای پس از نجاتم نخستین زمانی بود که به‌طور آگاهانه واقعیت نبرد روحانی را تجربه کردم. حضور نیروهای تاریکی را در نزدیکی خود حس می‌کردم و همین باعث اضطراب و بی‌خوابی من می‌شد.

بنابراین تحقیقی را آغاز کردم تا بدانم چگونه می‌توانم نبرد روحانی را متوقف کنم، و با خدماتی همچون اخراج ارواح و کتاب‌هایی آشنا شدم که تضمین می‌دادند می‌توانند دیوها را دور کنند.

پیش از نجاتم از جنبش عصر جدید، به فعالیت‌هایی مشغول بودم که شباهت زیادی به خدمات آزادسازی داشتند. در نسخه عصر جدیدی این فعالیت‌ها، از آن با نام‌هایی مانند «بیرون‌راندن ارواح» و «درمان رهاسازی روح» یاد می‌شد. من در جنبش عصر نوین درباره این مفاهیم می‌نوشتم و آن‌ها را آموزش می‌دادم.

با اینکه در عصر جدید باوری به وجود شیطان، دیوها یا نیروهای تاریکی وجود نداشت، اما باور بسیار قدرتمندی به چیزی به نام «موانع روحانی» جدی گرفته می‌شد. ما معتقد بودیم هر مشکلی که داریم یا از افکار منفی خودمان سرچشمه می‌گیرد، یا از «انرژی منفی» افراد زنده، یا افرادی که در گذشته زندگی می‌کردند!

در جنبش عصر جدید، ما فرشته مقرب میکائیل را فرا می‌خواندیم (نسخه‌ای از میکائیل در عصر جدید، نه میکائیل فرشته مقرب در کتاب مقدس)، تا مردم را از انرژی‌های منفی یا

موجودات روحانی آزاد کند. همچنین سعی می‌کردیم این انرژی‌ها و موجودات را با تأییدات مثبت و حرکات نمایشی دست‌ها، بیرون برانیم.

بنابراین وقتی در سال ۲۰۱۷، در میان نبرد روحانی خود، با خدمات آزادسازی مسیحی روبه‌رو شدم، برایم آشنا بودند. خدمت آزادسازی، بر باورهایی مشابه آنچه در جنبش عصر جدید داشتم استوار بود، بنابراین با بررسی آنها مشکلی نداشتم.

اما وقتی تمام کتاب مقدس را مطالعه کردم، متوجه شدم که روش‌های قدیمی عصر جدیدی من و خدمت آزادسازی هر دو روش‌های نمایشی و خودساخته‌ای دارند که ریشه کتاب مقدسی ندارند.

اما در روزهای نخست نجاتم هنوز درک درستی از این موضوع نداشتم، بنابراین به ویدیوهایی در یوتیوب مربوط به خدمت آزادسازی نگاه می‌کردم که دعاهایی را برای بیرون راندن دیوها تکرار می‌کردند. در واقع این «دعاها» شبیه درخواست نبودند، بلکه نوعی دستور دادن و مطالبه از خدا بودند، و این موضوع مرا شگفت‌زده می‌کرد.

در این ویدیوها همچنین به دیوها دستور داده می‌شد که به نام عیسی خارج شوند. من این ویدیوها را شبانه‌روز در خانه‌ام پخش می‌کردم، اما به نظر می‌رسید نبرد روحانی تشدید می‌یافت.

کتاب‌های دعایی خریدم که نویسنده ادعا می‌کرد با آنها می‌توان «دیوها را بیرون براند». این دعاها نیز شامل نهیب زدن به دیوها بود که «به نام عیسی» خارج شوند. با این حال نبرد روحانی همچنان تشدید می‌شد و بی‌خوابی مرا رنجور نموده بود.

سرانجام جلسه‌ای با یک خادمی که در خدمت اخراج ارواح بود ترتیب دادم. او صلیبی را جلوی من تکان می‌داد و با صدای بلند به دیوها دستور می‌داد که به نام عیسی از من بیرون بروند. در همان لحظه چشمانم باز شد و بیهودگی این روش‌های خودساخته را نیز درک کردم. بله! عیسی به شاگردان خود اقتدار داد تا دیوها را بیرون کنند، اما من دریافتیم که مسئله اقتدار نبود؛ بلکه مسئله این بود که چه چیزی حکیمانه، مؤثر و از نظر روحانی ایمن است.

این کتاب مجموعه‌ای است از آنچه درباره نبرد روحانی آموخته‌ام. با مطالعه هرروزه کتاب مقدس و تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد الهیات، توانسته‌ام مطالبی را جمع‌آوری

کنم؛ همچنین، با الاهیات‌دان‌ها و زنان آزادشده‌ای که تجربه نبرد روحانی داشته‌اند نیز برای کانال یوتیوبی‌ام، مصاحبه نموده‌ام.

دعا می‌کنم این کتاب راهنمایی عملی برای به‌کارگیری آنچه کتاب مقدس درباره نبرد روحانی به ما تعلیم می‌دهد، در اختیار شما بگذارد.

تمامی جلال از آن خداست

دورین ورچو

فصل اول اسلحه‌ای که به آن نیاز داریم

«در پایان، در خداوند و در توان عظیم او نیرومند شوید. زره

کامل خدا را بر تن کنید تا بتوانید در برابر نیرنگ‌های

ابلیس ایستادگی کنید.» (افسیسیان ۶: ۱۰-۱۳)

آیا احساس می‌کنید دشمن می‌کوشد خواب، آرامش و شادی را از شما بگیرد؟ آیا احساس می‌کنید زیر فشار نیروهای شیطانی قرار دارید؟ خداوند را شکر که لازم نیست با این تهدیدهای روحانی به تنهایی روبه‌رو شوید.

وقتی از «نبرد روحانی» سخن می‌گوییم، منظور چیزی نیست که بتوانیم آن را با چشم ببینیم. نبرد روحانی، جنگی دائمی است که در قلمرو نادیدنی در جریان است. این همان نبرد دیرینه میان خیر و شر، بین پادشاهی خدا و نیروهای تاریکی است. این چیزی است که همه ما به‌عنوان مسیحیان با آن روبه‌رو می‌شویم.

می‌بینیم که پولس رسول نیز درباره نبرد روحانی سخن می‌گوید. او در اول تسالونیکیان

۱۸:۲ می‌نویسد:

«چرا که خواهان آمدن نزد شما بودیم - برآستی که من، پولس، بارها سعی کردم - ولی شیطان مانع شد.» این سخن تأییدی کتاب مقدسی است بر اینکه ابلیس فعالانه تلاش می‌کند از گسترش انجیل جلوگیری کند.

با این حال خبر خوش این است که خدا هر آنچه را برای ایستادگی در برابر نیرنگ‌های ابلیس نیاز داریم، به ما بخشیده است. خدا کتاب مقدس را به ما عطا کرد تا ما را در هر زمینه‌ای از جمله در نبرد روحانی، تجهیز نماید. در افسسیان ۶: ۱۰-۱۸ درباره حقیقتی واقعی و ضروری چنین می‌خوانیم: «ما باید هر روز زره کامل خدا را بر تن کنید. زیرا بدون زره خدا، شما نمی‌توانید وارد میدان نبرد شوید.» در این کتاب بررسی خواهیم کرد که کتاب مقدس درباره زره خدا چه می‌گوید، تا بدانید چیست و چگونه باید برای حفاظت روحانی، آن را بر تن کنید.

در افسسیان ۱۳:۶ آمده است: «پس اسلحهٔ کامل خدا را بر تن کنید، تا در روز شرّ شما را یارای ایستادگی باشد، و بتوانید پس از انجام همه چیز، بایستید.»

خدا از ما نمی‌خواهد که به‌تنهایی خود را برای نبرد آماده کنیم. او نیروی لازم را به ما می‌بخشد تا در برابر هر چه بر سر راه ما می‌آید، ایستادگی کنیم. وقتی زره خدا را بر تن می‌کنید، دیگر به توانایی‌های خودتان متکی نیستید، بلکه در واقع شریک قوت الاهی می‌گردید.

در این کتاب، قسمت‌های مختلف زره خدا را بررسی خواهیم کرد تا ببینید کتاب مقدس چه می‌گوید و چگونه می‌توان آن را در زندگی روزمره به کار گرفت:

۱) کمربند حقیقت (افسیان ۱۴:۶)

برای سربازان در زمان جنگ، کمربند وسیله‌ای است که همه چیز، مخصوصاً مهمات آنها را در جای خودشان نگاه می‌دارد. چون کتاب مقدس را مطالعه می‌کنید، بنابراین بستن کمربند حقیقت، به معنای این است که در شناخت حقیقت خدا استوار باشید. حقیقت خدا پایه و اساس تصمیم‌ها و اعمال شماست و به شما کمک می‌کند در راه راست و راه تنگ بمانید و از فریب دوری کنید. ابلیس پدر دروغ‌هاست و هدف او این است که شما را فریب دهد، واقعیت را تحریف کند، شما را دلسرد سازد و باعث شود وعده‌های خدا را زیر سؤال ببرد. حقیقت کلام خدا، محافظ شماست. هنگامی که با دروغ‌های دشمن روبه‌رو می‌شوید - چه درباره هدف زندگی‌تان باشد و چه درباره هویت‌تان - محکم به حقیقت آنچه در مسیح هستید، بچسبید. اگر توبه کرده‌اید، به انجیل ایمان آورده‌اید و اعتماد خود را بر عیسای مسیح قرار داده‌اید، بنابراین در خانواده الاهی پذیرفته شده‌اید و هویت شما این است که فرزند خدا هستید.

۲) زره پارسایی (افسیان ۱۴:۶)

زره پارسایی برای محافظت از قلب شما در هنگام نبرد طراحی شده است. پس از آنکه نجات یافتید، خدا قلبی تازه به شما می‌بخشد و می‌خواهد از خدا اطاعت کنید و در پارسایی زیست کنید (حزقیال ۱۹:۱۱-۲۰؛ ۳۶:۲۶-۲۷؛ دوم قرنتیان ۵:۱۷؛ یوحنا ۳:۳-۶؛ رومیان ۴:۶؛ عبرانیان ۸:۱۰). پارسایی شما از اعمال‌تان نیست، بلکه از مسیح است. این بخش از زره، قلب تازه شما را محافظت می‌کند. اگر دائماً با احساس گناه یا شرم درگیر هستید، به یاد داشته باشید که مسیح از طریق قربانی خود، شما را در پارسایی کامل خود پوشانده است.

۳) کفش آمادگی برای اعلام انجیل سلامتی (افسیان ۱۵:۶)

کارایی کفش این است که به شما کمک کند با امنیت و استواری قدم بردارید. انجیل، پیام مصالحه است. کفش‌ها در زره خدا به این معنا هستند که پاهای شما آماده و مهیا باشند تا در نبرد استوار بایستید و با امنیت از مسیرهای دشوار عبور کنید. در اطاعت و پارسایی خدا گام بردارید و خبر خوش مصالحه را که تنها از طریق انجیل عیسی مسیح میسر شده است، اعلام نمایید.

۴) سپر ایمان (افسیان ۱۶:۶)

سربازان در نبرد با سپری که جلوی خود نگه می‌دارند، محافظت می‌شوند. سپر ایمان همان ایمان شما به وعده‌ها، حاکمیت و قدرت خداست. در زره خدا، سپر ایمان... (ایمان شما به خدا) مانع تیرهای آتشین دشمن می‌گردد و آنها را خاموش می‌سازد. هنگامی که در ایمان خود به خدا استوار می‌ایستید، این همانند آن است که در میدان نبرد سپری را بالا ببرید. ایمان شما به خدا، ابزار دفاعی شما در برابر نیرنگ‌های دشمن محسوب می‌شود.

۵) کلاه‌خود نجات (افسیان ۱۷:۶)

در نبرد، سربازان برای محافظت از سر خود در برابر آسیب، کلاه‌خود بر سر می‌گذارد. در زره خدا، کلاه‌خود نجات ذهن شما را از دروغ‌های دشمن محافظت می‌کند. کتاب مقدس ابلیس را «مدعی» می‌نامد، زیرا او می‌کوشد مسیحیان را دلسرد کند. کتاب مقدس همچنین می‌گوید که ابلیس «پدر دروغ‌ها» و «عامل سردرگمی» است، زیرا دروغ می‌گوید و می‌کوشد مسیحیان را دچار سردرگمی کند.

بنابراین محافظت از ذهن در نبردهای روحانی، بسیار ضروری است. شما کلاه‌خود نجات را با اطمینان از این حقیقت که خدا شما را نجات داده است، بر سر می‌گذارید. اگر واقعاً از گناهان خود توبه کرده‌اید و به انجیل ایمان آورده‌اید، ایمان خود را بر عیسی واقعی نهاده‌اید (نه بر تعلیمی نادرست و غیر کتاب مقدسی درباره عیسی)، بنابراین عیسی خداوند و نجات‌دهنده شماست و شما را استوار نگاه می‌دارد. این اطمینان هنگامی که دشمن می‌کوشد بذر شک و تردید را در شما بکارند، از شما محافظت می‌کند.

۶ شمشیر روح (افسیان ۱۷:۶)

شمشیر روح در زره خدا به کلام خدا، یعنی کتاب مقدس اشاره دارد. عیسی هنگامی که در بیابان وسوسه شد از کلام خدا استفاده کرد (متی ۴:۱-۱۱). او با ابلیس بحث نکرد؛ بلکه از کتاب مقدس نقل قول نمود. هنگامی که با وسوسه یا دلسردی روبه‌رو می‌شوید، می‌توانید از کلام خدا استفاده کنید تا دروغ‌ها را برملا کنید و حقیقت را بتابانید. این سلاح تهاجمی شماسست، و همین یکی از دلایلی است که خواندن روزانه کتاب مقدس بسیار ضروری است. نبرد روحانی واقعی است و هر مسیحی را به درجات مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهد، با این حال خدا هر آنچه برای ایستادگی نیاز داریم را به ما عطا کرده است. و نه فقط برای ایستادگی، بلکه برای اینکه پیروز شویم.

پرسش‌هایی برای تأمل:

- ۱) اکنون احساس می‌کنید باید بیشتر بر کدام بخش از زره خدا تمرکز کنید؟ چرا؟
- ۲) آیا تاکنون نبرد روحانی را در جبهه افکار، ترس، تردید یا اضطراب تجربه کرده‌اید؟ چه واکنش نشان دادید؟
- ۳) در کدام بخش‌های زندگی خود نیاز دارید تا حقیقت کلام خدا را به‌طور منظم‌تر به کار بگیرید؟
- ۴) چگونه می‌توانید پوشیدن زره خدا را به بخشی از کارهای روزانه زندگی خود تبدیل کنید؟

فصل دوم روح القدس ساکن در ما

در همان لحظه‌ای که به واسطه فیض و رحمت خدا و به واسطه ایمان مان به عیسی نجات می‌یابیم، روح القدس در ما ساکن می‌شود. ما معبد روح القدس می‌شویم. روح القدس تسلی دهنده و شفیع ما می‌گردد و تعالیم عیسی را به ما یادآوری می‌کند. حضور روح القدس در ما این اطمینان را به وجود می‌آورد که نمی‌توانیم به تسخیر دیوها درآییم. چرا؟ زیرا روح القدس، یعنی خود حضور خدا، درون ما سکنی می‌گزیند. جایی که نور خدا ساکن است، جایی برای تاریکی وجود ندارد.

در اول یوحنا ۴:۴ آمده است:

« شما، ای فرزندان، از خدا هستید و بر آنها غلبه یافته‌اید، زیرا آن که در شماست بزرگتر است از آن که در دنیا است.»

آن که درون شما ساکن است از هر قدرت دشمن بزرگ‌تر است. روح القدس تضمین امنیت ما در مسیح است و هیچ نیرویی از تاریکی نمی‌تواند بر او غلبه کند.

وقتی زندگی خود را به عیسی می‌سپاریم، روح القدس می‌آید تا در شما ساکن شود. روح القدس همه ایمانداران را مهر می‌کند و آنان را حفظ می‌کند و از تسخیر دیوها محفوظ نگاه می‌دارد. تنها کسانی که نجات نیافته‌اند و نیز ایمانداران دروغین (کسانی که ادعا می‌کنند مسیحی هستند اما در واقع چنین نیستند)، ممکن است تحت تسخیر دیوها درآیند. مسیحیان واقعی که از گناهان خود توبه کرده‌اند، به انجیل ایمان دارند و ایمان و اعتماد خود را برای نجات بر عیسی مسیح نهاده‌اند، نمی‌توانند تسخیر شوند. روح القدس ساکن در ما اجازه نمی‌دهد دیوها با او هم‌زمان در ما حضور داشته باشند.

با این حال، ما به‌عنوان ایمانداران، هرچند هرگز نمی‌توانیم به تسخیر دیوها درآییم، اما ممکن است که تحت تاثیر آنها قرار بگیریم. تاثیر روحانی با تسخیر، متفاوت است.

تسخیر به معنای کنترل شدن کامل از درون و «در اختیار قرار گرفتن کامل» است. اما تحت تاثیر روحانی قرار گرفتن بیشتر شبیه فشاری سنگین از بیرون است؛ فشاری مداوم که

می‌کوشد ما را فرسوده کند. این حمله‌ای ظریف و اغلب پایدار است که در آن دشمن می‌کوشد ما را دلسرد، سردرگم یا منحرف کند.

تاثیر روحانی ممکن است باعث شود احساس کنید زیر بار مشکلات زندگی، دروغ‌های دشمن و فشار ناامیدی خرد شده‌اید. آن احساس سنگینی که گویی چیزی از هر سو بر شما فشار می‌آورد، می‌تواند نشانه‌ای از تاثیر روحانی باشد. در اشعیا ۳:۶۱ از آن با عنوان «روح یاس و سنگینی» یاد شده است و این می‌تواند با «ردای ستایش» جایگزین شود، یعنی با ستایش صادقانه خدا به خاطر نیکویی باشکوه او در زندگی شما، آن سنگینی می‌گریزد.

با این حال، در همان لحظه‌های آسیب‌پذیر - وقتی خسته‌اید، گرسنه‌اید یا کسی شما را ناامید کرده است - دشمن حمله می‌کند. کتاب مقدس می‌گوید باید هشیار و بیدار باشید، زیرا شیطان همچون شیری غرآن در گردش است و کسی را می‌جوید تا ببلعد (اول پطرس ۵:۸). دشمن می‌کوشد از افراد آسیب‌پذیر سوءاستفاده کند و با زمزمه دروغ در گوششان بگوید که کافی نیستند، شکست خورده‌اند یا خدا آنان را ترک کرده است. این‌ها نمونه‌هایی از تاثیر روحانی هستند. دشمن شاید نتواند جان شما را تسخیر کند، اما تلاش می‌کند ذهن، احساسات و روح شما را مورد حمله قرار دهد تا شما را از بشارت انجیل و از راه رفتن با خدا دلسرد کند. او با ترویج نومیدی می‌کوشد گسترش انجیل را متوقف کند و مانع شود افراد بیشتری به عیسی ایمان بیاورند. اما خدا را نمی‌توان استهزا کرد!

خدا را شکر که این نبردی نیست که مجبور باشید به‌تنهایی آن را بجنگید. شما هرگز تنها نیستید و هرگز بی‌یاور نیستید. روح‌القدس درون شما ساکن است، و او همواره آماده است تا شما را تجهیز کند و به شما کمک کند تا در مقابل نیرنگ‌های دشمن مقاومت کنید و از دل و ذهن شما محافظت کند. شما لازم نیست از ستم دشمن در نبرد روحانی بترسید، زیرا هنگامی که در دعا فریاد برمی‌آورید، مسیح به شما قوت می‌دهد تا در ایمان خود استوار بایستید.

افسسیان ۱۰:۶-۱۳ ما را تشویق می‌کند تا «در خداوند و در قدرت عظیم او نیرومند شویم» و زره کامل خدا را بر تن کنیم تا بتوانیم در برابر نیرنگ‌های ابلیس بایستیم. زره خدا

ما را از حملات ستمگرانه‌ای که می‌کوشند قوت، ایمان، آرامش و شادی ما را تحلیل ببرند، محافظت می‌کند.

فشار دشمن می‌کوشد ما را فرسوده سازد. اما با هر بخش از این زره - حقیقت، پارسایی، صلح، ایمان، نجات و کلام خدا - هر آنچه که برای مقاومت نیاز داریم در اختیار ماست. دشمن ممکن است تلاش کند ذهن شما را با دروغ‌ها بمباران کند یا شما را مغلوب سازد تا همواره تحت فشار روحانی باشید، اما شما سلاح‌هایی برای مقاومت در اختیار دارید و این سلاح‌ها با اتکای به خدا نیرومند عمل می‌کنند (دوم قرن‌تبیان ۱۰:۴). شما هرگز تنها یا بی‌دفاع نیستید.

قدرت ایستادگی در برابر فشار از شما نیست، بلکه از روح‌القدس است که در شما ساکن است. او به شما کمک می‌کند تشخیص دهید چه زمانی مورد حمله قرار گرفته‌اید، و سپس بصیرت لازم را به شما می‌بخشد تا بدانید چگونه در برابر دروغ‌های دشمن مقاومت کنید.

در رومیان ۸:۱۱ آمده است: «و اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح را از مردگان برخیزانید، حتی به بدن‌های فانی شما نیز حیات خواهد بخشید. او این را به واسطه روح خود انجام خواهد داد که در شما ساکن است.» قدرت شگفت‌انگیز روح‌القدس درون شما عمل می‌کند. شما لازم نیست این نبردها را به تنهایی انجام دهید، زیرا روح‌القدس در شما ساکن است.

من دریافته‌ام که یکی از قدرتمندترین راه‌ها برای ایستادگی در برابر تاثیر روحانی، دعاست. وقتی فشار زندگی تهدید می‌کند تا مرا از پا درآورد، نزد خدا دعا می‌کنم. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، ستایش صادقانه خدا یعنی پوشیدن «ردای ستایش» در عوض «روح یاسی» که تاثیر روحانی ایجاد می‌کند (اشعیا ۶۱:۳). به تمامی موضوعاتی که به خاطر آن‌ها خدا را شکر می‌کنید، به‌ویژه نجات خود، فکر کنید. خدا را به خاطر نیکوبی‌اش ستایش کنید! حملات دشمن برای دلسرد کردن و شکست دادن شماست، اما با روح‌القدس که درون شما ساکن است، می‌توانید پیروز شوید (رومیان ۸:۳۷). اجازه ندهید دشمن آرامش یا شادی شما را برباید. به یاد داشته باشید که شما در این نبرد پیشاپیش پیروز شده‌اید. عیسی دشمن را یک‌بار برای همیشه شکست داده است.

پس هنگامی که با نبردهای روحانی در زندگی خود روبه‌رو می‌شوید، فراموش نکنید که تحت محافظت هستید. مسیحیان نمی‌توانند تسخیر شوند، زیرا روح‌القدس ساکن در درونشان نگهبانی می‌دهد. شما ممکن است تحت تأثیر دنیای روحانی قرار بگیرید، به طوری که دیوها از بیرون شما را آزار دهند، اما هرگز دیوها درون شما نخواهند بود. با کمک خدا خواهید توانست در برابر نیرنگ‌های ابلیس مقاومت کنید و در مسیح با آرامش بیاسایید.

پرسش‌هایی برای تامل

- ۱) شما به چه شکل‌هایی تحت تأثیر دنیای روحانی قرار گرفته‌اید؟ چه واکنشی از خود نشان دادید؟
- ۲) چگونه خواندن روزانه کتاب مقدس به شما کمک می‌کند تا حضور روح‌القدس ساکن در درون‌تان را به یاد آورید تا بتوانید در هنگام نبردهای روحانی اطمینان خاطر داشته باشید؟
- ۳) اگر فردی هستید که معمولاً همه چیز را خودتان انجام می‌دهید، چگونه می‌توانید اعتماد کنید که خدا دعاهای شما را می‌شنود و خود او نبردهای روحانی شما را خواهد جنگید؟
- ۴) چگونه می‌توانید دوستی را که ممکن است تحت تأثیر دنیای روحانی قرار گرفته باشد تشویق کنید و راهنمایی کتاب مقدسی به او ارایه کنید تا او نیز بدانند چگونه با نبرد روحانی روبه‌رو شود؟

خواهر عزیزم، شما هرگز در این نبرد تنها نیستید. روح‌القدس درون شماست و آماده است تا به شما کمک کند در برابر هر حمله‌ای بایستید. شما در مسیح امنیت دارید و او می‌تواند بر هر حمله روحانی که دشمن بر علیه شما انجام می‌دهد، غلبه کند. چشمان خود را بر او بدوزید و به یاد داشته باشید: او همیشه با شماست.

فصل سوم

اعتماد کردن به عیسی برای جنگیدن در نبرد

اگر شما از آن دسته افرادی هستید که عادت دارید همه چیز را خودتان انجام دهید، یا اگر با مسئله کنترل یا اعتماد دست‌وپنجه نرم می‌کنید، ممکن است فکر کنید لازم است خودتان مسئولیت را به دست بگیرید و از اقتدار خود برای جنگیدن با ابلیس استفاده کنید. شاید خود را مانند «بافی، قاتل خون‌آشام‌ها» یا «ژان دارک» تصور کنید که به نام عیسی دیوها را تعقیب می‌کند و می‌راند. شاید بگویید بالاخره ما در مسیح اقتدار یافته‌ایم، مگر این‌طور نیست؟ و عیسی هم گفت که بر دشمن قدرت داریم (لوقا ۱۰:۱۹). پس فقط باید مستقیماً به ابلیس دستور دهیم که برود، درست است؟

وقتی احساس می‌کنید مورد حمله قرار گرفته‌اید، ممکن است واکنشی فوری مانند زمانی که با چکش به زانوی شما زده می‌شود و پای شما واکنش نشان می‌دهد، بخواهید خودتان مشکل را حل کنید. شما فشار را احساس می‌کنید، اضطراب را احساس می‌کنید، یاس و سنگینی را احساس می‌کنید و با خود می‌گویید: «باید پیش‌قدم شوم و به ابلیس فرمان بدهم تا برود!» فیلم‌هایی را به یاد می‌آورید که در آن جن‌گیران به شیطان دستور می‌دهند که خارج شود، یا ویدیوهای نمایشی خدمات آزدسازی را به خاطر می‌آورید. و در همان لحظه پرتنش، ممکن است موقتاً فراموش کنیم که عیسی همیشه با ماست.

دلیلی وجود دارد که کتاب مقدس ما را تشویق می‌کند تا همیشه به عیسی تکیه کنیم، به‌ویژه در نبرد با نیروهای تاریکی. حقیقت این است که ورود به میدان مبارزه با ابلیس و تلاش برای نهیب زدن به او، از نظر روحانی کاری خطرناک و غیرحکیمانه است. چرا تجسم شرارت که از انسان نفرت دارد باید به سخن ما گوش دهد، حتی اگر در پایان بگوییم «به نام عیسی»؟ ممکن است ابلیس وانمود کند که ما را تنها گذاشته است، اما سپس با دیوهای دیگر بازگردد، زیرا او برای انسان احترامی قائل نیست. باز هم تأکید می‌کنم: مسئله این نیست که آیا عیسی به شما اقتدار داده است یا خیر؛ مسئله رفتار حکیمانه است.

عهد جدید شامل «رساله‌ها» یا نامه‌هایی است که رسولان به کلیساهای اولیه نوشتند. این رساله‌ها دستورالعمل‌هایی برای همه ایمانداران هستند. هیچ‌یک از این رساله‌ها به مسیحیان دستور نمی‌دهند که دیوها را بیرون کنند. حتی یک مورد هم وجود ندارد! در عوض، رساله‌ها به ما تعلیم می‌دهند چگونه از خود در نبرد روحانی محافظت کنیم؛ همان‌گونه که در این کتاب بررسی خواهیم کرد.

ما با جسم و خون جنگ نمی‌کنیم، بلکه با فرمانروایان، قدرت‌ها و نیروهای تاریکی می‌جنگیم (افسیسیان ۱۲:۶). ابلیس مکار است؛ آیا واقعاً باور داریم که او از فرمان یک انسان اطاعت کند، حتی اگر آن شخص بگوید «به نام عیسی»؟ خیر! ابلیس راه دیگری برای حمله به انسان پیدا خواهد کرد، زیرا او تنها از دستور مستقیم خدا اطاعت می‌کند، همان‌طور که در کتاب ایوب با این حقیقت روبرو می‌شویم. در اعمال رسولان ۱۹:۱۳-۱۶ نیز می‌بینیم افرادی نام عیسی را به کار می‌بردند و تلاش می‌کنند تا دیوها را بیرون کنند. اما دیوی که آن مرد را تسخیر کرده بود پاسخ می‌دهد: «عیسی را می‌شناسم و پولس را می‌دانم، اما شما که هستید؟» سپس آن مرد دیپوزده به سوی آنان حمله می‌کند و آنان برهنه و زخمی از خانه می‌گریزند. چرا چنین شد؟ آن افراد با قوت خود عمل کردند و این روایت پایان خوبی نداشت. این داستان برای ما همچون هشدار است. نشان می‌دهد که صرفاً استفاده از نام عیسی مانند یک فرمول جادویی کفایت نمی‌کند. دلیلی وجود دارد که باید برای بیرون راندن دیوها به عیسی تکیه کنیم، نه به خودمان!

ابلیس بسیار پیش از ما وجود داشته است و می‌داند چگونه فریب دهد، سردرگم کند و حتی بترساند. فرمان دادن به ابلیس مانند این است که کودکی را به میدان نبرد بفرستیم در حالی که پادشاه پیشنهاد داده است خود به جنگ برود.

خود عیسی راه را به ما نشان می‌دهد. هنگامی که عیسی در بیابان توسط ابلیس وسوسه شد، گفت: «نوشته شده است...» و از کتاب مقدس نقل قول کرد. در این روایت هیچ اشاره‌ای نیست که عیسی فریاد زده باشد یا درگیر نمایش‌های آزادسازی شده باشد. عیسی با کلام خدا به ابلیس پاسخ داد. ما نیز باید در رویارویی و نبرد روحانی به دستورالعمل‌های کتاب مقدس تکیه کنیم.

نبرد روحانی چیزی نیست که با غرور یا اتکا به خود به آن نزدیک شویم. در افسسیان ۱۰:۱۱ آمده است:

«باری، در خداوند، و به پشتوانه قدرت مقتدر او، نیرومند باشید. اسلحه کامل خدا را بر تن کنید تا بتوانید در برابر حيله‌های ابلیس بایستید.» توجه کنید که ما با قوت او نیرومند می‌شویم، نه با تکیه به خود! ما نباید با تکیه بر اعتماد به نفس خود عمل کنیم، بلکه باید به تنها چیزی که قدرت واقعی به ما می‌بخشد، یعنی عیسی تکیه کنیم. با ابلیس یا دیوها به‌طور مستقیم و رودر رو صحبت نکنید. وقتی در نبرد هستید، از عیسی کمک بطلبید و او حاضر خواهد بود.

خدمات آزادسازی به صنعتی بزرگ و سودآور تبدیل شده‌اند و از منتقدان کسب‌وکار پول‌ساز خود، خوششان نمی‌آید. بنابراین ادعا می‌کنند که منتقدان «روح مذهب» دارند (اصطلاحی ساختگی که در کتاب مقدس وجود ندارد). یا می‌گویند منتقدان به روح القدس کفر می‌گویند، در حالی که آن عبارت فقط درباره کسانی به کار می‌رود که انجیل را رد می‌کنند. لطفاً با بصیرت عمل کنید و همه چیز را با کتاب مقدس بسنجید (اعمال رسولان ۱۷:۱۱). کتاب مقدس ما را دعوت می‌کند تا در برابر دشمن مقاومت کنیم (یعقوب ۴:۷)، نه اینکه با او بجنگیم. ما بر عیسی تکیه می‌کنیم و زره کامل خدا را بر تن می‌نماییم. عیسی همان کسی است که یک‌بار برای همیشه دشمن را بر صلیب شکست داد، و او همان کسی است که اکنون برای ما می‌جنگد. ما نیازی نداریم چیزی را به دشمن ثابت کنیم یا قوت خود را به نمایش بگذاریم. ما باید خود را به خدا تسلیم کنیم و به آن کسی تکیه کنیم که پیروزی را به دست آورده است.

پرسش‌هایی برای تامل

- ۱) آیا در تسلیم شدن به خدا یا اعتماد کردن به او مشکل دارید؟
- ۲) آیا برای دریافت کمک درباره مشکلاتی که در زمینه کنترل یا اعتماد کردن دارید، دعا کرده‌اید؟ آیا این مسائل باعث می‌شوند بخواهید همه چیز را خودتان انجام دهید؟ آیا در اعتماد کردن به برنامه‌ها و زمان‌بندی خدا مشکل دارید؟

۳) در کدام بخش از زندگی خود سعی می‌کنید همه چیز را به تنهایی مدیریت کنید، به جای اینکه برای دریافت کمک از خدا درخواست کنید؟

۴) چگونه می‌توانید به یاد داشته باشید که در هنگام نبردهای روحانی برای امداد الهی، دعا کنید؟ خواهر عزیزم، این نبرد واقعی است، اما پیروزی از پیش به دست آمده است. تلاش نکنید با قوت خودتان بجنگید. به عیسی به‌عنوان پادشاه خود اعتماد کنید و در این حقیقت آرام بگیرید که او پیشاپیش دشمن را شکست داده است.

فصل چهارم مقاومت در برابر ابلیس

«پس تسلیم خدا باشید. در برابر ابلیس ایستادگی کنید، که از شما خواهد گریخت. به خدا نزدیک شوید، که او نیز به شما نزدیک خواهد شد. ای گناهکاران، دستهای خود را پاک کنید، و ای دو دلان، دل‌های خود را طاهر سازید.» (یعقوب ۴: ۷-۸)

نبرد روحانی همانند فیلم‌های جن‌گیری نیست که در آن نبردهای نمایشی به‌طور آشکار دیده می‌شود. ابلیس از این بسیار مکارتر و ظریف‌تر عمل می‌کند. او با وسوسه‌ها، با زمزمه دلسردی، و با آزار دادن شما هنگامی که می‌کوشید بخوابید، علیه مسیحیان می‌جنگد. البته ابلیس مانند خدا نیست؛ بنابراین همه‌جا حاضر (حاضر مطلق) یا همه‌چیزدان (دانای مطلق) نیست. با این حال، او شرارات محض است که هزاران سال انسان‌ها را مطالعه کرده است. هدف او این است که با خدا رقابت کند تا هرچه بیشتر جان‌ها را «به گمراهی بکشد» و آنان را به جایگاه عذاب ابدی خود بکشاند.

آیا تا به حال توجه کرده‌اید که وقتی خسته‌اید، از نظر احساسی آسیب‌پذیر هستید، یا درست پس از آنکه انجیل را با کسی در میان گذاشته‌اید، ابلیس چه سریع می‌تواند به شما حمله کند؟ با این حال، تکیه بر قوت یا اراده خودمان برای مقاومت در برابر دشمن بیهوده است.

بخش نخست یعقوب ۴: ۷ به ما می‌گوید: «پس تسلیم خدا باشید.» تسلیم شدن واژه‌ای نیست که بخواهیم آن را بشنویم. این واژه گویی به معنای رها کردن کنترل است، این‌طور نیست؟ اما تسلیم شدن به خدا یعنی پذیرفتن این حقیقت که او بهتر از ما می‌داند. این یعنی با تمام دل بر خداوند توکل کردن (امثال ۳: ۵). تسلیم شدن یعنی درک این حقیقت که اراده خدا برتر از دانش محدود انسانی ماست.

تسلیم شدن همچنین به معنای اطاعت از کلام خداست. البته این به معنای شریعت‌گرایی نیست؛ شریعت‌گرایی یعنی باور داشتن به این که انسان توسط اعمال نیک خود نجات می‌یابد،

در حالی که کتاب مقدس به روشنی می‌گوید ما به واسطه فیض و رحمت خدا نجات می‌یابیم. هنگامی که نجات می‌یابیم، خدا قلبی تازه به ما می‌بخشد که می‌تواند خدا را خشنود سازد. اطاعت سبب نجات نیست، بلکه نتیجه نجات است.

جمله دوم در یعقوب ۷:۴ نیز به همان اندازه مهم است: «... در برابر ابلیس ایستادگی کنید که از شما خواهد گریخت.» ابلیس مانند دزد خانه‌ای است که به دنبال هدف‌های آسان می‌گردد. خانه‌ای که دروازه، سگ‌های نگهبان، چراغ‌های امنیتی و دوربین دارد، معمولاً نادیده گرفته می‌شود و به جای آن خانه‌هایی انتخاب می‌شوند که هیچ امنیتی ندارند. به همین شکل، ابلیس از مسیحیانی که تسلیم خدا و مطیع او هستند دوری می‌کند، زیرا می‌داند که آنان در دام‌ها و وسوسه‌های او گرفتار نخواهند شد.

مقاومت در برابر ابلیس یعنی در ایمان خود به قوت خدا استوار بایستیم (نه اینکه به اراده شخصی یا توانایی خود تکیه کنیم). همان‌طور که آیه بعدی اعلام می‌کند: «به خدا نزدیک شوید که او نیز به شما نزدیک خواهد شد.» (یعقوب ۸:۴).

دشمن می‌خواهد شما را منزوی بگرداند و از سرچشمه قوت‌تان جدا سازد. هنگامی که در میان کشمکش‌ها قرار دارید، آیا متوجه می‌شوید که از خدا فاصله گرفته‌اید یا به او نزدیک‌تر شده‌اید؟

بباید صادق باشیم. وقتی دلسرد یا مغلوب مشکلات هستیم، وسوسه می‌شویم که از خدا فاصله بگیریم. با این حال، خدا ما را فرا می‌خواند که به او نزدیک شویم. منشأ قوت ما همین‌جاست. نزدیک شدن به خدا یک احساس جسمانی یا عاطفی نیست. این تصمیمی است برای اینکه خود را در مطالعه کتاب مقدس و دعای مشتاقانه متمرکز نگاه داریم. شاید حضور خدا را احساس نکنید، اما می‌توانید اعتماد داشته باشید که او آنجاست.

در جنگ روحانی، یکی از نیرومندترین کارهایی که می‌توانید انجام دهید این است که در میانه نبرد به سوی خدا بازگردید. دعا، پرستش، و مشغول شدن در کلام او ابزارهایی هستند که شما را به او نزدیک می‌کنند و کمک‌تان می‌کنند در برابر دشمن مقاومت کنید. وقتی احساس ضعف می‌کنید، وعده‌های خدا را به یاد بیاورید. آنها وعده‌ها را با صدای بلند اعلام کنید.

با مداومت در مطالعه روزانه کتاب مقدس و تکیه بر قوت خدا، می‌توانیم مطیع خدا باشیم و در برابر ابلیس مقاومت کنیم. به وعده‌های خدا اعتماد کنید که ابلیس خواهد گریخت!

پرسش‌هایی برای تأمل

- ۱) آیا اخیراً با وسوسه‌ای دست‌وپنجه نرم کرده‌اید؟ چگونه در برابر آن مقاومت کردید؟
- ۲) اکنون در چه زمینه‌هایی نسبت به زمان پیش از نجات خود، نسبت به خدا اطاعت بیشتری دارید؟
- ۳) چگونه می‌توانید برنامه خود را طوری تنظیم کنید که مطمئن شوید هر روز کتاب مقدس را می‌خوانید؟
- ۴) چه تغییراتی باید ایجاد کنید تا به شما کمک کند در برابر ابلیس مقاومت کنید، مانند دوری از بعضی مکان‌ها یا بعضی افراد؟

فصل پنجم در ایمان خود استوار بایستید

«هشیار و مراقب باشید، زیرا دشمن شما ابلیس همچون شیری غران در گردش است و کسی را می‌جوید تا ببلعد. پس در ایمان راسخ باشید و در برابر او بایستید، زیرا آگاهید که برادران شما در دنیا با همین زحمات روبه‌رویند.» (اول پطرس ۵: ۸-۹)

آیا تا به حال چنین احساسی داشته‌اید که کاملاً به‌تنهایی درگیر نبرد و کشمکش هستید، و هیچ‌کس نه احساس شما را درک می‌کند و نه برای کمک پیش‌قدم می‌شود؟ شاید از این‌که وضعیت خود را به دیگران بگویید، احساس شرم می‌کنید. احساس تنهایی یا منزوی بودن می‌تواند یکی از تاکتیک‌های ابلیس در جنگ روحانی باشد.

همه مسیحیان با نبردهای روحانی‌ای همچون ترس، وسوسه، تنهایی، یا شک روبه‌رو می‌شوند. ابلیس ممکن است بکوشد میان ما جدایی بیندازد و ما خود را منزوی احساس کنیم، اما حقیقت این است که ما بخشی از خانواده‌ای جهانی از ایمانداران هستیم که مسیح سر آن است. ما تنها نیستیم.

کلید استوار ماندن، ایمان است. بزرگ‌ترین راهبرد دشمن این است که به ایمان شما حمله کند و بکوشد شما را وادار کند تا نیکویی خدا، نقشه او برای زندگی‌تان، یا حتی اصل وجود او را زیر سؤال ببرید. نبرد از همین‌جا آغاز می‌شود: در دل‌ها و ذهن‌های ما! وقتی سنگینی شک، ترس، یا دلسردی را احساس می‌کنید، همان زمانی است که دشمن می‌کوشد شما را ببلعد.

در اول پطرس ۵: ۹ از ما خواسته شده است که در برابر او بایستیم و در ایمان خود استوار باشیم. نه به قوت خودمان، نه به حکمت خودمان، بلکه با ایمان به خدا.

استوار ماندن در ایمان به این معنا نیست که با سختی‌ها روبه‌رو نخواهید شد؛ بلکه یعنی حتی در میان سختی‌ها نیز به این حقیقت چنگ بزنید که خدا از شرایط شما بزرگ‌تر است. یعنی نگذارید دروغ‌های دشمن اعتماد شما را به خدا متزلزل کند. به‌جای آنکه اجازه دهید

ترس یا شک بر شما حاکم شود، انتخاب می‌کنید که به خدا اعتماد کنید. هرچه بیشتر کتاب مقدس را مطالعه کنید، بیشتر درباره خدا خواهید آموخت و بیشتر به او اعتماد خواهید کرد.

به تصویر شیرِ غرّانی که پطرس به کار می‌برد، فکر کنید. در عصر کتاب مقدس، شیر تهدیدی واقعی برای شبانان و مسافران محسوب می‌شد. تشبیه ابلیس به موجودی مرگبار که در گردش است، فوریتِ ایستادگی در برابر نقشه‌های شریانه او را نشان می‌دهد. ما باید هشیار و خویشتن‌دار باشیم و از دام‌های ابلیس دوری کنیم.

در ضمن، «خویشتن‌داری» لزوماً فقط به معنای پرهیز از الکل نیست. کتاب مقدس می‌گوید مستی گناه است، چون شامل از دست دادن حواس فردی می‌شود که آن را مصرف نموده است. من از سال ۲۰۰۴ بدون الکل و هرگونه مستی، با آگاهی کامل زندگی کرده‌ام؛ با این حال، فکر نمی‌کنم برای مسیحیان اشکالی داشته باشد که یک لیوان شراب بنوشند، مگر آنکه به مستی بینجامد. می‌توانید تصور کنید که ابلیس چگونه از کسانی که در مصرف مواد مخدر یا الکل زیاده‌روی می‌کنند سوءاستفاده می‌کند.

عیسی را سپاس که قدرتِ دشمن را بر صلیب درهم شکست! به‌عنوان یک ایماندار، شما به روح‌القدس مَهْر شده‌اید و عیسی همیشه با شماست. ما به وعده‌ها و دلگرمی‌های خدا در کلام او می‌چسبیم، مانند دوم تسالونیکیان ۳:۳ که می‌گوید: «اُمّا خداوند امین است؛ او شما را نیرو می‌بخشد و از آن شریر حفظ می‌کند.»

یکی از بهترین راه‌هایی که ایمان خود را بنا می‌کنیم، خواندن روزانه کتاب مقدس است. هرچه بیشتر کلام خدا را بخوانید و در آن تعمق کنید، ایمان‌تان بیشتر رشد می‌کند. و وقتی ایمان‌تان رشد می‌کند، تجهیز می‌شوید تا در برابر دروغ‌های ابلیس استوار بایستید.

پرسش‌هایی برای تأمل

۱) چه زمانی متوجه می‌شوید که ایمان‌تان از هر وقت دیگر قوی‌تر است؟ چه چیزهایی ایمان شما را تقویت می‌کند؟ چه چیزهایی، که می‌توانید از آنها دوری کنید، معمولاً ایمان‌تان را تضعیف می‌کند؟

۲) وقتی نیاز دارید که ایمان تان تازه شود، به کدام کتاب‌ها یا بخش‌های کتاب مقدس رجوع می‌کنید؟

۳) آیا می‌توانید زمانی را به یاد بیاورید که دشمن با زدن اتهام یا با یادآوری گذشته گناه‌آلودتان تلاش کرد شما را دلسرد کند؟ با آن چگونه برخورد کردید؟

۴) به دوستی که ممکن است در ایمانش در کشمکش باشد، چه می‌گویید؟ استوار ایستادن در ایمان همیشه آسان نیست، اما همیشه ارزشش را دارد.

فصل ششم هر اندیشه را اسیر سازید

«زیرا هر چند در این دنیا به سر می‌بریم، اما به روش دنیوی نمی‌جنگیم. چرا که اسلحهٔ جنگ ما دنیوی نیست، بلکه به نیروی الهی قادر به انهدام دژهاست. ما استدلالها و هر ادعای تکبرآمیز را که در برابر شناخت خدا قد علم کند ویران می‌کنیم و هر اندیشه‌ای را به اطاعت از مسیح اسیر می‌سازیم.» (دوم قرنتیان ۱۰:۳-۵)

نبرد روحانی همیشه شبیه رویارویی نمایشی با یک دشمن نیست. این جنگ اغلب از افکار ما آغاز می‌شود. ابلیس دوست دارد ذهن شما را هدف بگیرد، چون می‌داند اگر بتواند بر افکار شما اثر بگذارد، می‌تواند اعمال شما را کنترل کند. آنچه درباره‌اش فکر می‌کنید بر احساس شما اثر می‌گذارد، و احساس شما رفتار شما را شکل می‌دهد. پس اگر دشمن بتواند افکار شما را دستکاری کند، می‌تواند بکوشد شما را به راهی ویرانگر بکشاند.

بیاید نگاهی دقیق‌تر به دوم قرنتیان ۱۰:۳-۵ بیندازیم که به ما یادآوری می‌کند نبرد ما روحانی است، نه جسمانی. ابلیس می‌کوشد مسیحیان را با دژهایی مانند وسوسه به گناه، سردرگمی ناشی از تعالیم انجیل دروغین، و دلسردی شکست دهد.

در همین راستای نبرد روحانی، خدا ایمانداران را به سلاح‌های روحانی مجهز می‌کند. این سلاح‌ها به قدرت عظیم خدا دژهای ابلیس را فرو می‌ریزند. این به آن معنا نیست که ما باید شتاب‌زده به نبرد با ابلیس برویم، که چنین کاری ناپخته است؛ مانند کودکی که با جانوری وحشی و خشمگین بجنگد. همه نبردها را خدا می‌جنگد.

اگر ناآگاهانه با تعالیم دروغین فریب خورده باشیم، هنگامی که طرز فکر خود را زیر فرمان اقتدار و حقیقت مسیح بیاوریم، خدا می‌تواند این دژها را فرو بریزد. ما باید «هر اندیشه را اسیر سازیم»، یعنی هشیار و مراقب باشیم و هر تعلیم و هر فکر را با کتاب مقدس بسنجیم تا فریب نخوریم.

پس وقتی ابلیس ما را متهم می‌کند تا دلسردمان سازد، باید به یاد داشته باشیم که اینها افکاری از جانب خدا نیستند. اینها دروغ‌های دشمن‌اند که طراحی شده‌اند تا ما را از حقیقتِ هویت‌مان در مسیح دور کنند. ما نباید هر فکری که به ذهن‌مان می‌آید را بپذیریم. کتاب مقدس می‌گوید که ما به واسطه خدا این قدرت را داریم که «استدلالها و هر ادعای تکبرآمیز را که در برابر شناخت خدا قد علم کند، ویران کنیم.» به سخن دیگر، ما این اقتدار را داریم که هر فکری را که با حقیقتِ خدا همسو نیست رد کنیم. این قوت از خدا می‌آید، و توانایی تشخیص تعالیمِ دروغین از تعالیمِ راستین، از راه مطالعه روزانه کتاب مقدس و دعا به دست می‌آید.

چنان که رومیان ۲:۱۲ می‌گوید: «و دیگر همشکل این عصر مشوید، بلکه با نو شدن ذهن خود دگرگون شوید. آنگاه قادر به تشخیص اراده خدا خواهید بود؛ اراده نیکو، پسندیده و کامل او.»

این آیه از نوسازی درونی ذهن شما سخن می‌گوید که از راه مطالعه روزانه کتاب مقدس و دعا پدید می‌آید و افکار شما را با اراده خدا همسو می‌سازد. از طریق این فرایند، تعالیمِ دروغین و دروغ‌های دشمن فوراً همچون نغمه‌هایی ناهنجار شناخته می‌شوند که باید نادیده گرفته شوند و کنار گذاشته شوند.

یکی از راه‌های عملی انجام این کار این است که آن افکار منفی و ویرانگر را بردارید و آنها را با کلام خدا جایگزین کنید. وقتی دشمن به شما می‌گوید که کافی نیستید، کلام خدا می‌گوید که عجیب و مهیب ساخته شده‌اید (مزامیر ۱۳۹:۱۴). وقتی احساس می‌کنید که امیدی ندارید، کلام خدا می‌گوید که در مسیح از کمال برخوردار گشته‌اید (کولسیان ۲:۱۰). وقتی ترس بر شما غلبه می‌کند، کلام خدا به شما می‌گوید که او روح ترس را به ما نداده، بلکه روح قوت و محبت و انضباط (دوم تیموتائوس ۱:۷). البته موضوع، شایستگی یا لیاقت خود ما نیست، بلکه آن چیزی است که خداوند و منجی بی‌گناه ما، عیسی مسیح، بر صلیب برای ما انجام داد. وقتی افکار خود را تسلیم او می‌سازید، ذهن شما از آرامش بیشتری برخوردار می‌شود. دیگر اجازه نمی‌دهید دشمن تعیین کند که چگونه فکر کنید، بلکه اجازه می‌دهید حقیقت خدا بر افکار شما حکم براند. وقتی دروغ‌های دشمن درباره گناهان گذشته یا هویت‌تان شروع به سر برآوردن می‌کند، آنها را در برابر حقیقت کلام خدا قرار دهید. دروغ‌ها را رد کنید و انتخاب

کنید که بر هرآنچه راست است، هرآنچه والاست، هرآنچه درست است، هرآنچه پاک است، هرآنچه دوست‌داشتنی و هرآنچه ستودنی است تمرکز کنید (فیلیپیان ۸:۴ را مطالعه کنید).

پرسش‌هایی برای تأمل

- ۱) با چه تعالیمِ دروغینی روبرو شده‌اید که وقتی آنها را با کتاب‌مقدس مقایسه نمودید، آنها را رد کردید؟
- ۲) آیا تا به حال پیش آمده که بترسید خدا شما را دوست ندارد، یا برای آنکه خدا از شما را به خدمت بگیرد، به اندازه کافی «خوب» نیستید؟ به جای آنکه تسلیم این نبرد روحانی شوید، چه راه‌هایی برای مقابله با اتهام‌های ابلیس وجود دارد؟
- ۳) چه آیاتِ مشخصی را می‌توانید حفظ کنید تا وقتی دروغ‌های دشمن به سراغ‌تان می‌آید، با آنها مقابله کنید؟
- ۴) وقتی از افکارِ آزاردهنده احساس فشار می‌کنید، چگونه می‌توانید تمرکز خود را به حقیقتِ خدا معطوف کنید؟

به یاد داشته باشید که پاسداری از ذهن، فرایندی مستمر است. شما باید بارها و بارها هر اندیشه را اسیر سازید. اما با کلامِ خدا به‌عنوان سلاح خود، می‌توانید در حقیقت استوار بایستید و در آرامشی گام بردارید که فقط او می‌تواند عطا کند. خواهر عزیز، نگذارید دشمن در ذهن شما جای پای پیدا کند! در کلامِ خدا بمانید، در ایمان استوار بایستید، و همیشه دعا کنید.

فصل هفتم

سپر ایمان

«افزون بر این همه، سپر ایمان را بگیرید، تا بتوانید با آن، همه تیرهای آتشین آن شریر را خاموش کنید.» (افسسیان ۱۶:۶)

نبرد روحانی با سلاح‌های جسمانی انجام نمی‌گیرد، بلکه با دعا، مطالعه کتاب مقدس، انجیل، و ایمان. دشمن به روش‌های غیرمنتظره‌ای به ما حمله می‌کند و اغلب ناامنی، شک، و ترس‌های ما را هدف می‌گیرد. خدا را سپاس برای اینکه به ما سپری داده است که می‌تواند همه حملات دشمن را خاموش کند!

در نبردهای طبیعی، سربازان از سپر استفاده می‌کنند تا خود را از خطر اصابت پرتابه‌ها حفظ کنند؛ سپر همچون مانعی میان آنان و دشمن قرار می‌گیرد. سپر آنان را از آسیب محفوظ نگه می‌دارد.

به همین ترتیب، سپر ایمان نیز همچون مانعی بین ما و حملات دشمن عمل می‌کند. ایمان از ما محافظت می‌کند، زیرا حقیقت خدا، وعده‌های او، و قدرت او را به ما یادآوری می‌کند. وقتی دشمن تیرهای آتشین خود، مانند شک، ترس، وسوسه‌ها، و دروغ‌ها را پرتاب می‌کند، ما می‌توانیم سپر ایمان را بالا بگیریم، آن حملات را دفع کنیم، و در قوت خدا استوار بایستیم.

توجه کنید که کتاب مقدس به ما می‌گوید سپر ایمان را «در همه شرایط» بگیریم. این انتخابی فعال از جانب ماست. وقتی با سختی‌ها روبه‌رو می‌شوید، خواه چالشی غیرمنتظره در محل کار باشد، خواه رابطه‌ای دشوار، یا نگرانی‌ای درباره سلامتی، سپر ایمان را برمی‌دارید؟ یا اجازه می‌دهید ترس و شک بر شما غلبه کند؟ انتخاب روشن است.

ایمان، کلید استوار ایستادن در برابر حملات دشمن است. دشمن می‌خواهد ما را به تردید در حاکمیت، قدرت، و نیکویی خدا بکشاند. او می‌خواهد ما خدا را زیر سؤال ببریم که آیا او

واقعاً خیر ما را می‌خواهد یا خیر! ابلیس می‌خواهد با دلسرد کردن و نومید ساختن شما، در رابطه شما با خدا رخنه ایجاد کند.

این موضوع اصلاً درباره تلقین‌های دنیوی نیست که می‌گویند: «به خودت ایمان داشته باش.» این موضوع صددرصد درباره ایمان به خداست. نجات ما بر پارسایی عیسی استوار است، نه بر پارسایی خود ما. ابلیس به ما حمله می‌کند تا بکوشد ایمان ما را به خدا تضعیف کند. ابلیس همچنین امیدوار است ما را وادار کند در توانایی خود برای اعلام انجیل و شاگرد-سازی، آن‌گونه که عیسی در فرمان بزرگ به همه ایمانداران دستور داده است، شک کنیم. با این حال، بشارت ما بر قوت خدا تکیه دارد، نه بر قوت خودمان. پس ابلیس واقعاً هیچ استدلال موجهی ندارد.

به همین سبب، بالا گرفتن سپر ایمان یعنی مقابله با دروغ‌های شیطان توسط حقیقت خدا است. اگر ایمان شما به سبب تحمل آزمایش‌های سخت سست می‌شود، به کلام خدا روی آورید. کتاب مقدس را بخوانید یا به فایل‌های صوتی آن گوش دهید. با اشتیاق دعا کنید که خدا امید، دلگرمی، و ایمان شما را بیشتر کند. به یاد داشته باشید که نقشه‌های خدا بسیار بهتر از نقشه‌های ما هستند؛ بنابراین، ممکن است او دعا‌های شما را درباره شرایط کنونی‌تان به شیوه‌هایی پاسخ دهد که در ابتدا شما را ناامید کند. این می‌تواند آزمودن شما از سوی خدا یا هدایت کردن شما به مسیری بهتر باشد.

شدرک، میشک، و عبدنغو به درون کوره‌ای آتشین افکنده شدند، زیرا نخواستند تمثال طلایی پادشاه را بپرستند. با این حال، ایمان آنان به خدا تزلزل‌ناپذیر بود. آنان گفتند اگر چنین است، خدای ما که او را عبادت می‌کنیم، قادر است ما را از کوره آتشین آفروخته برهاند، و ما را از دست تو، ای پادشاه، رهایی خواهد داد. اما حتی اگر نرهند، بر تو معلوم باد، ای پادشاه، که خدایان تو را عبادت نخواهیم کرد و تمثال طلایی را که برپا داشته‌ای، سجده نخواهیم نمود (دانیال ۳: ۱۷-۱۸).

سپر ایمان آنان از ایشان در برابر ترس و فشاری که پیرامون‌شان بر آنها وارد می‌کردند، محافظت نمود. عیسی به‌عنوان نفر چهارم در تون آتش ظاهر شد و به‌طرزی پر قدرت از آنان محافظت کرد.

به همین گونه، ایمان ما همچون سپری عمل می‌کند که ما را از حملات دشمن محافظت می‌کند. اما این سپر فقط از ما محافظت نمی‌کند؛ بلکه تیرهای آتشین دشمن را نیز خاموش می‌سازد. کتاب مقدس می‌گوید که سپر ایمان می‌تواند «همه تیرهای آتشین آن شریر را خاموش کند.» دشمن تیرهای آتشین خود را به سوی ما پرتاب می‌کند، مانند وسوسه‌ها، اتهام‌ها، و ترس‌ها. این تیرها ممکن است به شکل دروغ‌هایی از این دست بیایند: «تو به اندازه کافی خوب نیستی»، «گناهان گذشته تو بخشودنی نیستند»، یا «خدا به تو اهمیتی نمی‌دهد.» تیرهای آتشین دشمن ممکن است به شکل ترس‌هایی درباره آینده یا توانمندی شما نیز ظاهر شوند. اما وقتی ما سپر ایمان را بالا می‌بریم، آن تیرها نمی‌توانند نفوذ کنند. ایمان آنها را دفع می‌کند و دروغ‌های ابلیس با برخورد با سپر برمی‌گردند.

هرچه بیشتر سپر ایمان را بالا بگیریم، این عمل بیشتر به واکنشی طبیعی در ما تبدیل می‌شود. هرچه بیشتر بر کلام خدا بایستیم و انتخاب کنیم که ایمان بیاوریم، بیشتر یاد می‌گیریم که به او اعتماد کنیم و هرچه بیشتر به او اعتماد کنیم، ایمان ما نیرومندتر می‌شود. مطالعه فهرست قهرمانان ایمان در عبرانیان فصل ۱۱ دلگرم‌کننده است. عبارت «چنین ابری عظیم از شاهدان» از عبرانیان ۱:۱۲ می‌آید و به مردان و زنانی اشاره دارد که در عبرانیان فصل ۱۱ توصیف شده‌اند؛ کسانی که ما را تشویق می‌کنند به پیش رفتن ادامه دهیم و به خداوند ایمان داشته باشیم.

پرسش‌هایی برای تأمل

- ۱) تاکنون با چه تیرهای آتشی از سوی دشمن روبه‌رو شده‌اید؟ ایمان شما به خدا، چگونه به شما کمک کرده است تا در برابر این تیرها محافظت شوید؟
- ۲) آیا متوجه شده‌اید یادآوری راه‌هایی که خدا توسط آنها به شما کمک کرده است، می‌تواند ایمان شما را تقویت کند؟
- ۳) چگونه می‌توانید در اوقات رنج و آزمایش، تشویق شوید و در ایمان تان استوار بمانید؟
- ۴) چه راه‌هایی وجود دارد که به خود یادآوری کنید هنگام وقوع حمله‌ها، سپر ایمان را بالا بگیرید؟

ایمان سپری قدرتمند است که می‌توانید هر روز از آن استفاده کنید. هر زمان که ترس سر برمی‌آورد و شک‌ها آرام‌آرام وارد می‌شوند، به یاد داشته باشید که سپری دارید که از شما محافظت می‌کند. ایمان هر شخصی گاهی دچار تزلزل می‌شود، پس لطفاً اگر برای تقویت ایمان‌تان به کمک خدا، دعاء و مطالعه کتاب‌مقدس نیاز دارید، خود را محکوم نکنید. او زمانی که به سوی او بازگردید، به شما کمک خواهد کرد.

فصل هشتم

کلاhexود نجات

«کلاhexود نجات را بر سر نهید و شمشیر روح را که کلام خداست، به دست گیرید.» (افسیسیان ۱۷:۶)

کلاhexود بخشی از زره‌ای است که از سر محافظت می‌کند، و سر یکی از آسیب‌پذیرترین اعضای بدن ماست. همان‌طور که بحث کردیم، ذهن شما هدف اصلی دشمن در تلاش او برای دلسرد کردن و سردرگم نمودن شماست. به همین دلیل، کلاhexود نجات برای محافظت از شما در زمان نبرد روحانی ضروری است. کلاhexود نجات از ذهن‌های ما محافظت می‌کند، به ما اطمینان می‌بخشد که خدا حاکم است، و ما را از دروغ‌های دشمن محفوظ می‌دارد. کلاhexود نجات به ما یادآوری می‌کند که کار عیسی بر صلیب کامل شد. کسانی که به عیسی توکل دارند، در امنیت هستند. این محافظت ما را از حمله‌های دشمن به هویت ما، ایمان ما، و آینده ما می‌پوشاند و حفظ می‌کند. دشمن تلاش می‌کند با اتهاماتی مانند این به ذهن‌های ما حمله کند: «تو واقعا نجات نیافته‌ای،» یا «تو آن‌قدر خراب کرده‌ای که دیگر خدا نمی‌تواند تو را دوست داشته باشد.» اما کلاhexود نجات در برابر این دروغها دفاع می‌کند و حقیقت هویت ما را در مسیح به ما یادآوری می‌نماید.

نجات تنها راهی است که گناهان ما آمرزیده می‌شود، تا با خدا آشتی کنیم و بتوانیم در مسیح ساکن بمانیم. اول تسالونیکیان ۵:۸ می‌گوید:

"اما ما چون به روز تعلق داریم، باید هشیار باشیم، و ایمان و محبت را همچون زره سینه‌پوش بر تن کنیم، و امید نجات را همچون کلاhexود بر سر نهیم. توجه کنید که کتاب مقدس چگونه نجات را با امید پیوند می‌دهد. وقتی کلاhexود نجات را بر سر می‌گذارید، امیدی را در آغوش می‌گیرید که فراتر از شرایط امروز فراتر می‌رود. این، امید حیات جاودان در مسیح است، و امید این که تا ابد با او متحد باشیم.

کلاهی خود نجات، نتیجه دعا و مطالعه روزانه کتاب مقدس است تا بدانید که به وسیله فیض و رحمت خدا، از طریق ایمان شما به عیسی مسیح به عنوان خداوند و نجات دهنده تان، نجات یافته‌اید. این شناخت باعث می‌شود اتهامات ابلیس از کلاهی خود شما بازتاب پیدا کند. شما می‌دانید که ابلیس دروغ می‌گوید، چون می‌دانید عیسی مسیح کیست و او بر صلیب برای شما چه کرد. درست مثل این که اگر کسی شما را متهم کند که یک فیل بنفش هستید، چشمانتان را از روی تعجب می‌چرخانید، چون می‌دانید که این حقیقت ندارد. شما در ترس یا ناامنی زندگی نمی‌کنید، زیرا هویت شما در مسیح امن است. خدا را شکر که نجات ما بر اساس فیض اوست!

کلاهی خود نجات به ما یادآوری می‌کند که عیسی مسیح از طریق قربانی خود به جای ما و سپس از طریق قیام خود، بر مرگ و گناه پیروز شد. دشمن تلاش خواهد کرد نقطه‌ای ضعیف در ایمان ما پیدا کند، اما ما در اعتماد به انجیل عیسی مسیح استوار می‌مانیم. موضوع این نیست که آیا ما به اندازه کافی نیرومند هستیم که حمله‌های دشمن را تاب بیاوریم یا نه. موضوع این است که عیسی مسیح پیشاپیش بر صلیب چه کرده است.

وقتی کلاهی خود نجات را بر سر می‌گذاریم، در پیروزی‌ای گام برمی‌داریم که عیسی مسیح برای ما به دست آورده است. این بدان معناست که لازم نیست از حمله‌های دشمن بترسیم، زیرا پایان نبرد را می‌دانیم. عیسی مسیح قهرمان ماست، و ما با امنیت در او ساکن هستیم.

دشمن تلاش می‌کند درباره گناهان گذشته و وضعیت‌های کنونی‌مان، شک را در ذهن ما بکارد. اما ما از پیش می‌دانیم که گناهان ما بد بودند، و در همان لحظه‌ای که ایمان آوردیم، به واسطه قربانی عیسی مسیح آمرزیده شدند. ما می‌دانیم که پیش از آن که به وسیله فیض خدا نجات یابیم، گناهکارانی شریر بودیم. دشمن نمی‌تواند چیزی به این شناخت بیفزاید. وقتی چشمان خود را به جای ترحم به خود یا مشغولیت شدن افراطی به خود بر عیسی مسیح می‌دوزیم، کلاهی خود نجات را بر سر می‌گذاریم که از ذهن ما در برابر حمله‌های دشمن محافظت می‌کند.

پرسش‌هایی برای تأمل

- ۱) دشمن تلاش کرده است شما را به چه دروغ‌هایی متهم کند؟ شما چگونه با این موضوع برخورد کرده‌اید؟
- ۲) اگر زمانی به محبت خدا نسبت به خودتان یا به نجات‌تان شک کنید، چه گام‌هایی برمی‌دارید؟
- ۳) چگونه می‌توانید در هنگام آزمایش‌ها یا در اوقات رنج و فشار، نگاه خود را بر عیسای مسیح ثابت نگه دارید؟
- ۴) آیا تاکنون کسی شما را به چیزی متهم کرده است که می‌دانستید در آن بی‌گناه هستید؟ در پاسخ به این اتهامات چه کردید؟

بر سر گذاشتن کلاهخود نجات چیزی بیش از فقط یک نماد است. این یک انتخاب روزانه است تا امنیتی را که در مسیح دارید به خودتان یادآوری کنید. وقتی دشمن تلاش می‌کند با دروغها، شکها، یا ناامنیها به ذهن شما حمله کند، آن کلاهخود را بالا بگیرید. تا زمانی که همچنان در عیسای مسیح ساکن می‌مانید، نباید که در ترس یا عدم اطمینان زندگی کنید. ذهن خود را بر این حقیقت ثابت نگه دارید، و دروغهای دشمن قدرت خود را از دست خواهند داد.

فصل نهم زره پارسایی

«پس استوار ایستاده، کمربند حقیقت را به میان ببندید و زرّه پارسایی را بر تن کنید.» (افسیان ۶: ۱۴)

زره برای سربازان بخش مهمی از اسلحه بود، زیرا از سینه، قلب و ششها محافظت می کرد. به همین گونه، زرّه پارسایی از قلبهای ما محافظت می کند و ما را از نظر روحانی زنده و نیرومند نگاه می دارد.

امثال ۴: ۲۳ به ما می گوید: دل خویش را با مراقبت تمام پاس بدار، زیرا سرچشمه امور حیاتی است. دشمن می داند که اگر بتواند از نظر احساسی و روحانی به قلبهای ما حمله کند، می تواند ما را از مسیر منحرف سازد. اما وقتی زرّه پارسایی را بر تن می کنیم، قلبهای ما در برابر دروغها، احساس گناه، و شرمی که دشمن می کوشد با آنها ما را به زیر بکشد، محافظت می شود.

اما «زرّه پارسایی» واقعا به چه معناست؟ این درباره پارسایی خود ما نیست؛ بلکه درباره پارسایی مسیح است. وقتی اعتماد خود را بر عیسای مسیح می گذاریم، به پارسایی او ملبس می شویم. ۲قرن تیان ۵: ۲۱ می گوید: او کسی را که گناه را نشناخت، در راه ما گناه ساخت، تا ما در وی پارسایی خدا شویم. وقتی خدای پدر به ما نگاه می کند، گناه ما را نمی بیند. او پارسایی عیسای مسیح، پسر را می بیند، و همان پارسایی است که از قلبهای ما در برابر اتهامات و حمله های دشمن محافظت می کند.

به راحتی می توان در دام این فکر افتاد که لازم است پارسایی را با انجام اعمال نیکو یا پیروی از قوانین به دست آوریم. به هر حال، این دنیا بر پایه بهره ر بودن و تا جای ممکن دستاورد داشتن بنا شده است. اما آن پارسایی ای که عیسای مسیح بر صلیب به ما عطا کرد، هدیه ای از محبت خداست. دانستن این حقیقت از قلبهای ما محافظت می کند.

البته، ما هنوز باید مطیع باشیم و همراه با عیسی مسیح در راه راست و باریک گام برداریم. این کار را نه برای به دست آوردن نجات، بلکه چون برای نجات خود سپاسگزار هستیم انجام می‌دهیم. عیسی مسیح گفت: «اگر مرا دوست بدارید، احکام مرا نگاه خواهید داشت.» یوحنا ۱۴: ۱۵ عیسی مسیح ما را به پارسایی خود ملبس ساخت تا ما را نجات دهد و از گناه‌های بخشد. در همان لحظه‌ای که خدا ما را نجات داد، به ما قلبی تازه داده شد که میل دارد خدا را خشنود سازد و مطیع باشد.

همه مسیحیان هنوز هم گاه‌به‌گاه گناه می‌کنند. رومیان ۳: ۲۳؛ ۱ یوحنا ۱: ۸. با این حال، روح‌القدس ساکن در ما، گناه ما را بر ما آشکار می‌سازد. پیش از نجات، برای ما مهم نبود که خدا را خشنود کنیم یا از او اطاعت نماییم. اما به‌عنوان زنان مسیحی، وقتی متوجه می‌شویم گناه کرده‌ایم، قلبهای ما به درد می‌آید، پس توبه می‌کنیم و دعا می‌کنیم که خدا مسیرهای ما را از گناه دور سازد. بنابراین، حتی وقتی کوتاهی می‌کنیم، که همه ما می‌کنیم، زره پارسایی از قلبهای ما محافظت می‌کند. رومیان ۸: ۱ می‌گوید: «پس اکنون برای آنان که در مسیح عیسی هستند، دیگر هیچ محکومیتی نیست.» وقتی دشمن می‌کوشد ما را متهم کند، می‌توانیم در این حقیقت استوار بایستیم که آمرزیده شده‌ایم و از سوی خدا پذیرفته شده‌ایم، نه به سبب آنچه انجام داده‌ایم، بلکه به سبب آنچه عیسی مسیح برای ما انجام داده است.

وقتی زره پارسایی را بر تن می‌کنیم، می‌توانیم با اطمینان در حضور خدا بایستیم، زیرا می‌دانیم که به پارسایی عیسی مسیح ملبس شده‌ایم. لازم نیست بگذاریم دشمن ما را با احساس گناه یا شرم به زیر بکشد. قلبهای ما با این حقیقت محافظت می‌شود که ما در مسیح پارسا هستیم.

زره پارسایی همچنین ما را از حمله‌های احساسی محافظت می‌کند. دشمن تلاش می‌کند با دلسردی، تلخی، نبخشیدن، و خشم به قلبهای ما حمله کند. او می‌کوشد ما را از آرامش خدا دور سازد. اما وقتی زره پارسایی را بر تن می‌کنیم، می‌توانیم آن احساسات را رد کنیم و در آرامش خدا گام برداریم. کولسیان ۳: ۱۵ به ما می‌گوید: «و بگذارید آرامش مسیح بر دل‌هایتان حکمفرما باشد، زیرا به‌عنوان اعضای یک بدن به این آرامش فراخوانده شده‌اید. و شکرگزار باشید.»

پرسش‌هایی برای تامل

- (۱) آیا با احساس گناه یا شرم درباره گذشته خود درگیر بوده‌اید؟ چگونه بر این احساسات دردناک غلبه کردید؟
 - (۲) در زندگی شما، ثابت نگه داشتن چشمان تان بر عیسای مسیح و نه بر این دنیا، چه اهمیتی دارد؟
 - (۳) این حقیقت که ایمانداران به پارسایی کامل عیسای مسیح ملبس شده‌اند، چگونه به شما کمک می‌کند؟
 - (۴) گاهی تلخی قابل توجهی به نظر می‌رسد، اما دردناک و ویرانگر است. شما به چه شیوه‌هایی توانسته‌اید تلخی را از خود دور نمایید؟
- وقتی دشمن با احساس گناه، شرم، یا افکار منفی به شما حمله می‌کند، در این حقیقت استوار بایستید که عیسای مسیح ایمانداران را بر صلیب به پارسایی خود ملبس ساخت.

فصل دهم

کمر بند حقیقت

«پس استوار ایستاده، کمر بند حقیقت را به میان ببندید و زره پارسای را بر تن کنید.» (افسیان ۶: ۱۴)

کمر بند نیز یکی دیگر از بخش‌های ضروری تجهیزات جنگی برای سربازان بود. کمر بند، قطعات زره، از جمله شمشیرشان را در کنار هم نگه می‌داشت و باعث می‌شد همه چیز محکم و در جای خود محفوظ بماند. کمر بند حقیقت نیز در زره روحانی ما همین نقش را دارد. این همان چیزی است که همه چیز را به هم متصل نگه می‌دارد. بدون حقیقت، همه چیز از هم می‌پاشد. کمر بند حقیقت، پایه‌ای استوار بر حقیقت این است که خدا کیست و چه وعده‌هایی به ما داده است.

خدا سرچشمه حقیقت است، و حقیقت یکی از ویژگی‌های اساسی خداست. خود عیسی فرمود: من راه و راستی و حیات هستم. یوحنا ۱۴: ۶. پس حقیقت فقط دانش و حکمت خدا نیست؛ بلکه ذات اوست. وقتی کمر بند حقیقت را می‌بندیم، خود را در خدا محکم و استوار می‌سازیم. به هر حال، خدا نه می‌تواند با خود در تضاد باشد و نه دروغ بگوید. تیطس ۱: ۲ و حقیقت او تغییرناپذیر و متعالی است. خدا آفریننده است و کلام او یعنی کتاب مقدس حقیقت است. یوحنا ۱۷: ۱۷.

در مقابل، ابلیس پدر دروغ‌هاست. یوحنا ۸: ۴۴. و پدیدآورنده سردرگمی است. ۱ قرن‌تیان ۱۴: ۳۳. او عمداً حقیقت را تحریف می‌کند تا بذره‌های شک را در دل مسیحیان بکارد. در باغ عدن، او با استفاده از نیمه حقیقت‌ها از حوا پرسید: آیا واقعاً خدا گفت: «از هیچ‌یک از درختان باغ نخورید؟» پیدایش ۳: ۱. این تحریفی از فرمان خدا بود. ابلیس حقیقت را آن قدر پیچاند که حوا را وادار کند نسبت به آنچه درباره شخصیت خدا درست می‌دانست، دچار تردید شود. دشمن هنوز هم امروز همین کار را می‌کند. او می‌کوشد ما را وادار کند کلام خدا را زیر سؤال

ببریم و با تکرار دروغ‌های بی‌اساس، ما را نسبت به آنچه خدا گفته است دچار شک کند؛ مانند این ادعا که کتاب مقدس بد ترجمه شده یا کتاب‌هایی از آن حذف شده است. اما وقتی در حقیقت کلام خدا ریشه داشته باشیم، به‌سادگی آن دروغ‌ها را تشخیص می‌دهیم. مانند بیربایان در اعمال ۱۷: ۱۱، ما همه چیز را با کتاب مقدس می‌سنجیم، چون معیار حقیقت ماست. خیلی زود تحریف‌هایی را که دشمن می‌خواهد به خورد ما بدهد، تشخیص می‌دهیم. وقتی دشمن می‌گوید: تو به‌اندازه کافی خوب نیستی، ما در عوض محکم بر حقیقت کلام خدا می‌ایستیم که می‌گوید ما به طرز هول‌انگیز و شگفت‌آور ساخته شده‌ایم. مزبور ۱۳۹: ۱۴. وقتی دشمن نجوا می‌کند: خدا تو را ترک کرده است، ما به این حقیقت می‌چسبیم که او هرگز ما را رها نخواهد کرد و ترک نخواهد گفت. تثنیه ۳۱: ۶. کمربند حقیقت به ما کمک می‌کند تا دروغ‌ها را تشخیص دهیم و رد کنیم.

وقتی دشمن کوشید عیسی را در بیابان فریب دهد، او با حقیقت کتاب مقدس پاسخ داد: مکتوب است. متی ۴: ۱-۱۱. به همین دلیل است که شناختن کلام خدا برای ما بسیار مهم است. کتاب مقدس فقط کتابی نیست که هر وقت دلمان خواست آن را بخوانیم؛ بلکه سلاح ما، سپر ما، و بنیاد ماست. این همان حقیقتی است که همه چیز دیگر را در کنار هم نگه می‌دارد. وقتی حقیقت کلام خدا را می‌شناسیم، در برابر دروغ‌های دشمن استوار می‌ایستیم و در وعده‌های خدا استوار باقی می‌مانیم.

البته فقط این کافی نیست که حقیقت را از نظر فکری بدانیم. ما همچنین باید بر اساس آن زندگی کنیم. عیسی فرمود: اگر در کلام من بمانید، به‌راستی شاگرد من خواهید بود. آنگاه حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد کرد. یوحنا ۸: ۳۱-۳۲ مانند در کلام خدا یعنی کتاب مقدس، بنیان نگاه ما به همه چیز باشد. این را داشتن یک «جهان‌بینی کتاب مقدسی» می‌نامند. وقتی بر اساس حقیقت خدا زندگی می‌کنیم، از دروغ‌های دشمن که می‌خواهند ما را گرفتار کنند آزاد می‌شویم، و نیز از سردرگمی و شکی که دشمن می‌خواهد در ما ایجاد کند رهایی می‌یابیم.

زندگی کردن بر اساس حقیقت خدا همچنین یعنی باید آماده باشیم که با خودمان صادق

باشیم.

گاهی دشمن می‌کوشد ما را فریب دهد تا باور کنیم نیازی به تغییر نداریم. یکی از دروغ‌های بزرگ دشمن این است که تا وقتی چیزی ما را خوشحال می‌کند، می‌توانیم در گناه زندگی کنیم. اما وقتی حقیقتِ خدا را می‌پذیریم و هر روز کتاب‌مقدس را مطالعه می‌کنیم، واقعیتِ هویت خود را نیز می‌پذیریم: گناهکارانی که به توبه و فیض خدا نیاز دارند. ما این حقیقت را درمی‌یابیم که آفریده خدای کاملاً قدوس هستیم؛ خدایی که از ما انتظار دارد صادقانه بکوشیم زندگی‌های مقدسی داشته باشیم.

کمربند حقیقت همه‌چیز را در کنار هم نگه می‌دارد. بدون آن، خود را در برابر دروغ‌ها و سردرگمی دشمن آسیب‌پذیر می‌یابیم. اما وقتی با مطالعه کتاب‌مقدس خود را در حقیقتِ خدا می‌پیماییم، استوار می‌ایستیم. حقیقت، نور روشنی را می‌تاباند تا تاریکی را از میان بردارد.

پرسش‌هایی برای تامل

- ۱) چه دروغ‌هایی درباره کتاب‌مقدس شنیده‌اید، و چگونه به این دروغ‌ها با حقیقت پاسخ داده‌اید؟
- ۲) چگونه خواندن روزانه کتاب‌مقدس می‌تواند به شما کمک کند تا تعالیم نادرست را تشخیص دهید؟
- ۳) کدام بخش‌های کتاب‌مقدس به شما کمک می‌کنند در میان سختی‌ها آرام‌تر باشید؟
- ۴) دعا چگونه می‌تواند در لحظه‌های شک یا سردرگمی به شما کمک کند؟

فصل یازدهم

شمشیر روح

«کلاهخود نجات را بر سر نهید و شمشیر روح را که کلام خداست،
به دست گیرید.» (افسیان ۶: ۱۷)

شمشیر، سلاحی قدرتمند بود که سربازان در نبردها از آن هم برای دفاع از خود و برای حمله به دشمن استفاده می‌کردند. به همین شکل، شمشیر روح - یعنی کلام خدا، کتاب مقدس - سلاح ما در جنگ روحانی است. اما کتاب مقدس فقط یک سلاح معمولی نیست. همان‌گونه که در عبرانیان ۴: ۱۲ می‌خوانیم، این سلاحی تیز، قدرتمند و زنده است: زیرا کلام خدا زنده و مؤثر است و برنده‌تر از هر شمشیری دو دم..."

به‌عنوان شمشیر روح، کتاب مقدس فقط کتابی نیست که گاهی آن را بخوانیم یا وقتی دلسرد هستیم آیه‌ای از آن نقل کنیم. کتاب مقدس، کلام زنده و فعال خداست، و قدرت آن را دارد که دروغ‌ها، شک‌ها و فریب‌های دشمن را از هم بشکافد. وقتی کلام خدا را می‌خوانیم، می‌شنویم و بر زبان می‌آوریم، در واقع شمشیری را به کار می‌گیریم که می‌تواند حملات دشمن را شکست دهد.

به همین دلیل لازم است کتاب مقدس را بشناسیم، چون نمی‌توان از شمشیری استفاده کرد که بلد نیستید چگونه آن را به کار بگیرید. اگر هرگز برای خواندن و تفکر در کلام خدا وقت نگذاشته باشید، در اوج نبرد به کار بردن آن دشوار خواهد بود. من ۵۹ ساله بودم که بالاخره برای نخستین بار وقت گذاشتم تا تمام کتاب مقدس را بخوانم، و افسوس می‌خورم که چرا این کار را زودتر انجام ندادم.

مزمور ۱۱۹: ۱۱ می‌گوید: کلام تو را در دل خود جای داده‌ام تا به تو گناه نوزم. این یعنی ما باید کلام خدا را در دل خود پنهان کنیم و آیاتی را حفظ کنیم که در هنگام نبردها بتوانیم برای تشویق و حفاظت روحانی به یاد بیاوریم. گوش دادن به فایل‌های صوتی کتاب مقدس نیز برای حفظ کردن آیات مفید است.

وقتی دشمن می‌کوشد ما را متقاعد کند که در این نبرد تنها هستیم، می‌توانیم به خودمان یادآوری کنیم: خداوند با من است، پس نخواهم ترسید. مزمور ۱۱۸: ۶

شمشیر روح همچنین سلاحی برای حمله است. آن را شمشیر روح می‌نامند، زیرا این روح‌القدس است که ما را با کتاب‌مقدسی مجهز می‌کند که از دم خداست ۲ تیموتائوس ۳: ۱۶. وقتی با حملات روحانی روبه‌رو می‌شویم، وسوسه می‌شویم که خودمان را جمع کنیم و پنهان شویم. با این حال، خدا ما را فرا می‌خواند که شمشیر را برداریم و پیش برویم، زیرا شمشیر روح فقط برای دفاع از خودمان نیست؛ بلکه برای پیشروی نیز هست.

خدا ما را فراخوانده است تا حقیقت او را به دنیا ببریم، انجیل عیسی‌ای مسیح را اعلام کنیم، و نور او را به جاهای تاریک وارد سازیم. انجیل، قدرت خداست برای نجات هر که ایمان آورد. رومیان ۱: ۱۶. وقتی در کلام او استوار می‌ایستیم و آن را با دیگران در میان می‌گذاریم، در آن نبرد روحانی سهمیم می‌شویم که در حال پیشبرد پادشاهی خداست.

پرسش‌هایی برای تأمل

- ۱) آیا بخشی از کلام را حفظ کرده‌اید؟ آیا از خدا خواسته‌اید که به شما کمک کند آیات را حفظ کنید؟
- ۲) وقتی دشمن با دروغ‌ها و شک‌ها حمله می‌کند، چگونه می‌توانید از کلام خدا برای ایستادگی در برابر او و غلبه بر او استفاده کنید؟
- ۳) آیا برای فرصت‌ها، جسارت و شجاعت در میان گذاشتن انجیل، دعا کرده‌اید؟
- ۴) آیات محبوب شما در کتاب‌مقدس کدام‌اند؟ آیا آن‌ها را به حافظه سپرده‌اید؟

فصل دوازدهم کفش‌های انجیل سلامتی

«و کفش آمادگی برای اعلام انجیل سلامتی را به پا نمایید.»
(افسیسیان ۶: ۱۵)

آخرین بخش از اسلحهٔ خدا، کفش‌های انجیل سلامتی است. سربازان در هنگام نبرد برای حفاظت و تحرک، کفش به پا می‌کردند. همان‌طور که افسسیان ۶: ۱۵ به ما یادآوری می‌کند، کفش‌های روحانی برای آمادگی در رساندن انجیل به دیگران هستند. این کفش‌ها ما را برای بشارت مجهز می‌کنند تا نقشه‌های ابلیس را خنثی کنیم. همچنین وقتی در جاده‌های سنگلاخ آزمایش‌ها سفر می‌کنیم، از ما محافظت می‌کنند. کتاب مقدس آن را انجیل سلامتی می‌نامد، زیرا به واسطه قربانی عیسی بر صلیب، گناهان ما آمرزیده شد و روح القدس در ما ساکن شد. سلامتی حقیقی و پایدار یکی از ثمرات روح است. غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳

وقتی به سلامتی فکر می‌کنم، سخنان عیسی در یوحنا ۱۴: ۲۷ را به یاد می‌آورم: برای شما آرامش به جا می‌گذارم؛ آرامش خود را به شما می‌دهم. آنچه من به شما می‌دهم، نه چنان است که جهان به شما می‌دهد. دل شما مضطرب و هراسان نباشد. به راحتی می‌توان نوع صلحی را که دنیا ارائه می‌دهد با سلامتی‌ای که عیسی می‌بخشد، اشتباه گرفت. صلح دنیا اغلب وابسته به شرایط است و به عوامل بیرونی مانند روابط، مسائل مالی، یا سلامتی بستگی دارد. اما سلامتی مسیح فراتر از شرایط دنیوی است. تنها نجات از طریق عیسا، سلامتی‌ای را به ما می‌بخشد که فراتر از درک است؛ سلامتی‌ای که حتی در آشوب‌های زندگی نیز آرام باقی می‌ماند.

برای من، این سلامتی‌ای که از نجات می‌آید، زندگی‌ام را دگرگون کرده است. پیش از آن که خدا مرا نجات دهد، از طریق روش‌های عصر جدید مانند یوگا، مدیتیشن شرقی، و تجسم‌سازی در پی «آرامش درونی» بودم. این روش‌ها به جای آن که به من سلامتی بدهند، نوعی احساس «نشنگی» در من ایجاد می‌کردند، و حتی همان احساس هم موقتی بود. از

زمانی که در سال ۲۰۱۷ نجات یافتیم، آزمایش‌ها و جنگ روحانی بسیاری را پشت سر گذاشته‌ام. با این حال، شگفت‌انگیز است که در تمام این مدت آرام مانده‌ام، به‌ویژه وقتی آن را با واکنش‌هایی به سختی‌ها پیش از نجات مقایسه می‌کنم! این سلامتی از درون و به‌وسیله روح‌القدس می‌آید.

به شاگردانی فکر می‌کنم که در میان طوفان دریای جلیل وحشت‌زده بودند، در حالی که عیسی با آرامش باد و امواج را توییح کرد و گفت: ساکت شو، آرام بگیر. مرقس ۴: ۳۵-۴۱. خدا حاکم مطلق است، و این حقیقت هنگام عبور از طوفان‌های زندگی بسیار اطمینان‌بخش است. ممکن است ما راه‌حلی نبینیم، یا راه‌حلی را تصور کنیم که با نقشه‌های خدا متفاوت باشد. کلید آشفته نشدن در میان طوفان‌ها این است که به اراده و راه‌های او اعتماد کنیم.

کفش‌های سلامتی همچنین به ما یادآوری می‌کنند که می‌توانیم در هنگام نبردها استوار بایستیم. ما به‌عنوان زنان، با چالش‌های ویژه‌ای روبه‌رو هستیم، اما کلام خدا به ما اطمینان می‌دهد که فراخوانده نشده‌ایم تا به‌تنهایی بجنگیم. همان‌طور که افسسیان ۶: ۱۵ می‌گوید، باید آماده باشیم تا برویم و انجیل سلامتی را با دیگران در میان بگذاریم.

در اشعیا ۵۲: ۷ می‌خوانیم: چه زیباست بر کوه‌ها پایهای او که بشارت می‌آورد، و از سلامتی ندا می‌دهد، و بشارت خیر می‌آورد... ما به‌عنوان زنان، فراخوانده شده‌ایم که حاملان این سلامتی باشیم و پیام مسیح را هر جا که می‌رویم، منتشر کنیم. سلامتی ما فقط برای خردمان نیست؛ قرار است به زندگی اطرافیانمان نیز سرازیر شود.

در اشعیا ۲۶: ۳، خدا وعده می‌دهد: اندیشه‌ی استوار را در آرامش کامل نگاه خواهی داشت، زیرا که بر تو توکل می‌دارد. کلید این موضوع، اعتماد است. هرچه بیشتر به خدا اعتماد کنیم، بیشتر اجازه می‌دهیم سلامتی او بر قلب‌های ما حاکم باشد.

این به آن معنا نیست که شرایط ما ناگهان آسان خواهد شد، بلکه به این معناست که حتی وقتی مسیر دشوار است، قدرت خواهیم داشت که استوار بایستیم و به پیش برویم. این یعنی اعتماد کردن به نقشه خدا، حتی وقتی نقشه او را درک نمی‌کنیم.

پرسش‌هایی برای تامل

(۱) آیا تا به حال متوجه شده‌اید که در موقعیت‌هایی که پیشتر شما را کاملاً به هم می‌ریخت، هم‌اکنون آرام و آسوده هستید؟ آیا اطرافیان شما نیز این تغییر را در شما مشاهده می‌کنند؟

(۲) آیا پیش از رساندن پیغام انجیل به دیگران و در حین آن دعا می‌کنید؟ برای مثال، آیا برای فرصت‌هایی به‌جهت در میان گذاشتن انجیل دعا می‌کنید؟ آیا برای داشتن جسارت و واژگان مناسب در بشارت خود دعا می‌کنید؟

(۳) چگونه بر ترس‌ها یا خجالتی بودن خود در زمان بشارت به دیگران غلبه می‌کنید؟

(۴) سلامتی و آرامش شما چگونه بر قدرت نجات‌بخش خدا شهادت می‌دهد؟

فصل سیزدهم خشم فروخورده و نبرد روحانی

«خشمگین باشید، اما گناه مکنید. مگذارید روزتان در خشم به سر رسد، و ابلیس را مجال ندهید.» (افسسیان ۴: ۲۶-۲۷)

همه ما گاهی خشمگین می‌شویم، اما پرسش این است که چگونه این خشم را پردازش می‌کنیم. وقتی اجازه می‌دهیم خشم در ما باقی بماند، و به‌ویژه وقتی با خشم به بستر می‌رویم، انگار چراغ ایوان را برای ابلیس و دیوهایش روشن گذاشته‌ایم. شیطان در آشفتگی، ترس، و تفرقه رشد می‌کند. وقتی خشم، تلخی، و نبخشیدن را در خود نگه می‌داریم، ناآگاهانه به دشمن جای پایی می‌دهیم تا جنگ روحانی را برانگیزد.

همچنین انواع مختلفی از خشم وجود دارد. «غضبِ عادلانه» آن نوع خشمی است که وقتی چیزی را می‌بینیم که دل خدا را می‌شکند، در ما شعله‌ور می‌شود؛ مانند کودک‌آزاری یا جفایی که بر مسیحیان می‌رود. رومیان ۱۲: ۹ به ما می‌گوید: از بدی بیزار باشید و به نیکی بچسبید، و مزمور ۷: ۱۱ می‌گوید که خدا هر روز بر شریران خشمگین است.

خشم عادلانه با خشمی که وقتی کسی در رانندگی جلوی ما می‌پیچد یا وقتی از یک بی‌احترامی کوچک ناراحت می‌شویم احساس می‌کنیم، فرق دارد. خشم عادلانه، آن آتشی است که وقتی بی‌عدالتی را می‌بینیم، وقتی به قدوسیت خدا بی‌احترامی می‌شود، یا وقتی مردم به شیوه‌هایی آسیب می‌بینند که برخلاف دل اوست، در درون ما برمی‌خیزد. این همان نوع خشمی است که ما بر می‌انگیزد که بر خیزیم و بگوییم: این درست نیست. این با حقیقت خدا هماهنگ نیست.

به عیسی در یوحنا ۲: ۱۵ فکر کنید، آنجا که خشمگین شد، زیرا صرافان خانه پدر او را به بازار تبدیل کرده بودند. معبد، که مکانی مقدس برای عبادت بود، مورد سوءاستفاده قرار گرفته بود. خشم عادلانه یعنی شکستن دل ما با دل خدا برای آنچه در این جهان شکسته است، و خواستن این که برای آن کاری انجام دهیم.

با این حال، حتی خشم عادلانه نیز باید با دقت مهار شود. ممکن است از بی‌عدالتی به‌شدت خشمگین باشیم، اما نباید اجازه دهیم این خشم ما را به تلخی یا اعمال ویرانگر بکشاند. در هر کاری که می‌کنیم، باید خدا را جلال دهیم. موضوع این است که برای آنچه درست است بایستیم و حقیقت را بگوییم، اما این کار را با محبت انجام دهیم، نه از روی انتقام.

در نهایت، خشم عادلانه باید ما را به اقداماتی سوق دهد که بازتاب‌دهنده اراده خدا هستند؛ مانند ایستادن برای عدالت، سخن گفتن به‌جای کسانی که نمی‌توانند سخن بگویند، و تلاش برای ایجاد صلح و آشتی در جهانی که سقوط کرده و آشفته است. موضوع این است که با دلی سرشار از محبت، شفقت، و فروتنی بجنگیم، و هرگز نگذاریم آن خشم ما را در خود فرو ببرد، بلکه همیشه مردم را به سوی انجیل هدایت کنیم.

ما همچنین باید تشخیص دهیم و درباره‌اش دعا کنیم که آیا خشمی که احساس می‌کنیم واقعاً عادلانه است یا نه. شبان و نویسنده مسیحی، وارن ویرزبی، گفت: گاهی آنچه «خشم عادلانه» می‌نامیم، چیزی نیست جز تندخویی ناعادلانه‌ای که جامه دینداری بر تن کرده است. عیسی خشم را هم‌ردیف قتل قرار داد. متی ۵: ۲۱-۲۶. و پولس به ما هشدار می‌دهد که خشم می‌تواند مانع دعای ما شود. ۱ تیموتائوس ۲: ۸.

نتیجه اصلی این است که هر وقت خشمگین می‌شوید، به خدا روی آورید. اجازه ندهید رنجش زیر خاکستر به تلخی، کینه، یا خشمی که هر لحظه می‌تواند منفجر شود، تبدیل شود. به‌محض نخستین نشانه رنجش، برای حکمت و دریافت مدد از خدا دعا کنید. و مهم‌تر از همه، خشمگین به خواب نروید. آن موقعیت را به خدا بسپارید و اعتماد داشته باشید که او شما را هدایت خواهد کرد.

پرسش‌هایی برای تامل

۱) آیا در زندگی من خشمی برطرف نشده وجود دارد؟ آیا از خدا خواسته‌ام که در این زمینه مرا هدایت کند؟ آیا از حکمت خدا پیروی می‌کنم و می‌کوشم او را در این موقعیت جلال دهم؟

- ۲) چگونه می‌توانم خشم خود را به‌گونه‌ای مدیریت کنم که خدا را تکریم کند و پیش از آن که در دلم ریشه بدواند، برطرف شود؟
- ۳) چه راه‌هایی وجود دارد که هنگام به خواب رفتن، با خشمی که دارم روبه‌رو شوم؟
- ۴) آیا همان‌گونه که عیسی به ما فرمان داد، برای دشمنانم دعا می‌کنم؟

فصل چهاردهم پیروزی عیسی و نبرد روحانی

وقتی عیسی بر صلیب فریاد برآورد: تمام شد، او پیروزیِ نقشه نجات‌بخشِ خدا را اعلام می‌کرد. کسانی که به زندگی، مرگ، و رستاخیزِ عیسی ایمان دارند و بر او توکل می‌کنند، آمرزیده می‌شوند، رابطهٔ آنان با خدا دوباره برقرار می‌گردد، و جانشان از غضب به‌سبب گناهی که همهٔ ما مرتکب شده‌ایم نجات می‌یابد.

قربانیِ عیسی به‌جای ما، مرگ و ابلیس را شکست داد.

پس چرا ما مسیحیان هنوز جنگِ روحانی را تجربه می‌کنیم؟ چرا به دیوها اجازه داده می‌شود که مسیحیان را آزار دهند؟ به‌هرحال، ما می‌دانیم که ابلیس بر صلیب شکست خورد و بر ریسمانی کوتاه در دستِ خدایِ ماست خدایی که حاکم است. ایوب ۱-۲. همچنین می‌دانیم که خدا جهنم را برای ابلیس و فرشتگان سقوط کرده او آفرید. متی ۲۵: ۴۱.

ابلیس دشمنی شکست‌خورده است، با این حال تا زمان بازگشتِ عیسی اجازه دارد در زمین بگردد. پس، در حالی که در انتظار آمدن دوبارهٔ عیسی هستیم، خدا ما را به کلام خود مجهز کرده است تا در برابر دشمن بایستیم و با جنگِ روحانی روبه‌رو شویم.

همان‌طور که در مقدمه این کتاب اشاره کردم، پیش‌تر برای مقابله با جنگِ روحانی، روش‌های خودیاری را امتحان کرده بودم؛ روش‌هایی مانند خدمت‌های رهایی و کتاب‌های دعا که به اصطلاح دیوها را بیرون می‌کردند. این روش‌ها فقط تسکینی موقت می‌دادند و پس از آن، جنگِ روحانی شدیدتر می‌شد. سرانجام، وقتی تصمیم گرفتم به خدا اعتماد کنم و از دستورهای او در کتاب مقدس پیروی کنم، رهایی‌ماندگار از جنگِ روحانی را تجربه نمودم. کتاب مقدس کافی است!

بگذارید این‌طور توضیح بدهم: تصور کنید جنگی پایان یافته و دشمن شکست خورده است. اما با این‌که نتیجه قطعی شده، دشمن هنوز تا پیش از تسلیم نهایی می‌کوشد خرابی به بار آورد. این دقیقاً همان چیزی است که اکنون در آن زندگی می‌کنیم. شیطان می‌داند که

شکست خورده و زمانش بر زمین رو به پایان است، اما هنوز می‌جنگد، و ما در کشاکش میان «آنچه از پیش تحقق یافته» و «آنچه هنوز به کمال نرسیده» قرار داریم.

کولسیان ۲: ۱۵ می‌گوید: و چون قدرتها و ریاستها را خلع سلاح کرد، آنان را آشکارا رسوا ساخت و به‌وسیلهٔ صلیب بر ایشان پیروز شد. عیسی دشمن را خلع سلاح کرد. او قدرتی را که ابلیس بر ما داشت از او گرفت؛ قدرتهایی از قبیل گناه، شرم، ترس، و مرگ. همهٔ این‌ها بر صلیب شکست خورد. اما ما هنوز در جهانی آسیب‌دیده زندگی می‌کنیم، جایی که اثرات گناه همچنان باقی است، جایی که دشمن می‌کوشد ما را بلغزند، و جایی که ما همچنان با وسوسه و مخالفت روحانی دست‌وپنجه نرم می‌کنیم. دشمن در بند است و روزهایش شمرده شده‌اند. اما تا زمانی که عیسی بازگردد، ما در این «میان‌دوره» زندگی می‌کنیم؛ یعنی در فاصله میان پیروزی مسیح و داوری نهایی.

می‌دانم که این وضعیت گاهی می‌تواند ناامیدکننده باشد. شاید فکر کنید: اگر پیروزی به‌دست آمده، پس چرا من هنوز درگیر مبارزه هستم؟ چرا دشمن هنوز حمله می‌کند؟ من هم همین پرسش‌ها را داشته‌ام، و کتاب مقدس به ما پاسخ می‌دهد. سنگینی جنگ روحانی می‌تواند طاقت‌فرسا باشد، و ممکن است چنین احساس شود که پیوسته با دشمنی نادیدنی در حال نبرد هستیم.

کتاب مقدس به ما می‌گوید که ابلیس فرمانروای این جهان است ۲ قرن‌تیا ۴: ۴، و به همین دلیل خدا پیوسته به ما هشدار می‌دهد که هم‌شکل این جهان نشویم. ما باید از تأثیرات دنیوی مانند مادی‌گرایی و جسمانیت برحذر باشیم. شیطان کسانی را هدایت می‌کند که انجیل را رد کرده‌اند. ما چشم‌انتظار آسمان جدید هستیم، جایی که دیگر گناهی نخواهد بود و خدا هر اشکی را از چشمان ما پاک خواهد کرد. مکاشفه ۲۱: ۴.

جنگ روحانی می‌تواند از سوی اشخاص دیگری نیز بیاید که تحت تأثیر ابلیس هستند. ابلیس پدرِ افرادی است که نجات را ندارند یوحنا ۸: ۴۴، کسانی که انگیزه‌هایشان طمع و امیال گناه‌آلود است. به همین دلیل، کتاب مقدس ما را تشویق می‌کند که در یوغ نامساوی نباشیم، زیرا آنان که نجات را ندارند می‌توانند ما را به راه‌های گناه‌آلود تحت تأثیر قرار دهند. ۲ قرن‌تیا ۶: ۱۴ می‌گوید: زیر یوغ ناموافق با بی‌ایمانان مروید. زیرا پارسایی را با شرارت چه

رفاقت؟ و نور را با تاریکی چه شرکت؟ دلگرم‌کننده است که به یاد داشته باشیم ما در این جهان هستیم، اما از این جهان نیستیم. یوحنا ۱۷: ۱۴-۱۶. وقتی نجات می‌یابیم، این جهان فقط ایستگاهی موقت در مسیر ما به سوی خانهٔ جاودانی‌مان در آسمان با عیسی و دیگر ایمانداران است.

عیسا از پیش دشمن را شکست داده است. سر ابلیس بر صلیب کوبیده شد، و او هیچ کاری نمی‌تواند بکند که این واقعیت را تغییر دهد. پیدایش ۳: ۱۵. هر حمله، هر دروغ، هر تلاشی برای ربودن شادی یا سلامتی شما، چیزی نیست جز آخرین تلاش‌های دشمنی که درمانده و شکست‌خورده است.

بله، ما هنوز با دشمن روبه‌رو هستیم، اما همچنان امید بازگشت مسیح را نیز داریم. در ۱ پطرس ۵: ۸-۹، پطرس به ما هشدار می‌دهد: هشیار و بیدار باشید. دشمن شما ابلیس، همچون شیری غرآن، در گردش است و کسی را می‌جوید تا بلعد. پس در ایمان استوار مانده، در برابر او مقاومت کنید، زیرا می‌دانید همین رنجها بر برادران شما نیز در سراسر جهان می‌گذرد. این یادآوری می‌کند که این نبرد واقعی است و ما باید هشیار باشیم، اما در عین حال دلگرم‌کننده نیز هست: ما در این نبرد تنها نیستیم. و این کشمکش ابدی نیست. ما در صف پیروزمندان هستیم.

آن کشاکشی که احساس می‌کنیم، آن درماندگی از زندگی در جهانی که هنوز تحت تاثیر گناه است، جنگ روحانی و احساسی‌ای که با آن روبه‌رو می‌شویم، و حملات بی‌امان دشمن - همهٔ اینها روزی به پایان خواهند رسید. عیسی بازمی‌گردد، و وقتی بازگردد، به همهٔ اینها پایان خواهد داد. مکاشفه ۲۰: ۱۰ می‌گوید: و ابلیس، که آنان را فریب داده بود، به دریاچهٔ آتش و گوگرد افکنده شد، جایی که آن وحش و نبی کاذب افکنده شده بودند. اینان روز و شب تا ابد عذاب خواهند کشید. این است پیروزی نهایی و کامل. در آسمان جدید، دیگر نه اشکی خواهد بود، نه گناهی، و نه جنگ روحانی‌ای. خدا را سپاس!

پیروزی در مسیح از آن ماست، اما هنوز نقشی برای ایفا کردن داریم. دشمن شاید بکوشد ما را دلسرد کند، اما ما می‌توانیم در این آگاهی استوار بایستیم که عیسی از پیش پیروز شده است. صلیب، برهان این پیروزی است، و رستاخیز تضمین می‌کند که پیروزی نهایی قطعی

است. این یعنی وقتی با نبردهای روحانی روبه‌رو می‌شویم، نباید وحشت کنیم یا تسلیم ترس شویم. ما می‌توانیم استوار بایستیم، نه به قوت خود، بلکه به قوتِ او که از پیش دشمن را شکست داده است. افسسیان ۱۰-۱۱ می‌گوید: باری، در خداوند، و به پشتوانهٔ قدرت مقتدر او، نیرومند باشید. اسلحهٔ کامل خدا را بر تن کنید تا بتوانید در برابر حيله‌های ابلیس بایستید. اسلحهٔ خدا، حفاظت ماست؛ اطمینان ماست که برای رویارویی با حملات دشمن مجهز شده‌ایم، در حالی که در پیروزی مسیح آرام می‌گیریم.

پرسش‌هایی برای تامل

- ۱) شما با درماندگی ناشی از نبردهای روحانی و مستمر، چگونه روبه‌رو می‌شوید؟
- ۲) آیا تاکنون خواسته‌های دنیوی مانع از این شده‌اند که چشمان خود را بر عیسی بدوزید؟
- ۳) آیا در محل کار، مدرسه یا خانه با بی‌ایمانان رابطه یا همراهی نزدیکی داشته‌اید که بر ایمان شما اثر بگذارد؟ آیا آنان بر شما تاثیر گذاشته‌اند، یا توانسته‌اید در مسیح استوار بمانید و شاید حتی انجیل را با ایشان در میان بگذارید؟
- ۴) چگونه با ترس‌های مربوط به جنگ روحانی روبه‌رو می‌شوید تا از پیروزی مسیح و موقتی بودن نبردهای ما بر این زمین اطمینان حاصل کنید؟

فصل پانزدهم نقش گناه در نبرد روحانی

ما به‌عنوان مسیحیان، با سه منبع وسوسه روبه‌رو هستیم: جسم ما، دنیا، و ابلیس. خواسته‌های جسمانی ما، اشتیاق‌های بدن به گناه هستند، مانند مستی، شکم‌پرستی، یا گناه جنسی. این موضوع در فیلیپیان ۳: ۱۹ درباره‌ی کسی توصیف شده است که «خدایش شکمش است». خوشبختانه، یکی از ثمرات روح، خویشتنداری است تا با این میل‌ها مقابله کنیم. ما همچنین باید برای مقابله با این وسوسه‌ها، برای دریافت قوت نزد خداوند برویم.

تأثیرات دنیوی می‌تواند شامل حسادت یا طمع نسبت به آنچه دیگری دارد باشد، یا این‌که انسان به‌جای انجام دادن همه‌چیز برای جلال خدا، در پی تحسین دیگران و جلال خود باشد. موسیقی‌ها و فیلم‌های دنیوی نیز، اگر آنان که خود را مسیحی می‌خوانند هشیار و بیدار نباشند، می‌توانند تأثیرات گناه‌آلودی بر آنان بگذارند.

در سراسر این کتاب، ما درباره‌ی تأثیرات ابلیس هشدار داده‌ایم و می‌آموزیم که کتاب مقدس درباره‌ی آمادگی و حفاظت در برابر این جنگ روحانی چه تعلیمی به ما می‌دهد. یکی از بزرگ‌ترین عوامل آنچه ما را از جنگ روحانی محافظت می‌کند، این است که از افتادن در گناه بدون اینکه از آن گناه توبه کنیم، دوری کنیم. زیرا گناه، یکی از عوامل اصلی در جنگ روحانی است.

همان‌طور که می‌دانیم، حتی پس از آن‌که نزد مسیح می‌آییم، وسوسه‌های گناه‌آلود به‌سادگی ناپدید نمی‌شوند. و وقتی با آن‌ها برخورد نمی‌کنیم، یا آن‌ها را نادیده می‌گیریم یا کوچک می‌شماریم، ممکن است به دشمن جای پای محکم در زندگی مان بدهیم. این مانند آن است که دری را باز بگذاریم و او را به درون دعوت کنیم.

وقتی توبه می‌کنیم، او امین است که ما را بیمارزد. اما تفاوتی وجود دارد. میان این‌که بدانیم عیسی ما را می‌بخشد و این‌که به صورت مداوم با گناهان توبه نکرده زندگی کنیم. و این تفاوت می‌تواند پیامدهای روحانی جدی داشته باشد.

ابلیس آن قدر شریر است که می‌کوشد از ضعف‌های ما بهره‌برداری کند. وقتی در گناه زندگی می‌کنیم، به‌ویژه گناهی که اجازه داده‌ایم پنهان بماند، به او جای پا می‌دهیم. او از احساس گناه، شرم، و محکومیت استفاده می‌کند تا ما را زیر بار سنگین خود خم کند. هرچه بیشتر به گناه بچسبیم، بیشتر در معرض تاثیر روحانی قرار می‌گیریم.

کتاب مقدس می‌گوید وقتی ریاکار باشیم، «وجدانی بی‌حس» داریم. ۱ تیموتائوس ۴: ۲. وجدانی که دیگر نمی‌تواند هشدارهای روح‌القدس را درباره خطری روحانی که در آن قرار داریم احساس کند. و درست از همین جاست که جنگ روحانی آغاز می‌شود. وقتی به گناه ادامه می‌دهیم، خود را به روی نقشه‌ها، دروغ‌ها، اتهام‌ها، و تلاش‌های دشمن برای این که ما را بی‌ارزش و شکست‌خورده احساس کنیم، باز می‌کنیم. در آن نقطه، ذهن و وجدان ما ناپاک می‌شود. تیطس ۱: ۱۵. در موقعیت‌هایی که تا این حد پیش می‌رود، این احتمال وجود دارد که آن شخص از ابتدا اصلاً نجات نیافته بوده است.

این فقط مربوط به یک نوع گناه نیست. شاید برای شما، این گناه تکبر، شهوت، غیبت، یا خشم باشد. شاید چیزی باشد که هیچ‌کس دیگری آن را نمی‌بیند.

کتاب مقدس می‌گوید: هر که نافرمانیهای خود را بپوشاند، کامیاب نخواهد شد، اما هر که آنها را اعتراف کند و ترک نماید، رحمت خواهد یافت. امثال ۲۸: ۱۳. وقتی گناه را پنهان می‌کنیم، در تاریکی رشد می‌کند. و البته پنهان کردن گناه از خدای دانای مطلق ما غیرممکن است. وقتی از طریق توبه، گناه را به نور او می‌آوریم، آمرزیده می‌شویم. ما باید هر روز توبه کنیم، زیرا هر روز، چه در افکارمان و چه در اعمالمان، گناه می‌کنیم.

توبه چیزی فراتر از این است که بگوییم: متأسفم، یا بابت کاری که کرده‌ایم احساس گناه کنیم. توبه، روی گردانی از صمیم قلب از گناه و روی آوردن به خداست. یعنی درک کنیم که کار نادرستی انجام داده‌ایم و با اندوهی الهی، در پی درست کردن آن باشیم. ۲ قرنتیان ۷: ۱۰ می‌گوید: زیرا اندوهی که از خداست، توبه‌ای پدید می‌آورد که به نجات می‌انجامد و پشیمانی ندارد، اما اندوه دنیوی مرگ به بار می‌آورد. اندوه خدایی یعنی دل شما از این می‌شکند که در برابر خدای قدوس ما که او را محبت می‌کنید و می‌خواهید خشنودش سازید، سرکشی کرده‌اید.

در مقابل، اندوه دنیوی که به آن غم دنیوی نیز گفته می‌شود، یعنی از این که گیر افتاده‌اید یا از پیامدهای گناه احساس بدی داشته باشید.

توبه کردن و دعا برای این که خدا به شما قوت بدهد تا در برابر وسوسه بایستید و اشتیاق شما را نسبت به آن گناه از بین ببرد، رابطه شما را با خدا تقویت خواهد کرد. به خدا نزدیک شوید، که او نیز به شما نزدیک خواهد شد. ای گناهکاران، دستهای خود را پاک کنید. ای دودلان، دل‌های خود را طاهر سازید. یعقوب ۴: ۸. این آیه بر اهمیت جستن رابطه‌ای نزدیک‌تر با خدا و دعا برای پاکی روحانی تاکید می‌کند.

در ۱ یوحنا ۱: ۹ نیز به ما یادآوری می‌شود: اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است که گناهان ما را بیاورد و ما را از هر ناراستی پاک سازد. آمرزش خدا فوری و کامل است. موضوع این نیست که آمرزش را به دست آوریم یا کفاره‌ای بپردازیم؛ بلکه موضوع، دریافت کردن فیض او را با دلی توبه‌کار است، و آزادی واقعی از همین جا آغاز می‌شود.

گناه فقط بر رابطه ما با خدا تاثیر نمی‌گذارد. بلکه بر رابطه ما با خودمان و با دیگران نیز تاثیر می‌گذارد. وقتی اجازه می‌دهیم گناه اعتراف نشده باقی بماند، در اعماق وجودمان می‌دانیم که راه خطا می‌رویم، و این ما را از احساس گناه، اندوه، و حتی نفرت از خود پر می‌کند. ابلیس از این آسیب‌پذیری‌ها سوءاستفاده می‌کند و با جنگ روحانی بر ما یورش می‌آورد تا ما را بیشتر از خدا دور کند. اما خوشبختانه، وقتی گناهان خود را با توبه‌ای حقیقی نزد خدا می‌آوریم، او ما را پاک کرده و می‌شوید و احیا می‌کند.

عیسی جان داد تا مجازاتی را که همه ما به سبب گناهانمان سزاوار آن هستیم، بر خود بگیرد. کار او بر صلیب کامل شده است و ما آمرزیده شده‌ایم.

پرسش‌هایی برای تأمل

۱) آیا اکنون در زندگی شما کاری است که انجام می‌دهید و می‌دانید گناه آلود است؟
آیا برای توبه و تقویت خود به جهت ترک آن اعمال گناه‌آلود، به خدا روی آورده‌اید؟

۲) آیا می‌توانید زمانی را در زندگی خود به یاد آورید که فهمیدید در حال ارتکاب به گناه هستید، و در نتیجه توبه کردید؟ این موضوع پیش از توبه و پس از توبه چه تاثیری بر شما گذاشت؟

۳) چگونه می‌توانید به دوستی که درگیر گناهی است که از آن توبه هم نکرده است، کمک کنید؟

۴) گاهی ابلیس می‌کوشد ما را بابت گناهان گذشته که برای‌شان توبه کرده‌ایم و از آن‌ها برگشته‌ایم، شرمسار کند. چگونه می‌توانیم با این دروغ‌های دشمن که می‌خواهند شادی ما را برابند، مقابله کنیم؟

فصل شانزدهم تصمیم‌های نادرست و نبرد روحانی

گاهی آنچه به نظر جنگ روحانی می‌آید، در واقع پیامدِ گناه یا انتخاب‌های نادرستی است که خود ما انجام داده‌ایم. آیا تا به حال پیش آمده است که با شتاب تصمیمی بگیرید و بعداً افسوس بخورید که پیش از آن که خوب نگاه کنید، با عجله اقدام کرده‌اید؟ پیامدهای گناه گذشته دردناک‌اند. بله، گناهان شما در همان لحظه‌ای که توبه می‌کنید و به عیسی به‌عنوان خداوند و نجات‌دهنده خود ایمان می‌آورید، آمرزیده می‌شوند. اما گناهان آمرزیده‌شده، بهای زمینی‌ای را که باید برای گناهانمان بپردازیم از میان نمی‌برند. به دردی فکر کنید که سلیمان و بت شمع در از دست دادن نخستین فرزند خود پس از رابطه گناه‌آلودشان تحمل کردند.

تصمیم‌های نادرست می‌توانند نتیجه اعتماد نکردن به خداوند باشند. شاید باور دارید که باید همه کارها را خودتان انجام دهید. یا شاید در اعتماد کردن به دیگران حتی به خود خدا برای اینکه به شما کمک کنند مشکل دارید. شاید فکر می‌کنید لازم است خودتان اوضاع را کنترل کنید، به جای آن که از هدایت خدا پیروی کنید. معمولاً این وضعیت‌ها از نشاختن خدا ناشی می‌شوند و با مطالعه روزانه کتاب مقدس برای شناخت صفات، شخصیت، و وعده‌های او درمان می‌شوند. همچنین مفید است که راه‌هایی را که از طریق آنها خدا در طول سال‌ها به شما کمک کرده است و به‌ویژه نجات را مرور کنید.

پس اگر درباره امور مالی خود انتخاب‌های نادرستی کرده‌اید، ممکن است امروز از نظر مالی رنج بکشید. اگر هنگام انجام فعالیت‌های پرخطر آسیب دیده‌اید، ممکن است امروز سلامتی‌تان آسیب دیده باشد. اگر به همسر خود خیانت کرده‌اید، ممکن است امروز ازدواجتان آسیب ببیند. این جنگ روحانی نیست. این پیامد گرفتن تصمیم‌های ناعاقلانه است. البته ابلیس خواهد کوشید از هر آسیب‌پذیری سوءاستفاده کند.

این موضوع به معنای سرزنش کردن خود با احساس گناه، شرم، یا افسوس نسبت به تصمیم‌های نادرست نیست. آموختن از اشتباهاتمان نتیجه‌ای مثبت است، اما نکوهش کردن

خود مفید نیست. گاهی تاثیر ترکیبی جنگ روحانی و تصمیم‌های نادرست وجود دارد، زیرا ممکن است دیوها با وسوسه‌های خود، زمینه آن انتخاب‌های گناه‌آلود را فراهم کرده باشند. کتاب مقدس پر است از داستان کسانی که گناه کردند، اما خدا همچنان از آنان به طریزی نیرومند استفاده کرد. به هر حال، فقط عیسی بی‌گناه است. وقتی در نظر می‌آوریم که خدا پس از آن که شائول / پولس، مسیحیان را آزار می‌داد، چگونه از او استفاده کرد، دیگر دروغ‌های ابلیس را درباره این که به خاطر گناهان گذشته خود رصلاحیت شده‌ایم را باور نخواهیم کرد. انتخاب‌های نادرست، مجموعه‌ای از پیامدهای خاص خود را به دنبال دارند. و در حالی که جنگ روحانی می‌تواند چنین احساسی به شما بدهد که مورد حمله قرار گرفته‌اید، تصمیم‌های نادرست بیشتر شبیه زخم‌هایی هستند که خودتان بر خود وارد کرده‌اید، زیرا در حال درو کردن پیامدهای اعمالی هستید که با کلام خدا هم‌راستا نبوده‌اند.

برای مثال، اگر در روابط خود صادق نبوده‌اید، ممکن است با پیامدهای طبیعی اعتماد شکسته یا روابط آسیب‌دیده روبه‌رو شوید. اگر دعوت خدا را برای زندگی خود نادیده گرفته‌اید یا بدون هدایت او تصمیم گرفته‌اید، ممکن است کمبود آرامش یا جهت را تجربه کنید. اگر از سلامتی یا امور مالی خود غفلت کرده‌اید، ممکن است با پیامدهای مدیریت نادرست آنها دست‌وپنجه نرم کنید. این پیامدها می‌توانند سنگین و طاقت‌فرسا باشند، درست مانند حملات روحانی، اما مستقیماً از سوی دشمن نمی‌آیند. آنها نتایج طبیعی تصمیم‌هایی هستند که خود ما گرفته‌ایم.

برای بدتر کردن اوضاع، دشمن ممکن است بر این پیامدهای گناهان پیشین یورش آورد. ابلیس آن قدر شما را متهم خواهد کرد تا آن قدر از احساس گناه و شرم پر شوید که در مورد سخن گفتن از انجیل با دیگران دچار تردید شوید. پذیرفتن مسئولیت نقش خود در این کشمکش‌ها، موضوعی مهم است. مسئولیت‌پذیری در قبال گناهان گذشته، راهی بالغانه برای آموختن و رشد کردن است تا همان انتخاب‌های نادرست را دوباره تکرار نکنید. وقتی مسئولیت می‌پذیرید، احتمال بیشتری دارد که در آینده محتاط‌تر باشید. مسئولیت‌پذیری، رویکردی بسیار بهتر از این است که خودتان را با احساس گناه و شرم بکوبید، به‌ویژه از آن رو که ابلیس ممکن

است وقتی در ضعف هستید از شما سوءاستفاده کند. در چنین وقت‌هایی است که به نظر می‌رسد مشکلات همگی با هم سرازیر می‌شوند.

پس مسئولیت گناهان گذشته خود را بپذیرید. برای این گناهان نزد خدا توبه کنید، و از او بخواهید به شما کمک کند تا بیاموزید، رشد کنید، و دیگر آن‌ها را تکرار نکنید. از کسانی که ممکن است به آنان آسیب زده باشید عذرخواهی کنید و تا جایی که می‌توانید برای جبران بکوشید. من این دعا را از مزمور ۱۳۹: ۲۳-۲۴ دوست دارم: خدایا مرا بیازما و دلم را بشناس؛ مرا امتحان کن و دغدغه‌هایم را بدان. ببین که آیا در من راه اندوهبار هست، و به راه جاودانی هدایت‌م فرما.

پیامدهای گناهان گذشته و تصمیم‌های نادرست می‌توانند با جنگ روحانی همپوشانی داشته باشند، بنابراین مرزهای کاملاً روشنی میان آن‌ها وجود ندارد. نتایج آن دردناک و اغلب ترسناک‌اند. پس اگر اکنون فصلی از کشمکش را در میان این پیامدها می‌گذرانید، لطفاً چنین احساس نکنید که این مجازاتی برای گناهان شماست که باید آن را به‌تنهایی تحمل کنید. اگر توبه کرده‌اید و به عیسی اعتماد دارید، خدا هنوز با شماست. میکا ۷: ۱۸-۱۹ می‌گوید که خدا خشم خود را تا به ابد نگاه نمی‌دارد، زیرا از محبت کردن لذت می‌برد. او بار دیگر بر ما ترحم خواهد فرمود، و گناهان ما را پایمال خواهد کرد. او تمامی گناهان ما را به قعر دریا خواهد افکند.

به یاد داشته باشید که هنگام عبور از این پیامدها، از خدا حکمت درخواست کنید. یعقوب ۱: ۵ به ما یادآوری می‌کند که اگر کسی از شما از حکمت بی‌بهره باشد، باید آن را از خدا بخواهد، و به او داده خواهد شد. خدا علاقه مند به رها کردن شما در سردرگمی و تشویش نیست. وقتی شک دارید، دعا کنید و از خدا حکمت بخواهید. او در درجه نخست از طریق مطالعه کتاب مقدس شما را هدایت خواهد کرد تا بتوانید از این آزمایش عبور کنید. قدرت این را که در چنین موقعیت‌هایی از خدا بخواهید همه‌چیز را برایتان روشن کند، دست کم نگیرید. همچنین خوب است که مشورت حکیمانه بجوئید. امثال ۱۱: ۱۴ می‌گوید: جایی که هدایت نباشد، قوم سقوط می‌کند، اما در فراوانی مشیران، سلامتی است. اگر مطمئن نیستید چگونه با پیامدهای گناهان گذشته و تصمیم‌های نادرست خود روبه‌رو شوید، از شخصی که

به او اعتماد دارید، مشورتِ حکیمانه و خدایی بطلبید، حتی اگر اعتراف به کارهایی که در گذشته انجام داده‌اید شرم‌آور باشد. همه گناهکارند، و یک مسیحی پخته درک خواهد کرد، به‌ویژه اگر ثمرهٔ توبه وجود داشته باشد. گاهی وقتی بیش از حد به یک موقعیت نزدیک هستیم، دیدن حقیقت دربارهٔ تصمیم‌های خودمان دشوار می‌شود. یک دوستِ خداترس، راهنما، معلمِ مطالعهٔ کتاب مقدس، یا شبان می‌تواند کمک کند تا مسائل را روشن‌تر ببینید و دیدگاه درستی به شما بدهد.

چه آزمایش‌های شما از جنگ روحانی باشد و چه پیامدِ تصمیم‌های نادرست، خدا نقشه‌ای دارد تا به شما کمک کند در این سختی‌ها استقامت کنید. اگر با حملات روحانی روبه‌رو هستید، به یاد داشته باشید که اسلحهٔ خدا را بر تن کنید، تسلیم خدا شوید، و در برابر ابلیس مقاومت کنید. و اگر آزمایش‌هایی که اکنون تحمل می‌کنید نتیجهٔ تصمیم‌های نادرست هستند، آن‌ها را نزد خدا اعتراف کنید. ۱ یوحنا ۱: ۹ به ما اطمینان می‌بخشد: اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است که گناهان ما را بيمارزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد.

پرسش‌هایی برای تأمل

- ۱) چگونه با احساس شرم یا افسوس خود (نسبت به اشتباهات گذشته) روبه‌رو می‌شوید؟
- ۲) به چه شکل‌هایی در حال آموختن این هستید که به خدا اعتماد کنید و نخواهید همه چیز را خودتان کنترل کنید؟
- ۳) آیا زمانی را به یاد می‌آورید که ابلیس با اتهام‌های خود به شما حمله کرد و باعث شد به خودتان شک کنید؟ چگونه بر این احساس غلبه کردید؟
- ۴) آیا فکر می‌کنید برخی از مردم به‌اشتباه همهٔ مشکلات خود را به دیوها نسبت می‌دهند، در حالی که در واقع برخی مشکلات به‌سبب اشتباهات خود ما رخ می‌دهند؟

خواهرم، به یاد داشته باش، خدا در همهٔ امور با توست - چه در نبردی روحانی باشی و چه در فصلی دشوار که در آن از اشتباهات درس می‌گیری. او تو را هدایت خواهد کرد، شفا خواهد داد، و کمک خواهد کرد با قوت از میان آن عبور کنی. چشمانت را بر او بدوز.

فصل هفدهم

حقیقت درباره خدمت اخراج ارواح

وقتی برای نخستین بار نجات یافتم و برای اولین بار، تا آنجا که خودم آگاه بودم، از جنگ روحانی رنج می‌بردم، نمی‌دانستم چه باید بکنم. هنوز بخش زیادی از کتاب مقدس را نخوانده بودم، و هیچ مسیحی پخته‌ای را هم نمی‌شناختم که مرا راهنمایی کند.

پس در اینترنت عبارت «جنگ روحانی» را جستجو کردم و با آگهی‌های «خدمات اخراج ارواح» روبه‌رو شدم که تضمین می‌دادند می‌توانند دیوها و لعنت‌ها را بیرون کنند. من زمان و پول زیادی را صرف این کردم که از طریق این خدمات‌های اخراج و خواندن کتاب‌های مربوط به این موضوع، بتوانم آرامش خود را به دست آورم. آنان وعده می‌دادند که دعا‌های خاصی به من خواهند داد که دیوها را بیرون براند. اما نتیجه فقط لحظه‌های کوتاه و موقتی آرامش بود، و بعد از آن جنگ روحانی شدیدتر می‌شد. سرانجام، وقتی دستورهای کتاب مقدس را درباره نحوه برخورد با جنگ روحانی مطالعه کردم، رهایی و آرامش یافتم. خدا در کلام خود ما را مجهز کرده است تا بدانیم چگونه با حملات اجتناب‌ناپذیر دشمن روبه‌رو شویم. پس، من به‌عنوان خواهرتان در مسیح که:

• خدمات‌های اخراج ارواح را خود انجام داده‌ام، خودم این مسیر را رفته‌ام و تجربه‌اش کرده‌ام، از جمله نسخه عصر جدید رهایی که «رفع تصرف» یا «درمان رهاسازی ارواح» نامیده می‌شود

• با خواهران دیگری که از خدمات اخراج ارواح آسیب دیده‌اند گفتگو کرده‌ام.

با یک خادم سابق خدمات‌های رهایی که اکنون توبه کرده و دیگران را نسبت به خطرات خدمات‌های اخراج ارواح هشدار می‌دهد، گفتگو کرده‌ام.

• آنچه خدمات‌های اخراج ارواح می‌گویند را با آنچه کتاب مقدس می‌گوید مقایسه کرده‌ام، لطفاً بدانید که اگر شما را هشدار می‌دهم، برای این است که برای من مهم هستید، بعضی‌ها از سخنان من ناراحت خواهند شد، زیرا خدمات‌های اخراج ارواح یک صنعت بزرگ و سودآور هستند، و آنان دوست ندارند الگوی کاری‌شان به خطر بیفتد.

اما حقیقت کتاب مقدسی این است: در تمام کتاب مقدس حتی یک روایت هم وجود ندارد که در آن شخص نجات یافته‌ای در تسخیر دیو باشد. صد درصد کسانی که عیسی و رسولان، دیوها را از آنان بیرون کردند، افرادی بودند که هنوز نجات را دریافت نکرده بودند. و در حالی که خدمت‌های رهایی دروغین بسیاری وجود دارند که می‌کوشند ما را قانع کنند مسیحیان می‌توانند در تسخیر دیو باشند، ما باید محکم به حقیقت کلام خدا بچسبیم. هرگونه نمایش جن‌گیری از سوی خدمت‌های اخراج ارواح، یا ناشی از نمایش‌گری خود آنان است، یا به این دلیل است که آنان برای افرادی که هنوز نجات را ندارد دعا می‌کنند یا برای ایمانداران دروغین دعا می‌کنند؛ یعنی کسانی که ادعا می‌کنند مسیحی هستند، اما در واقع چنین نیستند. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که مسیحیان نجات یافته می‌توانند تحت تاثیر روحانی قرار بگیرند یعنی توسط روح‌های ناپاکی که بیرون از بدن آنها هستند آزار می‌بینند، اما در تسخیر دیوها نیستند، زیرا روح القدس ساکن در درون مسیحیان اجازه نمی‌دهد دیوها با او در یک جا ساکن شوند. جنگ روحانی‌ای که در این کتاب درباره‌اش صحبت می‌کنیم، همین تحت تاثیر روحانی بودن است.

در کتاب مقدس می‌بینیم که عیسی و رسولان، دیوها را از افرادی که نجات را دریافت نکرده بودند بیرون می‌کردند که تا پیش از بیرون رفتن دیوها از آنان، ایمان دار نبودند. آنان در تاریکی زندگی می‌کردند، بدون حفاظت روح القدس. دیوها بر آنان تسلط داشتند، و آنها باید آزاد می‌شدند.

بیا بید لحظه‌ای باز ایستیم. این فکر که یک مسیحی می‌تواند در تسخیر دیو باشد، به هیچ وجه بنیاد کتاب مقدسی ندارد. چرا؟ زیرا کتاب مقدس به روشنی بیان می‌کند که همان لحظه‌ای که ایمان خود را بر عیسی مسیح می‌گذاریم، با روح القدس مهر می‌شویم. افسسیان ۱: ۱۳-۱۴. روح خدا در ما ساکن می‌شود، و قرار نیست آن جایگاه را با دیوها شریک شود. موضوع این نیست که ما کامل هستیم یا دیگر هیچ مشکلی نداریم؛ موضوع این است که روح القدس در ما ساکن است، و هیچ چیز نمی‌تواند ما را از محبت خدا جدا سازد. رومیان ۸: ۳۸-۳۹.

اگر مسیحی هستید، بدن شما معبدِ روح‌القدس است. ۱ قرن‌تیاں ۶: ۱۹-۲۰. خدا خود برمی‌گزیند که در شما ساکن شود. حال آیا او اجازه می‌دهد دیوی همان معبدی را که آن را از آن خود می‌خواند، در تسخیر بگیرد؟ نه، چنین نخواهد کرد. این حقیقت باید برای شما آرامش بیاورد، نه ترس.

خدمات‌ها و معلمانی هستند که ادعا می‌کنند مسیحیان می‌توانند در تسخیر دیو باشند. آنان چیزهایی از این دست می‌گویند: شما به رهایی نیاز دارید، زیرا دشمن هنوز به سبب درگیری‌های گذشته شما با علوم غریبه، در درون شماست، یا: تا زمانی که روح‌ها از شما اخراج نشده باشند، واقعاً آزاد نیستید. این ایده‌ها ظاهری روحانی و قانع‌کننده دارند، اما با آنچه در کتاب مقدس می‌بینیم، هماهنگ نیستند.

بیاید به خدمتِ عیسی و رسولان نگاه کنیم. هر دیوی که عیسی بیرون کرد، از شخصی نجات‌یافته بود. به این اشخاص فکر کنید: مردی که گرفتار لژیونی از دیوها بود، زنی که روح غیب‌گویی داشت، و پسر بچه دیوزده. مرقس ۵: ۱-۲۰؛ اعمال ۱۶: ۱۶-۱۸؛ مرقس ۹: ۱۴-۲۹. هیچ‌یک از این اشخاص نجات‌یافته نبودند. و مهم است توجه کنیم که عیسی هرگز، هرگز دیوی را از یک ایماندار بیرون نکرد. رسولان نیز از الگوی عیسی پیروی کردند. آنان دیوها را بیرون می‌کردند، اما باز هم این اشخاص، کسانی بودند که مسیح را نمی‌شناختند. پس چرا این خدمت‌های دروغین وجود دارند؟ متأسفانه بعضی‌ها از ترس ایمانداران نسبت به جنگ روحانی و امور ناشناخته سوءاستفاده می‌کنند. آنان چنین روایتی می‌سازند که اگر با گناه درگیر هستید یا اگر با مشکلاتی در زندگی روبه‌رو شده‌اید، حتماً به این دلیل است که دیوهایی در درون شما زندگی می‌کنند. و «رهایی» را به‌عنوان راه‌حل ارائه می‌دهند. شاید این «خادمان رهایی» نیتِ خوبی داشته باشند، اما خودشان نیز فریب خورده باشند.

با این حال، آنان خدمتی کتاب مقدسی ارائه نمی‌دهند.

خدمات‌های رهایی کسب‌وکارهای بزرگ و سودآوری هستند، و ادعا می‌کنند منتقدانشان «روح مذهبی» دارند، اصطلاحی که اصلاً در کتاب مقدس وجود ندارد. همچنین منتقدان خود را متهم می‌کنند به این‌که به روح‌القدس کفر می‌گویند، در حالی که این اصطلاح فقط در مورد کسانی به کار می‌رود که انجیل را رد می‌کنند.

فقط چون با سختی‌هایی روبه‌رو هستید، به این معنا نیست که در تسخیر دیو هستید. سختی‌ها از منابع گوناگونی می‌آیند: تحت تاثیر روحانی بودن، ضعف‌های خود ما، یا پیامدهای زندگی در جهانی که سقوط کرده است. اما هیچ‌یک از این کشمکش‌ها به‌طور خودکار به این معنا نیست که دیوی از درون شما را کنترل می‌کند. گاهی این تحت تاثیر روحانی بودن دشمن است که می‌کوشد آرامش شما را بر هم بزند یا شما را از هدف خدا برای زندگی‌تان دور کند. گاهی دیگر، همان‌طور که در این کتاب دیده‌ایم، اینها پیامدهای گناهان گذشته و تصمیم‌های نادرست ما هستند.

آنچه حتی خطرناک‌تر است این است که این تعالیم دروغین‌رهایی می‌توانند باعث شوند نسبت به نجات خود دچار تردید شوید. اگر مسیحی هستید، روح‌القدس در شما ساکن است. شما در مسیح مَهر شده، محفوظ، و ایمن هستید. اما خدمات‌های دروغین‌رهایی می‌توانند این احساس را در شما ایجاد کنند که کامل نیستید، چیزی کم دارید، یا باید کار اضافی‌ای انجام دهید تا واقعاً آزاد شوید. از نظر آنان، کار کامل‌شده عیسی بر صلیب کافی نیست. بعضی از خدمات‌های رهایی‌اصرار دارند که مراجعانشان به‌طور منظم برای «مراجعه» بازگردند تا دیوها را بیرون کنند. این یک دروغ است.

کاری که عیسی بر صلیب انجام داد، کامل بود. شما نباید که دوباره از دیوها «رهایی» پیدا کنید، زیرا عیسی پیشاپیش آنها را برای شما شکست داده است. در همان لحظه‌ای که نجات یافتید، دیوها از شما بیرون رانده شدند و روح‌القدس در شما ساکن شد.

خدمات‌های اخراج ارواح استدلال می‌کنند که عیسی به ما اقتدار داده است تا دیوها را بیرون کنیم. اما اصلاً بحث بر سر این نیست. موضوع «اقتدار» نیست. موضوع این واقعیت است که مسیحیان نمی‌توانند در تسخیر دیو باشند، و هر کس خلاف این را بگوید، یا نسبت به کتاب‌مقدس ناآگاه است یا شاید. خدمات‌های اخراج ارواح، برای کسانی که ادعا می‌کنند مسیحی هستند، «اخراج»‌های بسیار نمایشی برگزار می‌کنند. مراجعانشان به اصطلاح زمانی که دیوها از آنها بیرون رانده می‌شوند، می‌لرزند، آب از دهانشان جاری می‌شود، استفراغ می‌کنند، و روی زمین می‌افتند. اما همه اینها فقط نمایش‌های هیپنوتیک است. این خدمات‌های رهایی ممکن است ادعا کنند که رایگان هستند، اما بیشترشان از روش‌های پرفشار

برای گرفتن اعانه یا فروختن کتاب‌ها، دی‌وی‌دی‌ها، جلسات دوره‌ای، سمینارها، و مانند اینها استفاده می‌کنند. بهتر است از این خدمت‌های اخراج ارواح دوری کنید.

اکنون، بگذارید روشن بگوییم: تحت تاثیر روحانی بودن، واقعی است. دشمن می‌تواند به ما حمله کند، و ما با جنگ روحانی روبه‌رو خواهیم شد. ممکن است احساس کنید زیر بار ترس، اضطراب، وسوسه، یا حتی سردرگمی له شده‌اید. اما این تحت تاثیر روحانی بودن است، نه تسخیر. تحت تاثیر روحانی بودن یعنی دشمن از بیرون بر ما فشار می‌آورد یا می‌کوشد بر ما اثر بگذارد. تسخیر یعنی او از درون کنترل را به دست بگیرد. و شما به‌عنوان یک ایماندار، دشمن هیچ توانایی‌ای برای تسخیر شما ندارد.

شاید از خود بپرسید: پس تکلیف کشمکش‌های من با گناه و وسوسه چه می‌شود؟ این هم واقعی است. وقتی تسلیم گناه می‌شویم، ممکن است در برابر حمله روحانی آسیب‌پذیرتر شویم، اما این با در تسخیر دیو بودن یکی نیست. کلید کار این است که توبه کنیم و به خدا بازگردیم. ۱ یوحنا ۱: ۹. وقتی چنین می‌کنیم، دشمن باید بگریزد. ما هنوز ممکن است. با وسوسه و کشمکش روبه‌رو شویم، اما زیر کنترل دشمن نیستیم.

خلاصه مطلب این است: اگر مسیحی تولد تازه یافته هستید، در تسخیر دیوها نیستید. در همان لحظه‌ای که نجات یافتید، عیسی شما را از هر دیوی که ممکن بود پیش از نجاتتان در تسخیرش بوده باشید، رهایی داد. رهایی او کامل است، و شما دیگر به هیچ رهایی دیگری نیاز ندارید، زیرا شخص دوم تثلیث اقدس در درون شما ساکن است.

ممکن است با جنگ روحانی، تحت تاثیر روحانی بودن، و کشمکش روبه‌رو شوید، اما شما به‌وسیله روح القدس مَهْر شده‌اید، و هویت شما در مسیح استوار و محفوظ است. به یاد داشته باشید که عیسی بر صلیب، بر گناه، مرگ، و ابلیس پیروز شد. دشمن شکست خورده است، و شما نباید بترسید. در عوض، در آزادی‌ای گام بردارید که عیسی به شما می‌بخشد. اگر در کشمکش هستید، به او روی آورید، قوت او را بطلبید، و بدانید که در او هر آنچه نیاز دارید، به شما بخشیده شده است.

پرسش‌هایی برای تأمل

- (۱) آیا شما یا کسی را می‌شناسید که تجربه آزادسازی را امتحان کرده باشد؟ نتیجه‌اش چگونه بود؟
- (۲) دانستن این که همهٔ مسیحیان به وسیلهٔ روح‌القدس ساکن در درون‌شان مُهر شده‌اند، چه احساسی به شما می‌دهد؟
- (۳) تا اینجا چه چیزهایی درباره اسلحهٔ خدا آموخته‌اید؟
- (۴) وقتی با نبرد روحانی روبه‌رو می‌شوید، چه راه‌هایی وجود دارد که به شما قوت بدهد تا در برابر نقشه‌ها و وسوسه‌های ابلیس مقاومت کنید؟

فصل هجدهم وسایل موجود در خانه و نبرد روحانی

اگر در خانه شما وسایل عرفان‌های نوظهور یا جادوگری دارید، اینها می‌توانند علت دیگری برای شدت گرفتن جنگ روحانی باشند. البته خود آن وسایل در تسخیر نیستند. مشکل این است که آن‌ها در خانه شما حضور دارند.

عصر جدید، جادوگری، و افسونگری، هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید کتاب مقدس به روشنی محکوم شده‌اند. اینها گناهان سنگینی هستند که خداوند و نجات‌دهنده ما عیسی برایشان جان داد. کسانی که افسونگری می‌کنند، به آسمان جدید راه نخواهند یافت، بلکه برای عذاب جاودانی به دریاچه آتش افکنده خواهند شد. مکاشفه ۲۱: ۸؛ ۲۲: ۱۵. افسونگری همچنین با بت‌پرستی، یعنی دعا کردن به دیوها یا مجسمه‌ها، و جادوگری، یعنی تلاش برای به‌وجود آوردن چیزی، مرتبط است. اینها از جمله گناهانی هستند که عیسی برایشان بر صلیب جان داد، و ما نباید هیچ علاقه و ارتباطی با آنها داشته باشیم.

داشتن وسایل عصر جدید یا مربوط به علوم غریبه در خانه، باعث افزایش جنگ روحانی می‌شود، زیرا داشتن این وسایل گناه است. این، سرکشی در برابر خدای قدوس ماست که ما را از تاریکی نجات داده است. بله، ما آزادی مسیحی داریم تا کارهایی را انجام دهیم که در کتاب مقدس صراحتاً گناه خوانده نشده‌اند. اما اگر خدا چیزی را گناه می‌نامد، دیگر هیچ آزادی‌ای برای انجام دادن آن وجود ندارد.

فال‌گیری، طالع‌بینی، تاروت، ویکا، جادوگری، احضار ارواح، بت‌پرستی غیرالهی، و بت‌پرستی، از جمله گناهانی هستند که باید از آن‌ها دوری کنیم. پس ما نباید وسایلی مرتبط با این امور را در خانه خود نگه داریم. باید این وسایل را دور بیندازیم یا بسوزانیم تا از گردش خارج شوند و دیگران را فریب ندهند. به همین دلیل، نباید آن‌ها را ببخشیم یا بفروشیم.

کتاب مقدس به روشنی می‌گوید که باید از بدی بگریزیم و از هرگونه ارتباط با اعمال محکوم‌شده دوری کنیم. تثنیه ۱۸: ۹-۱۴؛ افسسیان ۵: ۱۱. همچنین به ما گفته شده است کاری نکنیم که باعث شود شخص دیگری در فریب بیفتد. و اگر دوستی این وسایل را در

خانه شما ببیند، ممکن است تصور کند که داشتن وسایل مربوط به عرفان‌های نوظهور یا جادوگری برای مسیحیان اشکالی ندارد، در حالی که چنین نیست.

اعمال ۱۹: ۱۸-۱۹ نمونه‌ای پر قدرت را نشان می‌دهد از مسیحیان توبه‌کاری که کتاب‌های افسونگری و وسایل مربوط به جادوگری خود را سوزاندند. ارزش چیزهایی که سوزاندند، پنجاه هزار سکه نقره بود. لطفاً این را به یاد داشته باشید اگر به این دلیل که وسایل مربوط به عرفان‌های نوظهورتان گران بوده‌اند، برای دور انداختن آن‌ها تردید دارید. هزینه ننگ داشتن آن‌ها، از نظر جنگ روحانی، گناه و سرکشی، و افزایش وسوسه به گناه به سبب حضور این وسایل در خانه شما حتی بیشتر هم است. وقتی به هر دلیلی این وسایل را ننگ می‌داریم، ناآگاهانه از روح‌های شریر دعوت می‌کنیم که ما را تحت تاثیر روحانی قرار دهند. دشمن از هر شکافی که بتواند پیدا کند، به طرزی پنهان عمل می‌کند. و این اشیا، حتی اگر فعالانه از آن‌ها استفاده نکنیم، می‌توانند همان شکاف باشند.

ممکن است برای از بین بردن این چیزها در خود تردید احساس کنید. این را درک می‌کنم. جدا شدن از چیزی که به گذشته یا حتی هویت شما گره خورده است، دشوار است. اما تصور کنید وقتی هر چیزی را که خدا را جلال نمی‌دهد از میان برمی‌دارید، چه آرامشی بر شما خواهد آمد.

وقتی به‌طور جدی خانه خود را از این وسایل پاک می‌کنید، در برابر دشمن موضع می‌گیرید. ما باید در هر کاری که می‌کنیم خدا را جلال دهیم. وسایل مربوط به عرفان‌های نوظهور و جادوگری، ابلیس، یا تصویرهای نادرستی از خدا را جلال می‌دهند. مانند این که خدا را «کائنات» بنامند، و نیز خود را با غرور گناه‌آلود جلال می‌دهند. وسایل مربوط به عرفان‌های نوظهور و جادوگری، خدا را جلال نمی‌دهند.

اگر از خود می‌پرسید: با این چیزها چه باید بکنم؟ پاسخ این است: فقط آن‌ها را جایی پنهان نکنید. نکوشید آن‌ها را برای «نگهداری» نزد خود حفظ کنید. از شرشان خلاص شوید. لازم نیست چیزی را از گذشته خود ننگه دارید که هنوز بر شما تسلط داشته باشد. اگر به این وسایل مربوط به عرفان‌های نوظهور و جادوگری با احساس علاقه نگاه می‌کنید، مثل دوستان

قدیمی، این یک هشدار بسیار جدی است. آن‌ها را دور بیندازید، با احتیاط بسوزانید، یا به شکلی دائمی از بین ببرید تا باعث نشوند دیگران نیز در فریب بیفتند. خواهیم، به یاد داشته باش: خانه تو بازتاب دلِ توست. اجازه نده چیزی در آن ریشه بدواند که خدا را حرمت نمی‌نهد.

پرسش‌هایی برای تامل

- ۱) آیا در خانه شما وسایلی هست که ممکن است با جادوگری یا اعمالِ مربوط به عرفان‌های نوظهور ارتباط داشته باشند و لازم باشد آن‌ها را دور بیندازید؟
- ۲) چه چیزهایی می‌توانید به خانه خود اضافه کنید که خدا را جلال دهد؟
- ۳) چگونه می‌توانید بر هرگونه تردیدی که دربارهٔ دور انداختنِ وسایلِ مربوط به عرفان‌های نوظهور یا جادوگری دارید، غلبه کنید؟
- ۴) آیا همسر شما در خانه‌ای که با هم در آن زندگی می‌کنید، وسایلی مربوط به عرفان‌های نوظهور یا جادوگری دارد؟ چگونه می‌توانید این موضوعِ مهم را با او مطرح کنید؟ این موضوعی است که باید برای آن نیز از خدا حکمت بطلبید.

فصل نوزدهم دعا و نبرد روحانی

در میان نبردهای روحانی، باید به یاد داشته باشیم که برای حفاظت، تدارک، قوت، و جسارت، نزد خدا دعا کنیم. با این حال، باید از تعالیم دروغینی نیز برحذر باشیم که دعاهای از پیش تعیین شده مانند یک فرمول را برای فروش عرضه می‌کنند و وعده می‌دهند که «قطعاً دیوها را بیرون خواهند راند.»

در زمان‌های نبرد روحانی، ممکن است وسوسه شویم که به دنبال راه‌حلی فوری برویم؛ مثلاً کتابی از دعاهای قالبی که وعده می‌دهد شرارت را دور می‌کند یا ما را از آسیب محافظت می‌کند. اما باید به یاد داشته باشیم که هیچ دعای خاصی، هر قدر هم که دقیق نوشته شده یا به خوبی خوانده شود، به خودی خود پیروزی بر شرارت را تضمین نمی‌کند. هیچ افسون جادویی‌ای وجود ندارد، هیچ دعای «مناسب برای همه»‌ای وجود ندارد که به طور خودکار نیروهای تاریکی را خاموش کند. ما نمی‌توانیم دعایی از پیش نوشته شده را به خدا بدهیم و انتظار داشته باشیم که او از آن پیروی کند. خدا، خداست، و نمی‌توان او را کنترل یا مجبور به کاری کرد. نقشه‌ها و زمان‌بندی خدا کامل هستند، و ما باید به راه‌های او اعتماد کنیم.

قلب جنگ روحانی، توانایی ما در گفتن کلمات درست نیست، بلکه آمادگی ما برای فروتن ساختن خود در حضور خدا و جستن اراده اوست. موضوع، نگرش دل ما نسبت به او و وابستگی کامل ما به قدرت اوست. همان‌گونه که دعای ربانی به ما تعلیم می‌دهد، باید با جدیت دعا کنیم: ما را از شریر رهایی ده. متی ۶: ۱۳. این درخواست ساده اما عمیق از خداوند ما عیسی به ما یادآوری می‌کند که نمی‌توانیم به تنهایی در نبرد روحانی بجنگیم. ما برای غلبه بر نیروهای شرارت و رهایی یافتن از دام‌های دشمن، به مداخله خدا نیاز داریم.

وقتی برای رهایی از شرارت دعا می‌کنیم، ضروری است که بدانیم چه چیزی را درخواست می‌کنیم. عیسی در همان لحظه‌ای که برای گناهان خود توبه کردیم و به او اعتماد کردیم. در همان لحظه نجات، دیوها به واسطه خون ریخته شده ی عیسی بر صلیب از ما بیرون رانده شدند.

در همان لحظه نجات، روح القدس در ما ساکن شد و ما را مَهر کرد تا دیگر نتوانیم در تسخیر شرارت قرار بگیریم. تنها آنان که نجات را دریافت نکرده اند و آنان که ایماندار دروغین هستند، یعنی کسانی که روح القدس را در درون خود ندارند، می‌توانند تسخیر شوند. کسانی که مسیحیان نجات یافته هستند، ممکن است از سوی دیوهایی که بیرون از آنان هستند و ایشان را آزار می‌دهند، تحت تاثیر روحانی قرار بگیرند. اما مسیحیان هرگز دیوهایی در درون خود نخواهند داشت.

این یعنی دعای ما، ما را از شریر رهایی ده، در واقع درخواست از خداست تا ما را از جنگ روحانی و تحت تاثیر روحانی بودن محافظت کند. هر روز با وسوسه‌ها، آزمایش‌ها، و چالش‌هایی روبه‌رو می‌شویم که ما را نیازمند طلب و دریافت یاری از سوی خدا می‌سازند. دعا‌های ما باید بازتاب‌دهنده میل صادقانه و واقعی ما به اعتماد کردن به او در میان این کشمکش‌ها باشند. مانند مزمورنویس، باید دل خود را با شفافیت در حضور خدا بریزیم و هر آنچه را احساس می‌کنیم و در فکر داریم، به او بگوییم. او از پیش همه اینها را می‌داند. و هنگامی که دعا می‌کنیم، مهم است که صادقانه خدا را برای برکت‌هایی که داریم، به‌ویژه برای نجاتمان، ستایش کنیم.

در دعا، باید حفاظت، هدایت، و فیض او را بطلبیم تا در ایمان خود استوار بایستیم. دعا، وادار کردن خدا به عمل کردن بر اساس شرایط ما نیست. دعا یعنی دگرگون شدن خود ما، و هماهنگ شدن ما با اراده او و تسلیم شدن به اقتدار او.

جنگ روحانی ما را فرا می‌خواند که تسلیم خدا شویم و در برابر ابلیس ایستادگی کنیم. یعقوب ۴: ۷. تسلیم خدا شدن یعنی اطاعت از ده فرمان او، از جمله محبت کردن به خدا و محبت کردن به همسایگانمان. عیسی خداوند سبب است که آرامی ماست. متی ۱۲: ۸. پس انجام فرمان چهارم برای ما این است که در مسیح بمانیم. در کتاب مقدس، «محبت کردن به خدا» همچنین به معنای اعتماد کردن به او و اطاعت از اوست. عیسی فرمود: اگر مرا دوست بدارید، احکام مرا نگاه خواهید داشت. یوحنا ۱۴: ۱۵. وقتی می‌گوییم عیسی خداوند و پادشاه ماست، صداقت خود را از طریق اعمال، احترام، پرستش، و اطاعت.

مقاومت در برابر ابلیس یعنی این که انتخاب‌هایی بکنیم که ما را از وسوسه‌های گناه‌آلود دور سازد. برای مثال، اگر سابقه مستی دارید، از بارها و میخانه‌ها دوری کنید. اگر سابقه زنا دارید، از پورنوگرافی و افرادِ عشوه‌گر فاصله بگیرید. اگر سابقه شکم‌پرستی دارید، مراقب باشید چه خوراکی‌هایی را در خانه نگه می‌دارید. اگر سابقه‌ای در فریبِ عرفان‌های نوظهور دارید، از فروشگاه‌های کریستال و جشنواره‌های ذهن-بدن-روح دوری کنید. مقاومت در برابر ابلیس یعنی از پیش فکر کردن و دور نگه داشتن خود از موقعیت‌هایی که ممکن است از نظر روحانی خطرناک باشند.

نبرد واقعی جنگ روحانی اغلب در درون دل‌های خود ما رخ می‌دهد. حملات دشمن ممکن است در ظاهر، در شرایط یا روابط ما دیده شوند، اما اغلب از کشمکش‌های درونی با گناه، ترس، و شک سرچشمه می‌گیرند. بنابراین، دعا‌های ما باید صادقانه و از دل باشند، با اعتراف به ضعف‌های خودمان و درخواست از خدا برای این که به ما کمک کند خود را تسلیم اقتدار او کنیم. باید برای قوت دعا کنیم تا در برابر این وسوسه بایستیم که امور را خودمان به دست بگیریم، از روی ترس یا غرور عمل کنیم، و در عوض با فروتنی تسلیم اراده خدا شویم. چنان که مزمور ۵۱: ۱۷ می‌گوید: قربانیهای خدا روح شکسته است. خدایا، دل شکسته و توبه‌کار را خوار نخواهی شمرد. این آیه یعنی خدا می‌خواهد دل‌هایی فروتن و توبه‌کار داشته باشیم، و نسبت به کسانی که با صداقت و فروتنی به حضور او می‌آیند، پر از شفقت است.

هنگام دعا برای رهایی، باید تشخیص دهیم که نبرد برای دل‌های ما به همان اندازه نبرد برای شرایط ما مهم است. ما فراخوانده شده‌ایم که تسلیم اراده خدا شویم و در برابر ابلیس مقاومت کنیم، با این آگاهی که تنها از طریق تسلیم شدن به اقتدار خداست که می‌توانیم واقعاً پیروزی را تجربه کنیم. کتاب مقدس در یعقوب ۴: ۷ به ما تعلیم می‌دهد: پس تسلیم خدا باشید. در برابر ابلیس مقاومت کنید که از شما خواهد گریخت. تسلیم شدن نشانه ضعف نیست، بلکه عملی از قوت است؛ یعنی اذعان به این که خدا بالاترین مرجع اقتدار در زندگی ماست و ما برای جنگیدن با دشمن کاملاً به قدرت او وابسته‌ایم.

هیچ مجموعه خاصی از واژه‌ها در دعا وجود ندارد که تضمین کند خدا مطابق اراده شما عمل خواهد کرد. خود چنین فکری دقیقاً برخلاف دل فروتن و تسلیم‌شده است. ما باید از

کتاب‌هایی که این‌گونه دعاهای قالبی را تعلیم می‌دهند دوری کنیم. جنگ روحانی به ایمان به قدرت خدا مربوط است، نه به تکرار دعاها یا وردهای خاص که به شما این حس اشتباه را القا می‌کنند که این خود شما هستید که کاری را انجام می‌دهید.

آن کتاب‌ها رویکردهایی انسان‌محور به زندگی و تلاشی برای کنترل خدا هستند. با تمامی دل خود بر خداوند توکل کن. امثال ۳: ۵. یعنی اعتماد داشته باشید که او دعاهای صادقانه شما را می‌شنود و مطابق اراده خود، زمان‌بندی خود، و روش خود به آن‌ها پاسخ می‌دهد. در ۲ قرن‌تیاں ۱: ۹، پولس توضیح می‌دهد که همه سختی‌هایی که تحمل کرد، برای این بود که پیاموزد بر خدا تکیه کند، نه بر قوت خود.

به جای آن که به دنبال فرمول‌های جادویی دعا باشیم، باید با دلی فروتن و گشوده به حضور خدا بیاییم و نیاز خود را به کمک او اعتراف کنیم. هنگامی که با نبردهای زندگی روبه‌رو می‌شویم، باید به یاد داشته باشیم که این قدرت ما نیست که پیروزی می‌آورد، بلکه قدرت خداست. موضوع این است که به حاکمیت خدا اعتماد کنیم و خود را تسلیم اراده او سازیم، اراده‌ای که او به روشنی در کتاب مقدس آشکار کرده است. وقتی دعا می‌کنیم، او را به نبردهای خود فرامی‌خوانیم، با این آگاهی که او امین است و قادر است ما را از شریر رهایی دهد. در میان نبرد، باشد که دعای ما همیشه این باشد: ما را از شریر رهایی ده، و باشد که قوت تسلیم شدن به اراده خدا را بیابیم، و این را بدانیم که او از پیش پیروز است.

پرسش‌هایی برای تأمل

۱) آیا تا به حال احساس کرده‌اید که در اعتراف کردن افکار و احساسات آسیب‌پذیر خود به خدا، خجالت می‌کشید؟ آیا به یاد آوردن این حقیقت که خدا از پیش می‌داند شما چه فکر می‌کنید و چه احساسی دارید، و با این حال همچنان به شما اهمیت می‌دهد، به شما کمکی می‌کند؟

۲) آیا تا به حال در دام «کتاب‌های دعاهای قالبی» افتاده‌اید که وعده نتایج تضمین شده می‌دهند؟ این تجربه برای شما چگونه بود؟

- ۳) چه چیزی به شما کمک می‌کند تا به جای آن که بخواهید خودتان اوضاع را مدیریت و کنترل کنید، به یاد داشته باشید که باید از خدا کمک بخواهید؟
- ۴) کدام دعاها به شیوه‌ای پاسخ داده شدند که با انتظار شما متفاوت بوده است؟ آیا خوشحال نبودید که خدا دعاهای شما را به شیوه خود پاسخ داد؟

فصل بیستم وقتی خدا ما را می‌آزماید

گاهی از فصل‌هایی از کشمکش عبور می‌کنیم که به نظر می‌رسد یک نبرد پشت‌نبرد دیگر در راه است. برای مثال، فشار مالی، چالش‌های روابط، نگرانی‌های مربوط به سلامتی، یا اندوه ناشی از فقدان‌ها. وقتی همه چیز انگار یکباره بر سر شما فرود می‌آید، طاقت‌فرسا می‌شود و چنین به نظر می‌رسد که دیوها بر ضد شما رها شده‌اند. با این حال، کتاب مقدس به ما یادآوری می‌کند که هر موقعیت دشواری در زندگی ما، حمله‌ای مستقیم از سوی دشمن نیست.

سختی‌هایی که با آن‌ها روبه‌رو می‌شویم، همیشه به این معنا نیستند که دشمن می‌خواهد ما را به پایین بکشد. اینها می‌توانند بخشی از فرایند محبت‌آمیز خدا برای پالایش دادن و رشد دادن ما باشند. خدا کسانی را که دوست می‌دارد، می‌آزماید و هرس می‌کند.

درک این تفاوت مهم است. وقتی با جنگ روحانی روبه‌رو هستیم، اغلب مستقیماً با نقشه‌ها، دروغ‌ها، یا وسوسه‌های دشمن مقابله می‌کنیم. جنگ روحانی یعنی مقاومت در برابر شریر و استوار ایستادن در برابر حملات او. اما زمان‌هایی هم هست که خدا اجازه می‌دهد با آزمایش‌ها روبه‌رو شویم تا ایمان یا استقامت ما را بسازد. این جنگ روحانی نیست؛ این ابزار خدا برای رشد است.

(۱) هدفِ آزمون‌های خدا

آزمون‌های خدا به پالایش ما کمک می‌کنند تا ما را بیشتر شبیه مسیح بسازند. در یعقوب ۱: ۴-۲ به ما گفته شده است: ای برادران من، چون گرفتار آزمایش‌های گوناگون می‌شوید، آن را کمال شادی بدانید، زیرا می‌دانید که آزموده شدن ایمان شما، پایداری به بار می‌آورد. اما بگذارید پایداری کار خود را به کمال رساند، تا کامل و بالغ شوید و چیزی کم نداشته باشید. حالا احتمالاً با خودتان می‌گویید: شادی در میان آزمایش‌ها؟ واقعاً؟ اما نکته اینجاست: خدا از آزمایش‌ها استفاده می‌کند تا چیزی را در ما رشد دهد که در غیر این صورت رشد نمی‌کرد.

این آزمایش‌ها برای نابود کردن ما نیستند؛ برای پالایش دادن ما هستند، درست مانند طلا در آتش. بله، دردناک است، اما حاصل آن رشد است.

شاید بتوانید زمانی را به یاد آورید که از آزموده شدن ایمانتان گذشتید. ممکن است لرزیده و ترسیده باشید، اما همچنان ایمان داشتید که خدا به شما کمک خواهد کرد. و وقتی او کمک کرد، ایمان شما در نتیجه آن نیرومندتر شد.

این آزمون‌ها به این معنا نیستند که شما کار اشتباهی انجام می‌دهید؛ بلکه به این معنا هستند که خدا اجازه می‌دهد ایمانتان به کارگرفته شود و بیاموزید عمیق‌تر به او وابسته باشید.

۲) آزمون در برابر وسوسه

گاهی میان آزمون و وسوسه دچار اشتباه می‌شویم. آزمون از سوی خدا می‌آید و هدفش این است که ما را نیرومندتر و خالص‌تر سازد. اما وسوسه از سوی دشمن می‌آید و می‌کوشد ما را از اراده خدا دور کند. بیایید این موضوع را کمی باز کنیم.

در یعقوب ۱: ۱۳ آمده است: چون کسی در آزمایش افتد، نگوید: «خدا مرا می‌آزماید.» زیرا خدا را بدی نمی‌آزماید و او نیز هیچ‌کس را نمی‌آزماید.

وسوسه همیشه نقشه‌ای از سوی دشمن است تا ما را به گناه بکشاند و از نقشه خدا دور سازد. اما آزمون، بخشی از فرایند محبت‌آمیز خدا برای تقدیس ماست.

وقتی خدا شما را می‌آزماید، قصد ندارد شما را به دام بیندازد یا باعث لغزش شما شود. او فرصتی به شما می‌دهد تا عمیق‌تر به او اعتماد کنید. وقتی دشمن شما را وسوسه می‌کند، می‌خواهد شما را از اراده خدا دور کند و به گناه بکشاند. خدا می‌خواهد شما رشد کنید، و ابلیس می‌خواهد شما سقوط کنید. تفاوت در همین است.

۳) نمونه‌هایی از زمانهایی که خداوند قوم خود را می‌آزماید.

در سراسر کتاب مقدس، می‌بینیم که خدا قوم خود را می‌آزماید. به ابراهیم فکر کنید. خدا او را فراخواند تا اسحاق، پسر محبوبش را قربانی کند. این یک آزمون بود. خدا می‌دانست ابراهیم چه خواهد کرد، اما می‌خواست به او فرصت دهد تا ایمانش را نشان دهد. ابراهیم از این آزمون سربلند بیرون آمد، و خدا قوچی را به جای اسحاق برای او مهیا نمود.

سپس داستان ایوب را داریم که زندگی‌اش کاملاً زیرو رو شد. ثروت، سلامتی، و خانواده‌اش همه از او گرفته شدند. اما آن آزمایش حمله‌ای از سوی دشمن نبود؛ بلکه آزمونی از جانب خدا بود. خدا به شیطان اجازه داد وفاداریِ ایوب را بیازماید، اما هرگز ایوب را ترک نکرد. و در پایان، ایمانِ ایوب خالص تر و نیرومندتر شد.

آزمون‌های خدا در زندگی ما ممکن است همیشه در همان لحظه برایمان قابل فهم نباشند، اما از یک چیز می‌توانیم مطمئن باشیم: او در آن آزمایش با ماست، ما را پالایش می‌دهد، و برای آنچه در پیش است آماده‌مان می‌کند.

۴) چگونه تفاوت را تشخیص دهیم: آزمون یا جنگ روحانی

شاید از خود پرسید: چگونه بدانم از یک آزمون الهی عبور می‌کنم یا از یک حمله دشمن؟ در اینجا چند تفاوت را می‌توان دید:

• اگر احساس می‌کنید ایمانتان در حال آزموده شدن و پالایش یافتن است، و به چالش کشیده می‌شوید تا عمیق‌تر به خدا اعتماد کنید، احتمالاً این آزمونی از سوی خداست.
• اگر احساس می‌کنید به سوی گناه کشیده می‌شوید یا وسوسه می‌شوید که در نیکویی خدا شک کنید، به احتمال زیاد این جنگ روحانی است.

تفاوت مهم دیگر این است که آزمون‌های خدا همیشه به یادگیری و رشد منتهی می‌شوند. حتی اگر دشوار یا ناراحت‌کننده به نظر برسند، آزمون‌های او هدفی دارند: این که شما را شکل دهد و بسازد تا بیشتر شبیه عیسی شوید. اما جنگ روحانی برای این طراحی شده است که ایمان شما را منحرف کند، دلسرد سازد، و نابود کند.

۵) فایده استقامت در آزمایش‌ها

یعقوب در یعقوب ۱: ۱۲ ادامه می‌دهد و به ما می‌گوید: خوشا به حال آن که در آزمایش پایداری می‌کند، زیرا چون از آزمون سربلند بیرون آید، آن شخص تاج حیات را خواهد یافت که خداوند به آنان که او را دوست دارند وعده فرموده است.

در آزمون، برکت هست. رشد هست، و پاداش هم هست. پایداری در خلال یک آزمون، استقامت می‌سازد. و وقتی با ایمان استقامت می‌کنید، خدا جلال می‌یابد و شما نیرومندتر می‌شوید.

۶) وقتی در حال آزموده شدن هستید، چه باید بکنید

اگر اکنون در فصلی از آزمون هستید، این چند نکته کاربردی را به یاد داشته باشید:

از خدا حکمت بخواهید. یعقوب ۱: ۵ به ما می‌گوید: اگر کسی از شما از حکمت بی‌بهره باشد، باید آن را از خدا بخواهد، و به او داده خواهد شد. خدا می‌خواهد در طول این آزمون شما را هدایت کند و حکمت لازم را برای عبور از آن به شما بدهد.

• با شادی استقامت کنید. باز هم، این به آن معنا نیست که آزمایش آسان یا بدون درد است، اما شادی از این آگاهی می‌آید که خدا در شما در کار است. او از این موقعیت استفاده می‌کند تا ایمان شما را پالایش دهد.

• به قوت خدا تکیه کنید. شما نمی‌توانید به تنهایی از عهده آن برآیید. آزمون‌هایی که با آن‌ها روبه‌رو می‌شوید، به شما فشار وارد می‌آورند، اما نباید آن‌ها را تنها پشت سر بگذارید. خدا به شما قوت خواهد داد تا استقامت کنید.

خواهر عزیز، اگر اکنون از فصلی از آزمون عبور می‌کنید، دل‌سرد نشوید. خدا در حال پالایش شما، نیرومند ساختن شما، و نزدیک‌تر کردن شما به خویش است. اعتماد داشته باشید که او در هر آزمایش هدفی دارد، حتی وقتی آن را درک نمی‌کنید. و به یاد داشته باشید: حرف آخر را دشمن نمی‌زند. او شاید بکوشد از آزمایش‌ها استفاده کند تا شما را از خدا دور کند، اما خدا از همان‌ها استفاده می‌کند تا شما را بیشتر شبیه مسیح بسازد.

پرسش‌هایی برای تامل

- ۱) آیا می‌توانید به آزمایش‌های اخیر در زندگی خود فکر کنید که شاید خدا از طریق آن ایمان شما را آزمود؟ خدا از خلال آن چه چیزی به شما می‌آموزد؟
- ۲) در چه بخش‌هایی از زندگی‌تان وسوسه شده‌اید که به نیکویی خدا شک کنید؟ چگونه می‌توانید با حقیقت، با آن دروغ‌ها مقابله کنید؟
- ۳) معمولاً به آزمون‌ها یا چالش‌های زندگی چگونه پاسخ می‌دهید؟ آیا راه‌هایی هست که در آن لحظه‌ها بیشتر به قوت و حکمت خدا تکیه کنید؟

۴) برای شما، پذیرفتن آزمایش‌ها با شادی، با علم به اینکه که خدا از آن‌ها برای پالایش شما و در راستای مقاصد خود استفاده می‌کند، چه شکلی می‌تواند داشته باشد؟

خواهرم، به یاد داشته باش که آزمون‌ها برای آسیب رساندن به تو نیستند، بلکه برای رشد دادن تو هستند. آزمون‌های خدا دگرگونی می‌آورند، نه نابودی. حتی وقتی راه دشوار به نظر می‌رسد، همچنان به او اعتماد کن.

فصل بیست و یکم

فرایندِ هرس کردن خدا و نبرد روحانی

گاهی احساس می‌کنید زندگی‌تان مثل پرتقالی است که لایه لایه پوستش را می‌گیرند. دوستی دیگر به پیام‌های شما پاسخ نمی‌دهد. یک فرصتِ شغلی به نتیجه نمی‌رسد. وامی که برایش درخواست داده‌اید رد می‌شود. آیا این جنگِ روحانی است، یا خدا در حالِ هرس کردن چیزهایی است که با نقشه او برای شما هماهنگ نیستند؟

هرس، واژه‌ای است که در کتاب مقدس بارها برای توصیفِ نحوه عمل خدا در زندگی ما به کار رفته است. در یوحنا ۱۵: ۲، عیسی می‌فرماید: هر شاخه‌ای در من که میوه نیاورد، آن را قطع می‌کند، و هر شاخه‌ای که میوه آورد، آن را هرس می‌کند تا بیشتر میوه آورد.

در زندگی من نیز لحظه‌هایی بوده است که احساس کرده‌ام خدا بخش‌هایی از وجودم را می‌برد که به‌نظرم ضروری بودند؛ مثل افرادی که به آنان دل بسته بودم، یا چیزهایی که برایم آشنا و راحت بودند. اما در همان هرس شدن، کم‌کم دیدم که ثمراتی مانند صبر، محبت، و استقامت در زندگی‌ام رشد می‌کنند.

وقتی خدا ما را هرس می‌کند، به این دلیل نیست که از ما خشمگین است یا می‌خواهد ما را مجازات کند، بلکه به این دلیل است که ما را دوست دارد. او می‌داند که برای رشد کردن ما، بعضی بارها باید برداشته شوند. خواه یک دوستی باشد، خواه یک عادت، یا حتی یک طرز فکر، هرس شدن اغلب شبیه از دست دادن است. اما وقتی از دریچه محبت او به آن نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که این گامی ضروری برای تبدیل شدن به همان کسی است که خدا ما را برای تبدیل شدن به آن آفریده است. و هرچند هرس شدن دردناک است، وقتی بعداً به عقب نگاه می‌کنیم، می‌توانیم اثر انگشتِ محبتِ آمیزِ خدا را در هنر او ببینیم.

این به ما کمک می‌کند که وقتی در آینده هرس شدن رخ می‌دهد، به خدا اعتماد کنیم. بعضی‌ها ممکن است به‌اشتباه فکر کنند که فرایندِ هرس، جنگِ روحانی است، زیرا هر دو در آن لحظه دردناک و ترسناک به‌نظر می‌رسند. در همان لحظه. البته تفاوتِ آشکار این است که هرس از سوی خدا می‌آید، در حالی که جنگِ روحانی از ابلیس سرچشمه می‌گیرد.

برخلاف هرس، که فرایندی برای رشد و پالایش است، جنگ روحانی مانند حمله‌ای به روح شما احساس می‌شود. کتاب مقدس به ما می‌گوید: زیرا جنگ ما نه با انسان، بلکه با ریاستها، قدرتها، حاکمان این دنیای تاریک و فوجهای ارواح شریر در جایهای آسمانی است. افسسیان ۶: ۱۲. دشمن خواهد کوشید شما احساس منزوی بودن، اینکه دوست‌داشتنی نیستید، طردشده اید، و حتی شکست‌خورده بودن بکنید. تمام برنامه ابلیس این است که شما را فریب دهد تا به جای پیروی از عیسا، از او پیروی کنید، زیرا ابلیس می‌کوشد با خدا رقابت کند تا جان‌های بیشتری را به دست آورد.

من دریافته‌ام که یکی از روشن‌ترین نشانه‌ها برای این که بدانم در فصلی از جنگ روحانی هستیم، این است که حمله‌ها ناگهانی و بی‌وقفه می‌آیند، و اغلب با ترس یا سردرگمی همراه هستند. وقتی در حال هرس شدن هستیم، با وجود دردناک بودن فرایند، نوعی آرامش در آن احساس می‌کنم. اما وقتی دشمن حمله می‌کند، نوعی حس تلافی، آشفتگی، و ناآرامی وجود دارد که باعث می‌شود همه چیز اطرافم را زیر سؤال ببرم. دروغ‌های دشمن می‌توانند چنین به نظر برسند که از هر طرف بر شما هجوم می‌آورند، و سنگینی همه اینها می‌تواند طاقت‌فرسا باشد.

در میان آزمایش‌ها، شاید در همان لحظه روشن نباشد که آنچه رخ می‌دهد هرس خداست یا جنگ روحانی ابلیس. ما اغلب تا بعد از وقوع ماجرا نمی‌توانیم برکت‌های خدا را در از بین بردن روابط سمی و موقعیت‌های ناسالم از زندگی‌مان ببینیم.

پس هر آزمایشی را که تحمل می‌کنید، مهم است که برای حکمت، قوت، شجاعت، و حفاظت خدا دعا کنید. به همان اندازه نیز مهم است که اعتماد داشته باشید خدا شما را از این وضعیت عبور خواهد داد. گاهی خدا بعضی گزینه‌ها را از ما برمی‌دارد تا ما را به سوی مسیری بهتر هدایت کند. و خدا همیشه می‌خواهد ما به جای خودمان، بر او تکیه کنیم.

هرس خدا مربوط به دفاع نیست؛ مربوط به رشد است. فرایند هرس او روشنی می‌آورد و عوامل حواس‌پرتی را برمی‌دارد. هدف این است که تا در او ثمربخش‌تر شوید، مانند شاخه‌ای که چون به درستی به آن رسیدگی شده است، میوه بسیار می‌آورد.

هم هرس و هم جنگ روحانی بخشی از سفر روحانی ما هستند، و هرچند ممکن است در چالش‌هایشان شبیه به هم به نظر برسند، اما در هدف‌هایشان کاملاً متفاوت‌اند. یکی رشد و پالایش می‌آورد، و دیگری مقاومت و دلسردی. وقتی در فصلی از هرس هستید، به یاد داشته باشید که کارِ خدا زیباسبازیِ جانِ شماست، و او درست در همان ناراحتی در کنارِ شماست. خدا باغبان است. یوحنا ۱۵: ۱-۲. و او فرق میان بریدن بارهای مرده برای ثمربخش‌تر ساختن شما، و زمانی که دشمن می‌کوشد شما را وسوسه یا فریب دهد، به‌خوبی می‌داند. خدا در همهٔ آزمایش‌ها با شماست.

پرسش‌هایی برای تأمل

- ۱) آیا تا به حال دوستی را از دست داده‌اید و بعداً فهمیده‌اید که آن شخص در واقع دوست واقعی نبوده است؟ آیا باور دارید که خدا آن رابطه را هرس نمود؟ آیا این فرایندِ هرس کردن، شما را به خدا نزدیک‌تر کرد و به رشدتان به‌عنوان یک مسیحی کمک نمود؟
- ۲) آیا تا به حال برای استخدام در شغلی رد شده‌اید و بعداً در شغل بهتری مشغول به کار شده‌اید؟ آیا از این که از آن شغل نخست رد شدید، خوشحال نیستید؟
- ۳) وقتی به این فرایند هرس شدن در گذشته فکر می‌کنید، از چه جهت با جنگ روحانی‌ای که تجربه کرده‌اید، متفاوت بودند؟
- ۴) چه مواردی به شما کمک کرده‌اند تا در مسیح بیشتر رشد کنید و یاد بگیرید به او اعتماد کنید؟

فصل بیست و دوم وقتی خدا ما را تأدیب می کند

فصل‌هایی در زندگی هست که احساس می‌کنیم سنگینی دنیا بر سرمان فرو می‌ریزد، و از هر سو تحت فشار قرار گرفته‌ایم. ممکن است احساس درماندگی، شکست، و سردرگمی کنیم. همان‌طور که در چند فصل گذشته دیدیم، گاهی این آزمایش‌ها از این جهت هستند که خدا در حال هدایت کردن ماست، نه این‌که از جنگ روحانی سرچشمه گرفته باشند.

در این فصل، بررسی خواهیم کرد که وقتی خدا ما را مانند والدینی محبت‌آمیز تأدیب می‌کند چه رخ می‌دهد؛ والدینی که می‌کوشند به فرزندشان بفهمانند که دیگر به‌سوی خیابان یا کارهای خطرناک دیگر نرود. شاید شما هم تجربه این را داشته‌اید که بکوشید اهمیت در امان ماندن را به کودکی بفهمانید. اگر کودک گوش نکند، گاهی لازم است از تأدیب استفاده کنید تا کودک درک کند.

تأدیب خدا برای این‌که به ما کمک کند از تکرار کارهای خطرناک دست برداریم، شیوه مراقبت و محبت اوست تا توجه ما را جلب کند. وقتی خدا ما را تأدیب می‌کند، ما را بیدار می‌سازد و توجه ما را به خود جلب می‌کند. اینها درس‌هایی هستند که با سختی آموخته می‌شوند و به‌آسانی فراموش یا نادیده گرفته نمی‌شوند.

تسلطی بخش است که در عبرانیان ۱۲: ۶ می‌خوانیم: زیرا خداوند، آنان را که دوست می‌دارد، تأدیب می‌کند، و هر فرزندی را که به فرزندی می‌پذیرد، تنبیه می‌فرماید.

هرچند در این آیه واژه «پسر» آمده است، این آیه به همه مسیحیان، چه مرد و چه زن، اشاره دارد. وقتی نجات می‌یابیم، به‌عنوان فرزند خدا به خانواده او پذیرفته می‌شویم. رومیان ۸: ۱۵؛ افسسیان ۱: ۵.

اولین باری که این حقیقت را واقعاً درک کردم، انگار باری از روی شانه‌هایم برداشته شد. خدا ما را تأدیب می‌کند چون ما را دوست دارد - نه چون او از ما خشمگین است و می‌خواهد ما را مجازات کند. اما این محبت، گاهی به این معناست که از موقعیت‌هایی ناراحت‌کننده و دشوار عبور کنیم تا ما را به آن کسی تبدیل کند که ما را برای آن فراخوانده است. خدا به‌جای

آن که ما را از پیامدهای گناهانمان بیرون بکشد، اجازه می‌دهد در همان پیامدها بمانیم، تا دیگر همان اشتباهات را تکرار نکنیم.

من پیش‌تر با مفهوم تأدیب کشمکش داشتم. برایم سخت و تلخ بود، مثل اصلاحی که نمی‌خواستم با آن روبه‌رو شوم. اما با گذشت زمان دریافتم که تأدیب خدا برای شکل دادن ماست. وقتی در فصلی از تأدیب هستیم، الزاماً در حال دفع حملات دشمن نیستیم. این شیوه خدا برای پالایش دادن ماست، مانند نقره‌گری که فلز گران‌بها را ذوب می‌کند تا بتوان آن را قالب زد، شکل داد، و ناخالصی‌هایش را زدود. مقایسه کنید با امثال ۲۵: ۴.

وقتی در میانه فصلی سخت هستیم، به راحتی ممکن است دچار سردرگمی شویم و بپرسیم: آیا این حمله‌ای از سوی دشمن است، یا خدا مرا تأدیب می‌کند؟ و صادقانه بگوییم، گاهی زمان لازم است تا بتوان با اطمینان فهمید. اما وقتی به تصویر بزرگ‌تر نگاه می‌کنیم، نشان انگشت خدا را در همه‌جای آن می‌بینیم. تأدیب خدا هرگز برای آسیب رساندن به ما نیست؛ بلکه برای شکل دادن ماست تا بیشتر شبیه او شویم. و حتی اگر برای مدتی دردناک باشد، همیشه محصولی از پارسایی و آرامش به بار می‌آورد.

تأدیب خدا یعنی ما کاری کرده‌ایم که برای آن باید توبه کنیم. توبه، پوزش ما از خدا برای اعمال گناه‌آلودمان است، و تعهدی است برای روی گردانی از آن گناه. خردمندانه است که دعا کنیم خدا قوت بدهد تا در برابر هر وسوسه‌ای برای گناه ایستادگی کنیم.

عبرانیان ۱۲: ۵-۱۱ به ما می‌گوید: ای پسر، تأدیب خداوند را خوار شمار، و چون تویخت کند، دل‌سرد مشو. زیرا خداوند آنان را که دوست می‌دارد، تأدیب می‌کند، و هر فرزند خود را که می‌پذیرد، تنبیه می‌نماید... هیچ تأدیبی در حین انجام شدن، خوشایند نیست، بلکه دردناک است. اما بعد برای کسانی که به وسیله آن تربیت شده‌اند، میوه آرامش و پارسایی به بار می‌آورد. عبرانیان ۱۲: ۵-۶، ۱۱.

در مکاشفه ۳: ۱۹، عیسی می‌فرماید: هر که را دوست بدارم، تویخ و تأدیب می‌کنم. پس غیور باش و توبه کن.

چه کشمکش‌های شما از تأدیبه خدا باشد و چه از جنگ روحانی، همیشه خوب است که اسلحه خدا را بر تن کنید افسسیان ۶: ۱۰-۱۸، و ضروری است که بر خداوند توکل داشته باشید، خود را تسلیم او کنید، و در برابر ابلیس مقاومت نمایید. امثال ۳: ۵؛ یعقوب ۴: ۷.

عبرانیان ۱۲: ۱۱ می‌گوید: هیچ تأدیبی در حین انجام شدن، خوشایند نیست، بلکه دردناک است. اما بعد برای کسانی که به وسیله آن تربیت شده‌اند، میوه آرامش و پارسایی به بار می‌آورد. این آیه همیشه وقتی در کشمکش هستیم، به من امید می‌دهد. آزمون‌های خدا، هرس خدا، و تأدیبه خدا، فرصت‌هایی هستند برای ما تا رشد کنیم و بیاموزیم.

به یاد داشته باشید که در حین تحمل این کشمکش‌ها، خدا شما را فراموش نکرده است، و شما را نیز ترک ننموده است. وقتی از زمان‌های سخت عبور می‌کنیم، بسیار آسان است که احساس تنهایی کنیم، اما خدا همیشه با ماست. تأدیبه او محکومیت نیست؛ اصلاح است. خدا کسانی را که دوست می‌دارد، تأدیبه می‌کند. و آن اصلاح، از محبت او نسبت به ما سرچشمه می‌گیرد. خدا پدر ماست و بهترین را برای فرزندان خود می‌خواهد، حتی اگر فرایند رسیدن به آن، به‌طور موقت ناراحت‌کننده باشد.

بیایید به یاد داشته باشیم که در خلال این آزمایش‌ها دعا کنیم، هر روز کتاب مقدس خود را مطالعه کنیم، و برای حمایت به ایمانداران پخته رجوع کنیم. اگر در فصلی از تأدیبه خدا هستید، دعا کنید که درسی را که می‌خواهد به شما بیاموزد بر شما آشکار سازد، تا دوباره همان اشتباهات را تکرار نکنید. نباید این تجربه‌های دردناک را به‌تنهایی تحمل کنید. رشد آسان نیست، اما ارزشش را دارد.

پرسش‌هایی برای تأمل

- ۱) آیا می‌توانید زمانی را به یاد آورید که با تأدیبه خدا روبرو شدید؟ از آن تأدیبه چه آموختید؟
- ۲) آیا در گذشته عادت‌های ویرانگری داشتید که در نتیجه تأدیبه خدا در زندگی‌تان آن‌ها را ترک کرده باشید؟

- ۳) وقتی در حال تحملِ تأدیبِ خدا بودید، برخی از ترس‌هایی را که با آن روبرو شدید، کدامند؟ آیا وقتی فهمیدید خدا با تأدیبِ محبت‌آمیز خود مانند یک پدر شما را تربیت می‌کند تا به شما کمک کرده باشد، آسوده‌خاطر گشتید؟
- ۴) تأدیبِ خدا چه تفاوتی با زمان‌هایی دارد، که در نبرد روحانی هستید؟

فصل بیست و سوم درکِ قدرتِ محدودِ دیوها

وقتی برای نخستین بار فهمیدم دیوها واقعی هستند، و این که به خاطر مسیحی بودنم به من حمله می‌کنند، وحشت‌زده و شوکه شدم! فکرِ این که موجوداتِ شریر در خانه‌ام باشند، مثل یک فیلمِ ترسناک بود. با این حال، کتاب مقدس به ما می‌گوید که جنگِ روحانی با نیروهای شرارت واقعی است و ما به عنوان مسیحیان باید انتظارش را داشته باشیم. ابلیس و لشکرِ فرشتگانِ سقوط کرده‌ او، یعنی دیوها، منصفانه بازی نمی‌کنند، و در پی پیروزی‌اند. به نظر می‌رسد متوجه نیستند که عیسی پیشاپیش آنان را شکست داده است، و شیطان بازنده شده است.

در کتابِ ایوب در کتاب مقدس، نگاهی کوتاه به دربارِ آسمانی می‌بینیم؛ جایی که شیطان در حضورِ خدا می‌ایستد و اجازه می‌خواهد تا ایوب، آن مردِ مطیع، را بیازماید. شیطان بدون اجازه‌ خدا حتی یک کار هم نمی‌تواند بکند! خدا به شیطان اجازه داد ایمانِ ایوب را بیازماید، اما با مرزهایی روشن: اینک هرآنچه دارد در دستِ توست، فقط بر خودِ او دست دراز مکن. ایوب ۱: ۱۲. حتی در حملاتِ شیطان به سلامتی، ثروت، و خانواده‌ ایوب نیز، خدا مرزها را تعیین کرد. هرچه را که با آن روبه‌رو می‌شویم، دشمن بدونِ اجازه‌ خدا نمی‌تواند کاری انجام دهد. این به آن معنا نیست که آنچه رخ می‌دهد آسان یا بدون درد است، اما به این معناست که خدا در نهایت حاکم است، حتی وقتی در اوجِ نبرد قرار داریم.

این حقیقت برای من تسلی بزرگی بوده است، به‌ویژه وقتی از زمان‌های سخت عبور کرده‌ام. بله، ما در جهانی آسیب‌دیده زندگی می‌کنیم و سختی‌ها را تجربه خواهیم کرد. خودِ عیسی به ما هشدار داد: در این جهان سختی خواهید داشت. یوحنا ۱۶: ۳۳. دانستنِ این که سختی‌های ما تصادفی نیستند، و این که خدا آن‌ها را با هدفی اجازه می‌دهد، به من کمک می‌کند کمی آسوده‌تر نفس بکشم. شما چطور؟ رنجِ ما هرگز بیرون از اراده‌ محبت‌آمیز و حاکمیت خدا نیست.

شاید ۲ قرن‌تین ۴:۴ را خوانده باشید که می‌گوید شیطان «خدای این جهان» است. بعضی ترجمه‌ها می‌گویند او «خدای این عصر» است. چگونه باید این عبارت را با حاکمیتِ خدا آشتی دهیم؟ این تناقض نیست.

کتاب مقدس توضیح می‌دهد که خدا حاکمِ مطلق است، یعنی هیچ چیز بدونِ آگاهی یا اجازهٔ او رخ نمی‌دهد، حتی وجودِ شرارت. بنابراین، ۲ قرن‌تین ۴:۴ یعنی ابلیس به‌طور موقت بر دروغ‌های این جهان و نابیناییِ روحانی آن تأثیر می‌گذارد. ابلیس مردم را فریب می‌دهد و جهان‌بینی‌ای را ترویج می‌کند که در تضاد با خداست. با این حال، ابلیس به‌واسطهٔ خونِ ریختهٔ عیسی بر صلیب، دشمنی شکست‌خورده است.

به خاطر قربانی شدن عیسی به‌جای ما، مسیحیان زیر سلطهٔ ابلیس نیستند. در همان لحظه‌ای که نجات یافتیم، از قلمرو تاریکی به پادشاهی خدا منتقل شدیم. کولسیان ۱: ۱۳. شیطان ممکن است «خدای این جهان» باشد که نجات‌نیافتگان را می‌فریبد، اما هیچ اقتداری بر ما ندارد. ما به‌طور موقت در جهانی زندگی می‌کنیم که تحت تأثیرِ دروغ‌های ابلیس است، اما در پیروزیِ مسیح استوار می‌ایستیم. ابلیس شاید مقداری نفوذ داشته باشد، اما قدرتِ محدودِ او در حالی که ما در انتظارِ بازگشتِ عیسی هستیم، به‌سرعت رو به زوال است.

پس دیوها چه کاری می‌توانند با ما بکنند؟ خوب، نخست این که می‌کوشند ذهن ما را آشفته کنند. دیوها ذهن‌خوان نیستند، اما می‌توانند حدس بزنند ما به چه فکر می‌کنیم، زیرا هزاران سال است که انسان‌ها را زیر نظر داشته‌اند.

دیوها همچنین می‌کوشند بذرهای شک یا ترس را بکارند.

دیوها شما را وسوسه می‌کنند که فیلمی غیر کتاب مقدسی تماشا کنید، به موسیقی کفرآمیز گوش دهید، یا مجله‌ای دنیوی بخوانید، و این رسانه‌ها حاوی تبلیغات شریانه‌ای هستند که بر افکار شما درباره خدا و درباره خودتان اثر می‌گذارند. به همین دلیل است که کتاب مقدس ما را تشویق می‌کند که با تاریکی هیچ‌گونه مشارکتی نداشته باشیم. افسسیان ۵: ۱۱ می‌گوید: در کارهای بی‌ثمر تاریکی سهیم نشوید، بلکه آنها را افشا کنید. ما باید نسبت به رسانه‌هایی که تماشا می‌کنیم بصیرت و تشخیص روحانی داشته باشیم، و برای دریافت قوت از خدا دعا کنیم تا در برابر وسوسه ایستادگی کنیم.

در ۲ قرن‌تیاں ۱۰:۵ به ما گفته شده است که هر اندیشه‌ای را به اطاعت از مسیح اسیر سازیم. اگر افکاری آزاردهنده یا گناه‌آلود داریم، باید توبه کنیم و دعا کنیم که خدا افکار ما را دوباره در راه راست و باریک قرار دهد. ما باید کتاب مقدس را بخوانیم تا ذهنمان نو شود، با ارادهٔ خدا همسو گردد، و از «سرگرمی»های شرارت‌آلود روی برگردانیم.

دیوها همچنین دوست دارند آشفتگی و سردرگمی ایجاد کنند. شاید شما هم متوجه شده باشید که چگونه یک اتفاق بد، به اتفاقی بد دیگر منتهی می‌شود، گویی یک آزمایش پشت‌آزمایشی دیگر در راه است. اگر تسلیم وسوسه‌های ابلیس شویم، اشتباهی گناه‌آلود ما هرگز سیر نمی‌شود و همچنان به‌سوی تاریکی عمیق‌تر پیش می‌رود. ۲ تیموتائوس ۳:۱۳ این روند اندوهبار گناه را توصیف می‌کند: اما مردمان شریر و شیادان، پیوسته به سوی بدتر شدن پیش خواهند رفت، در حالی که فریب می‌دهند و فریب می‌خورند. اعمال گناه‌آلود هرگز نمی‌توانند برای ما آرامش یا شادی بیاورند، زیرا اینها فقط از عیسی می‌آیند.

دیوها همچنین می‌کوشند در روابط، تفرقه ایجاد کنند، بذره‌های تلخی یا عدم بخشش بکارند، یا باعث شوند احساس انزوا کنیم. آرامش ما در این یادآوری است که روح القدس در همهٔ آزمایش‌ها با مسیحیان است. در یوحنا ۱۴:۱۶، عیسی وعده می‌دهد که روح القدس مددکار، مدافع، و تسلی‌دهندهٔ ما خواهد بود. مهم نیست دشمن چه چیزی به‌سوی ما پرتاب کند، ما هرگز تنها نیستیم. روح خدا به ما قدرت می‌دهد که استوار بایستیم، مقاومت کنیم، و در میان آشوب آرامش بیابیم. این نیز یکی از دلایلی است که خدا در کلام خود، دربارهٔ اسلحهٔ خدا، به ما دستورات لازم را داده است تا از حملات دیوها محافظت شویم. افسسیان ۶: ۱۰-۱۸.

هرچند دیوها می‌توانند بر شرایط ما تاثیر بگذارند، به‌ویژه اگر تسلیم وسوسه‌های گناه‌آلود شویم، اما نمی‌توانند هر کاری را که می‌خواهند انجام دهند. آنان هنوز بر ریسمانی کوتاه در دست خدا هستند، و خدا در نهایت از جنگ روحانی دیوها برای جلال خود و خیر ما استفاده خواهد کرد. رومیان ۸: ۲۸. حتی وقتی از آزمایش‌های دردناک و ترسناک عبور می‌کنیم، دست خدا بر ماست، و اوست که برای دیوها مرز تعیین می‌کند.

فکر می‌کنم گاهی فراموش می‌کنیم که خدا چه اندازه بر دشمن قدرت دارد. ما معمولاً اعتبارِ بیش از حدی به ابلیس می‌دهیم. بله، او نیرومند و فریبکار است، اما قادرِ مطلق نیست. به‌هرحال، ابلیس و دیوهایش موجوداتی آفریده‌شده هستند که سقوط کرده‌اند. آنان هیچ قدرتِ واقعی‌ای ندارند. این خداست که حرفِ آخر را می‌زند.

گاهی دشمن می‌کوشد به هویتِ ما حمله کند و می‌خواهد ما فراموش کنیم در مسیح چه کسی هستیم. او می‌خواهد ما دروغِ این را باور کنیم که شکست‌خورده‌ایم، شایستهٔ محبتِ خدا نیستیم، یا خدا به‌سببِ گذشتهٔ گناه‌آلودمان نمی‌تواند برای جلالِ خود از ما استفاده کند. یا ابلیس ما را فریب می‌دهد تا هویتِ خود را در جای دیگری بجویم، مانند شغل، درآمد، یا جایگاه اجتماعی‌مان. اما تنها هویتی که اهمیت دارد این است که فرزندی نجات‌یافتهٔ خدا باشیم. هر هویتِ دیگری فقط تلاشی بی‌هوده برای تعریف کردنِ خودمان است. ما به‌عنوان زنانِ مسیحی، دخترانِ محبوبِ پادشاه هستیم؛ برگزیده و بسیار عزیز. افسسیان ۱: ۴-۵. این هرگز تغییر نمی‌کند، هر قدر هم که دشمن بکوشد ما را بلرزاند.

با این حال، نمی‌توانیم ساده‌لوح باشیم یا نگرهبانی خود را رها کنیم. ۱ پطرس ۵: ۸ به ما یادآوری می‌کند: هشیار و مراقب باشید، زیرا دشمن شما ابلیس همچون شیری غرآن در گردش است و کسی را می‌جوید تا بلعد. هر چند دیوها نمی‌توانند فراتر از آنچه خدا اجازه می‌دهد به ما آسیب برسانند، اما همچنان در پی راه‌هایی هستند تا ما را از راه منحرف کنند. آنان می‌خواهند حواسِ ما را پرت کنند، تا باعث شوند که ما احساس مردود بودن و فاقدِ صلاحیت بودن کنیم، یا ما را از مقاصدِ خدا دور سازند. دیوها نمی‌خواهند ما انجیل را به دیگران برسانیم. با این حال، ما نباید از دیوها بترسیم. زیرا اسلحهٔ خدا را برای حفاظت از خود داریم. افسسیان ۶: ۱۸-۱۰. و با دعا، کتاب مقدس، و روح القدس، استوار می‌ایستیم.

پرسش‌های برای تامل

(۱) آیا فکر می‌کنید ابلیس بر برخی فیلم، موسیقی، یا دیگر رسانه‌ها تاثیر می‌گذارد تا

مردم را تحت تاثیر قرار دهد؟

- ۲) چگونه می‌توانید در برابر وسوسه‌هایی که دیوها می‌کوشند از طریق آن‌ها شما را تحت تاثیر قرار دهند، مقاومت کنید؟
- ۳) آیا تا به حال احساس کرده‌اید که شایستگی بشارت را ندارید؟ چگونه بر این احساس غلبه کردید و توانستید مزده خوش نجات را به دیگران برسانید؟
- ۴) به یاد آوردن این که خدا حاکم است، چه احساسی در شما ایجاد می‌کند؟

فصل بیست و چهارم نگذارید ابلیس شادی و آرامش شما را بریاید

شادی و آرامش، دومین و سومین ثمرهٔ روح القدس هستند که در غلاطیان ۵: ۲۲ آمده‌اند. در همان لحظه‌ای که به انجیل ایمان می‌آوریم و عیسی خداوند و منجی ما می‌شود، روح القدس در ما ساکن می‌شود. شادی و آرامش از جمله شواهد، یا ثمرات، نجات هستند. با این حال، در میان کشمکش‌ها و آزمایش‌ها، ممکن است داشتن احساس شادی یا آرامش، امری دشوار بگردد. می‌دانیم که یعقوب ۱: ۲-۳ به ما می‌گوید که وقتی با آزمایش‌هایی روبه‌رو می‌شویم ایمان ما آزموده می‌شود و استقامت پدید می‌آید، پس باید آن آزمایش‌ها را کمال شادی بدانیم. شاید ذهن‌مان به ما بگوید که در آزمایش‌ها شاد باشیم، اما دل ما چیز دیگری بگوید.

دریافته‌ام از زمانی که خدا مرا نجات داده است، چنان آرامشی دارم که از نظر منطقی قابل توضیح نیست. وقتی از موقعیت‌های دردناک عبور می‌کنم، امیدوارم و اعتماد دارم که خدا همه چیز را برای خیریت به کار خواهد گرفت. البته پیش از نجاتم همیشه چنین نبود، زیرا گاهی وقتی امور آن‌طور که برنامه‌ریزی کرده بودم پیش نمی‌رفت، کنترل خود را از دست می‌دادم. آرامش خدا مانند وزنه‌ای در کشتی عمل می‌کند که تعادل ما را در میان دریای طوفانی نگه می‌دارد.

اما شادی چه؟ خُب! گاهی شادی را با خوشحالی اشتباه می‌گیریم. شادی از امیدی سرچشمه می‌گیرد که در مسیح داریم. شادی از حس تشکری نشأت می‌گیرد که نسبت به فیض خدا برای نجات‌مان داریم. شادی، به ابدیت نگاه می‌کند در حالی که خوشحالی، به امور بیرونی و موقتی بستگی دارد؛ مانند این که آیا همه چیز طبق برنامه‌های ما پیش می‌رود یا نه. و مسئله همین‌جاست، مگر این‌طور نیست؟ چون برنامه‌های انسانی ما بر پایهٔ شناخت محدود ما شکل گرفته‌اند. در حالی که خدا قادر مطلق و دانای مطلق است، پس این برنامه‌های اوست که تعیین‌کننده‌اند.

شادی و آرامش فقط احساساتی زودگذر نیستند. شادی و آرامش موضوعاتی نیست که مجبور باشیم در میان دردهای خود آن‌ها را «به‌دست آوریم.» آن‌ها هدایایی هستند که خدا حتی در سخت‌ترین فصل‌های زندگی‌مان به ما عطا می‌کند. پس ممکن است از نظر زمینی و طبیعی شاد نباشید، اما در عین حال در درون خود شاد و آرام باشید، چون چشمان‌تان بر عیسات.

در واقع، عیسی در یوحنا ۱۶:۳۳ به ما هشدار داد: «اینها را به شما گفتم تا در من آرامش داشته باشید. در دنیا برای شما زحمت خواهد بود؛ اما دل قوی دارید، زیرا من بر دنیا غالب آمده‌ام.» سختی و زحمت اجتناب‌ناپذیر است، اما عیسی همچنین کلید رویارویی با چنین شرایط را به ما می‌دهد: «دل قوی دارید!» موضوع این نیست که وقتی اوضاع خوب نیست، وانمود کنیم همه چیز خوب است. به یاد بیاورید که چگونه مزمورنویس دل خود را، گاهی با احساسات بد و واژگان زشت، نزد خدا خالی می‌کرد. فقط ادیان دروغین هستند که اصرار دارند شما «همیشه مثبت بمانید، مهم نیست چه می‌شود!» اما در میان ناراحتی‌ها و اندوه‌های‌مان، به این حقیقت می‌چسبیم که عیسی از پیش بر هر آنچه با آن روبه‌رو می‌شویم غلبه یافته است، و می‌توانیم در پیروزی از او آرامش بیابیم.

خدا از نبرد روحانی و آزمایش‌های ما غافلگیر نمی‌شود. او از آنچه ما به‌عنوان مسیحیان ساکن این زمین تحمل می‌کنیم، شگفت‌زده نیست. عیسی نیز خود اینها را تحمل کرد، و بسیار بیشتر از آنچه ما تحمل خواهیم کرد. عبرانیان ۴:۱۵ می‌گوید: «زیرا کاهن اعظم ما چنان نیست که نتواند با ضعف‌های ما همدردی کند، بلکه کسی است که از هر حیث همچون ما وسوسه شده است، بدون اینکه گناه کند. این یعنی عیسی شرایط و احساسات شما را درک می‌کند. برای قوت و تسلی به او نزدیک شوید.

ما همیشه نمی‌توانیم شرایط بیرونی را کنترل کنیم، اما می‌توانیم واکنش خود را کنترل کنیم. فیلیپیان ۴:۶-۷ می‌گوید: «برای هیچ چیز نگران نباشید، بلکه در هر چیز با دعا و استغاثه، همراه با شکرگزاری، درخواست‌های خود را به خدا ابراز کنید. بدین‌گونه، آرامش خدا که فراتر از تمامی عقل است، دل‌ها و ذهن‌های‌تان را در مسیح عیسی محفوظ نگاه خواهد داشت.»

این به ما یادآوری می‌کند که دعا، شکرگزاری، و تسلیم شدن به ارادهٔ خدا، آرامشی را به همراه می‌آورد که در دنیای طبیعی قابل توضیح نیست.

این آرامش، ماورایی است و وقتی احساس می‌کنیم در حال فرو رفتن هستیم، از دل‌ها و ذهن‌های ما محافظت می‌کند.

اما انتخاب شادی و آرامش همیشه به آسانی خواندن یک دعای کوتاه یا نقل کردن یک آیه نیست. گاهی نبرد برای کسب آرامش، مانند سفری طولانی و فرساینده احساس می‌شود. در چنین لحظه‌هایی، می‌توانیم از خدا بخواهیم برای آموختن هر درسی که لازم است از آن آزمایش بیاموزیم، به ما حکمت بدهد. مزمو ۷۱:۱۱۹ می‌گوید: «مرا نیکوست که مصیبت دیدم، تا فرایض تو را فرا گیرم.» آزمایش‌ها می‌توانند دردناک باشند، اما می‌توانند ما را تشویق کنند تا برای درسی که از آن موقعیت می‌توانیم بیاموزیم، دعا کنیم. وقتی نگاه خود را عوض می‌کنیم و در پی آن باشیم که خدا از طریق آن آزمایش‌ها چه چیزی به ما می‌آموزد، این کار به ما حس هدفمندی و آرامش می‌بخشد. آنگاه می‌توانیم ببینیم که آن موقعیت چگونه به رشد ما کمک کرده است.

همچنین بیایید از دوم تیموتائوس ۷:۱ نیز تسلی بگیریم که می‌گوید: «زیرا روحی که خدا به ما بخشیده، نه روح ترس، بلکه روح قوت و محبت و انضباط است.»

وقتی ترس می‌کوشد به درون ما راه پیدا کند، می‌توانیم بر این حقیقت استوار بایستیم که خدا روح قوت، محبت، و انضباط را به ما بخشیده است.

همان‌طور که در فصل‌های پیش گفتیم، آزمایشی که اکنون از آن عبور می‌کنید، شاید بخشی از شبانی خدا برای هدایت کردن شما به سوی مسیری بهتر باشد؛ از طریق هرس کردن، آزمودن، یا تأدیب کردن! در نهایت، آن موقعیت‌ها - هرچند در همان لحظه دردناک باشند - فرصت‌هایی برای رشد محسوب می‌شوند.

در زمان نبرد روحانی یا تأدیب خدا، به راحتی ممکن است در این دام بیفتیم که فکر کنیم خدا از ما خشمگین است یا در حال مجازات ما است. اما خدا کسانی را که دوست می‌دارد تأدیب می‌کند، و فرایند هرس کردن او، هرچند دردناک باشد، در نهایت برای خیریت ماست. (عبرانیان ۱۲:۶) یوحنا ۲:۱۵ می‌گوید: «هر شاخه‌ای را در من که میوه نیاورد، می‌برَد، و هر

شاخه‌ای را که میوه آورد، پاک می‌کند تا بیشتر میوه آورد.» اگر خدا اجازه می‌دهد در فصلی از زندگی هرس شویم، به این دلیل است که ما را برای ثمربخشی بیشتر آماده می‌سازد. در خلال آزمایش‌ها، ابلیس ممکن است ما را تشویق کند که منزوی شویم و تنها بمانیم. او شاید میان ما و همسرمان یا دوستانمان تفرقه و مشاجره برانگیزد. از این دام‌ها برحذر باشید! ابلیس همچنین ممکن است شما را وسوسه کند تا شکایت کنید، در حالی که کتاب مقدس ما را از این کار بازمی‌دارد: «هر کاری را بدون غرغر و مجادله انجام دهید، ۱۵ تا بی‌پیرایه و بی‌آلایش، و فرزندان بی‌عیب خدا باشید، در بین نسلی کجرو و منحرف که در میانشان همچون ستارگان در این جهان می‌درخشید.» (فیلیپیان ۲: ۱۴-۱۵). اول قرن‌تین ۱۰:۱۰ نیز می‌گوید: «و نه شکوه و شکایت کنید، چنانکه بعضی از ایشان کردند و هلاک‌کننده هلاکشان ساخت.» در داستان خروج، فرجام کسانی را می‌بینیم که شکایت کردند.

البته خدا ما را تشویق می‌کند تا شکایت‌های خود را نزد او بیاوریم و درباره ترس‌هایمان با او صادق باشیم. با این حال، غرق شدن در شکایت و اعتراف احساساتمان به خدا، تفاوتی وجود دارد. به جای شکایت کردن، باید درخواست‌های خود را نزد خدا بیاوریم. این قسمت را فیلیپیان ۴: ۶-۷ مقایسه کنید و به پاسخ او نسبت به دعا‌هایتان، اعتماد داشته باشید. بار دیگر، در برابر تلاش‌های ابلیس برای منزوی کردن‌تان مقاومت کنید.

جامعه ۴: ۹-۱۰ به‌طور خلاصه می‌گوید: «دو از یک بهترند، زیرا ایشان را از محنتشان اجرت نیکو حاصل می‌شود. اگر یکی بیفتد، دیگری رفیق خود را بلند خواهد کرد. اما وای بر آن که تنها بیفتد و کسی نباشد او را برخیزاند.» مهم است که با دیگر ایمانداران مشارکت داشته باشیم و گناهان خود را نزد یکدیگر اعتراف کنیم. همچنین می‌توانیم از دیگر ایمانداران بخواهیم تا برای ما دعا کنند. اگر برای درخواست دعا خجالت می‌کشید، دعا کنید که خدا به شما شجاعت بدهد.

وقتی چشمان خود را به ابدیت می‌دوزید، شادی و آرامش پدیدار می‌گردد. وقتی سنگینی دنیا بیش از حد طاقت‌فرسا به‌نظر می‌رسد، وقتی همه‌چیز اطراف ما انگار در حال فروپاشی است، به یاد داشته باشید که اینجا خانه ابدی ما نیست. دوم قرن‌تین ۴: ۱۷ می‌گوید: «زیرا رنج‌های جزئی و گذرای ما جلالی ابدی برایمان به ارمغان می‌آورد که با آن رنج‌ها قیاس‌پذیر

نیست.» آزمایش‌هایی که اکنون با آن‌ها روبه‌رو می‌شویم، موقتی هستند، و چیزی به مراتب عظیم‌تر از آنچه می‌دانیم پدید می‌آورند.

به باریِ خدا، می‌توانیم نورِ شادی و آرامش را چنان بتابانیم که دیگران از دیدن ما، برکت یابند. شادی، نمایشِ آشکارِ اعتمادِ ما به خدا در میانِ طوفان‌ها است و می‌تواند دیگران را نیز تشویق کند تا آنها نیز همین کار را بکنند و شاید بشنوید که کسی از شما بپرسد رازِ شادی شما در میان این همه طوفان چیست؟ و شاید این بهترین فرصتی باشد که بتواند بشارتِ انجیل را با او در میان بگذارید!

پرسش‌هایی برای تامل

- ۱) چند راه مفید برای روبه‌رو شدن با حس ناکامی چیست؟
- ۲) چگونه می‌توانید در زمان آزمایش‌ها و کشمکش‌ها، چشمان خود را بر عیسی نگاه دارید؟
- ۳) برای چه چیزهایی از خدا سپاسگزار هستید؟ آیا اخیراً برای این برکت‌ها او را پرستش کرده‌اید؟
- ۴) چشم‌انتظارِ دیدن چه چیزهایی در آسمان هستید؟

فصل بیست و پنجم یوغ ناموافق و نبرد روحانی

اگر با کسی ازدواج کرده‌اید که هنوز قلب خود را به مسیح تسلیم نکرده است، یا در گناهی زندگی می‌کند که از آن توبه نکرده است، ممکن است احساس کنید نبرد روحانی در اطراف شما جریان دارد.

یوغ نامساوی می‌تواند جنگ روحانی را افزایش دهد، و دلیلش این است:

۱) خانه‌های دوباره

در متی ۲۵:۱۲ عیسی فرمود: «هر حکومتی که بر ضد خود تجزیه شود، نابود خواهد شد، و هر شهر یا خانه‌ای که بر ضد خود تجزیه شود، پابرجا نخواهد ماند.» ازدواج، اتحادی نیرومند است که محبت مسیح نسبت به کلیسای او را بازتاب می‌دهد، پس وقتی یکی از طرفین در تاریکی گام برمی‌دارد، آنجا شکافی ایجاد می‌شود.

این شکاف فقط احساسی یا رابطه‌ای نیست؛ روحانی است. وقتی شما ایمان‌داری هستتید که با یک بی‌ایمان ازدواج کرده‌اید، آنجا نوعی تنش روحانی به وجود می‌آید. ممکن است احساس کنید به جهت‌های متفاوتی کشیده می‌شوید، از نظر روحانی منزوی شده‌اید، به زوج‌های دیگر در کلیسا غبطه می‌خورید، یا حتی وسوسه می‌شوید برای حفظ آرامش در خانه، از ارزش‌های کتاب مقدسی خود کوتاه بیایید.

دشمن می‌خواهد بین شما و همسران شکاف بیندازد، و می‌خواهد بذره‌های شک، ناکامی، یا تلخی را در دل شما بکارد. شما فقط برای ایمان خودتان نمی‌جنگید، بلکه برای جان همسران نیز در نبرد هستتید.

۲) دشمن خانواده‌ها را هدف قرار می‌دهد

شیطان می‌خواهد خانواده‌ها را نابود کند، و رابطه زناشویی نخستین خط دفاعی در نهاد خانواده است. افسسیان ۵:۳۱-۳۲ بر اهمیت رابطه زناشویی تاکید می‌کند و نشان می‌دهد که

این رابطه بازتابی از رابطه بین مسیح و کلیساست. ابلیس می‌داند که اگر این اتحاد را بر هم بزند، می‌تواند استحکام تمام خانواده شما را تضعیف کند. خدا از طلاق نفرت دارد (ملاکی ۲:۱۶)، اما ابلیس از طلاق شادمان می‌شود. وقتی یکی از طرفین با مسیح گام بر نمی‌دارد، ممکن است راهی برای فعالیت دشمن باز شود، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند شکاف عاطفی، سوءاستفاده، یا حتی ترس.

کتاب مقدس ابلیس را «اتهام‌زننده» می‌نامد، و او اتهام‌هایی مانند این که دعاهای تو کافی نیست یا همسر تو هرگز تغییر نخواهد کرد را در گوش ایمانداران زمزمه می‌کند. اتهام‌زننده می‌کوشد شما خود را کوچک و ناتوان احساس کنید. اما به یاد داشته باشید که نبرد از آن خداوند است، و او امین است. زندگی روحانی شما به اعمال همسران وابسته نیست.

۳ فشار در خانه

زندگی کردن با همسری که در گناهان خود بدون توبه زندگی می‌کند، می‌تواند دیوانه‌کننده باشد. کتاب مقدس به ما هشدار می‌دهد که خشم حل نشده می‌تواند منفذی برای ورود ابلیس مهیا کند. خشم بگیرید اما گناه نورزید. مگذارید روزتان در خشم به سر رسد، و ابلیس را مجال ندهید (افسیسیان ۴:۲۶-۲۷).

این طبیعی است که وقتی عزیزی انجیل را رد می‌کند و پیوسته از فرمان‌های خدا سرپیچی می‌کند، در شما حس خشم و ناکامی شعله‌ور شود. اما لطفاً این خشم را به خدا بسپارید، و خشمگین به خواب نروید. ابلیس همیشه در پی منافذ ورودی است تا آشوب به پا کند، و ما نمی‌خواهیم با خشم به خواب برویم و امکانات بیشتری در اختیار او قرار دهیم. وقتی به خواب می‌روید، به‌جای آن که خشم را در خود نگه دارید، درد دل خود را به خدا بگویید.

۴ انزوا و تنهایی

اگر شوهر نجات‌نیافته شما با شما به کلیسا نمی‌آید و با دیگر مسیحیان نیز معاشرت نمی‌کند، ممکن است وسوسه شوید که خودتان هم رفتن به کلیسا یا مشارکت با دیگران را کنار بگذارید. در یک ازدواج مسیحی، شوهر رهبر روحانی خانواده است. پس یک زن مسیحی چگونه باید با شوهری برخوردار کند که با تعالیم کتاب مقدسی از او حمایت یا هدایت نمی‌کند؟

کتاب مقدس ما را تشویق می‌کند که برای مشارکت، رشد، و شرکت در شامِ خداوند در کلیسا حضور داشته باشیم، و اگر هنوز تعمید نگرفته‌اید، تعمید بگیرید. عبرانیان ۱۰:۲۵ می‌گوید: «و از گرد آمدن با یکدیگر دست نکشیم، چنانکه بعضی را عادت شده است، بلکه یکدیگر را بیشتر تشویق کنیم - بخصوص اکنون که شاهد نزدیکتر شدن آن روز هستید.» رفتن به کلیسا مهم است، حتی اگر شوهرتان همراه شما نیاید.

همچنین شما را تشویق می‌کنم که در یک مطالعه کتاب مقدس در کلیسای محلی شرکت کنید، چه در کلیسای خودتان و چه در کلیسای دیگری که در منطقه شما واقع شده است. مطالعه‌های کتاب مقدس برای خواهران که بر خواندن کتاب مقدس متمرکزند، و نه بر مطالعه یک معلم دروغین، چنان که بعضی از این گروه‌ها به آن گرایش دارند، جای بسیار خوبی برای مشارکت با دیگر خواهران در مسیح هستند. زنانی که من در این گروه‌های مطالعه کتاب مقدس زنان دیده‌ام، جنگجویان دعا هستند! معمولاً در زمانی از گردهمایی، رهبر گروه عناوین دعاها را می‌پرسد. در درخواست دعا برای نجات شوهرتان، و نیز قوت خودتان در برخورد با مسائل مربوط به ازدواج‌تان، تردید نکنید.

در برابرِ وسوسه منزوی کردنِ تان مقاومت کنید، زیرا این می‌تواند به تنهایی و دلسوزی نسبت به خود منجر شود. انزوا همچنین می‌تواند توان دشمن را برای تحریک شما به شرکت در فعالیت‌های گناه‌آلود شوهر بی‌ایمان‌تان، افزایش دهد. امثال ۱:۱۸ درباره خطرات گوشه‌گیری هشدار می‌دهد و می‌گوید: «شخص انزواطلب در پی اهداف خودخواهانه خویش است؛ او با هر قضاوت صحیح، می‌ستیزد.»

دشمن حتی ممکن است بکوشد تا گناه توبه نکرده همسران را به گردن شما بیندازد. ممکن است با بی‌رحمی به شما بگوید که این تقصیر شماست که شوهرتان هر روز مست می‌کند، یا این که به شما خیانت می‌ورزد. حقیقت این است که نقش شما این است که همچنان بر اساس ایمان‌تان زندگی کنید. شما نمی‌توانید دل همسران را تغییر دهید، اما خدا می‌تواند.

۵) کاربرد کتاب مقدس برای ازدواج شما

کلام خدا به مسیحیان هشدار می‌دهد که با شخص بی‌ایمان ازدواج نکنند. شاید زمانی که ازدواج کردید هر دوی شما نجات‌نیافته بودید، و بعداً شما نجات یافتید.

در اینجا چند دلگرمی و اندرزهای کتاب مقدسی برای کمک به شما آمده است:
 الف) بی‌وقفه دعا کنید. دعا کنید که خدا دل شوهرتان را نرم کند. دعا کنید که خدا بشارت‌دهنده‌ای را سر راه شوهرتان قرار دهد که او برایش احترام قائل باشد تا انجیل را از او بپذیرد. دعا کنید که خدا شوهرتان را از گناه و فریب نجات دهد. دعا کنید که خدا به شما قوت ببخشد تا نبرد روحانی در ازدواج‌تان را تحمل کنید.

ب) اسلحهٔ خدا را بر تن کنید. همان‌طور که در این کتاب تأکید کرده‌ایم، بدون آمادگی وارد نبرد نشوید. افسسیان ۶: ۱۰-۱۸ به ما یادآوری می‌کند که اسلحهٔ کامل خدا را بر تن کنیم و در برابر نقشه‌های دشمن بایستیم. دل خود را با کمر بند حقیقت، زره پارسایی، کفش‌های انجیل سلامتی، سپر ایمان، کلاهخود نجات، و شمشیر روح، یعنی کتاب مقدس، محافظت کنید و استوار بایستید.

پ) ایمان خود را پنهان نکنید. شاید شما تنها مسیحی‌ای باشید که شوهرتان می‌شناسد. پس این فرصت را دارید که نمونه‌ای از رفتاری مسیح‌گونه باشید و انجیل را با همسرتان در میان بگذارید. اول پطرس ۳: ۱-۲ می‌گوید که شوهران وقتی رفتار پاک همسر خود را می‌بینند، به خداوند ایمان می‌آورند.

ت) مشورت و حمایت کتاب مقدسی بجوئید. مراجعه به مسیحیان بالغی که از نظر کتاب مقدسی پخته هستند می‌تواند به شما از نظر روحانی کمک کند تا در حالی که شوهرتان همچنان در گناه زندگی می‌کند، ازدواج‌تان را به مسیر صحیح هدایت کنید. شبکهٔ حمایتی شما می‌تواند شامل یک مشاور کتاب مقدسی، یک گروه حمایت از ازدواج مسیحی، شبان‌تان، یا معلم مطالعهٔ کتاب مقدس زنان باشد.

ث) بخشش و فیض. باید فیض و بخششی را به یاد بیاوریم که خدا قبل از توبه به ما عطا کرد. ما زمانی که در گناهان مرده بودیم، خدا ما را از زندگی گناه‌آلودمان برخیزانید. (افسسیان ۲: ۱-۳). آنانی که نجات را ندارند از لحاظ روحانی نابینا هستند. هرچند این وضعیت می‌تواند گاهی بسیار سخت و فرسایشی باشد، اما دعا کنید که خدا به شما کمک کند نسبت به شوهر نجات‌نیافته خود فیض نشان دهید. او را ببخشید، همان‌گونه که مسیح شما را بخشیده

است (اَفْسِسِيان ۳۲:۴). با یکدیگر مهربان و دلسوز باشید و همان‌گونه که خدا شما را در مسیح بخشوده است، شما نیز یکدیگر را ببخشایید.

ج) برای دریافت حکمت دعا کنید. اگر شوهرتان وسایلِ گناه‌آلودی را به خانه آورده است، دعا کنید که خدا به شما حکمت بدهد تا بدانید چگونه با این وضعیت برخورد کنید. این وسایل می‌توانند دعوتی به نبرد روحانی باشند. دعا کنید که خدا به شما کمک کند گفتگویی صادقانه با شوهرتان داشته باشید. سعی کنید با حکمت با او بگویید که لازم است وسایلِ گناه‌آلود را از خانه خود دور نگه دارید.

چ) ازدواج خود را به خدا بسپارید. ما با در میان گذاشتن انجیل، بذر را می‌کاریم. ما کسی را نجات نمی‌دهیم، زیرا فقط خدا می‌تواند جان‌ها را نجات دهد. همان‌طور که برای نجات شوهرتان به دعا ادامه می‌دهید، به خدا اعتماد داشته باشید. پیوسته برای دریافت کمک برای زندگی مشترکتان، در دعا به سوی خدا فریاد بزنید. من دعا می‌کنم که شوهرتان نجات یابد و هر دوی شما از ازدواجی مسیح‌محور لذت ببرید.

پرسش‌هایی برای تأمل

- ۱) آیا احساس می‌کنید در ازدواج‌تان در یک نبرد روحانی به سر می‌برید؟ این جنگ به چه شکل‌هایی خود را نشان می‌دهد، و چه گام‌هایی برای مقابله با آن برداشته‌اید؟
- ۲) چگونه می‌توانید از دل خود در برابر حملات دشمن محافظت کنید، به‌ویژه وقتی با گناه توبه نکرده همسرتان روبه‌رو هستید؟
- ۳) آیا انجیل را به‌روشنی با شوهرتان در میان گذاشته‌اید؟ به‌هرحال، انجیل قدرتِ خداست برای نجات هر که ایمان آورد (رومیان ۱:۱۶).
- ۴) آیا در کلیسا و مدرسه کتاب‌مقدس با دیگر خواهران در مسیح، مشارکت دارید؟

فصل بیست و هشتم احساس گناه، شرم، و نبرد روحانی

احتمالاً همه ما گناهی را از گذشته به خاطر می‌آوریم، که از یادآوری آن شرمنده‌ایم. حتی کسانی که در کودکی نجات یافته‌اند نیز آگاهند که بر ضد خدا و والدین خود سرکشی کرده‌اند. گناه موضوعی بسیار جدی است، و وقتی به عمق گناه خود پی می‌بریم، روح القدس ما را با اندوهی الهی ملزم می‌سازد.

اما خواهرم، هدف از این سخنان این نیست که به تو حس گناهکار بودن را القا کنم. به احتمال بسیار، خود شما از پیش باری از احساس گناه، شرم و حس بد نسبت به آنچه هستید را به دوش می‌کشید.

درست است که همه ما پیش از نجات توسط خون مسیح، گناهکارانی شریر بودیم، با این حال، در همان لحظه‌ای که به انجیل ایمان آوردیم و زندگی و اعتماد خود را بر عیسای مسیح نهادیم، گناهان ما آمرزیده شد.

ما تا زمانی که به آسمان برویم، همچنان مرتکب گناه خواهیم شد. (اول یوحنا ۱: ۱۰). روح القدس ساکن در ما از «اندوه الهی» استفاده می‌کند، (که شبیه به عذاب وجدان است) و برای متقاعد ساختن ما نسبت به گناهی که مرتکب می‌شویم به کار می‌برد.

پیش از نجات، وقتی هنگام انجام کاری نادرست گرفتار می‌شدیم، «اندوهی دنیوی» داشتیم (دوم قرنیتیان ۷: ۹-۱۰)، اما پس از نجات، وقتی روح القدس ما را نسبت به گناه متقاعد می‌سازد و درمی‌یابیم که بر ضد خدای قدوس خود که ما را نجات داده است سرکشی کرده‌ایم، اندوهگین می‌شویم.

احساس گناهی که روح القدس در ما برمی‌انگیزد، همیشه ما را به سوی توبه و رشد هدایت می‌کند. اما احساس گناهی که ابلیس از طریق اتهام‌هایش می‌کوشد در ما ایجاد کند، ما را به شکست و شرم می‌کشاند.

در مکاشفه ۱۰:۱۲ شیطان «مدعی برادران و خواهران ما» خوانده می‌شود: «... زیرا که آن مدعی برادران ما که شبانه‌روز در پیشگاه خدای ما بر آنان اتهام می‌زند، به زیر افکنده شده است.»

ادعاها و اتهامات ابلیس هرگز متوقف نمی‌شوند. او مکث نمی‌کند، استراحتی به خود نمی‌دهد. هدف او این است که ما را فرسوده کند و ما را نسبت به محبت خدا دچار تردید سازد، و این پرسش را در ما ایجاد کند که آیا واقعاً آمرزیده شده‌ایم یا خیر!

این اتهامات به موضوعاتی مربوط می‌شوند که ما واقعاً اشتباه انجام داده‌ایم. با این حال حتی وقتی اتهامات شیطان بر پایه واقعیت باشند، شیوه استفاده او از آن‌ها تحریف شده است. هدف او این است که ما را فلج کند، در اسارت نگه دارد، و باعث شود احساس کنیم شایسته محبت خدا نیستیم، یا این که گناه‌مان آن قدر بزرگ است که آمرزیده نخواهد شد.

در زکریا ۳:۱-۵، یهوشع کاهن اعظم را می‌بینیم که با جامه‌های چرکین در حضور خداوند ایستاده است، جامه‌هایی که نمایانگر گناه و احساس گناهی است که بر دوش داشت. و شیطان نیز آنجا ایستاده بود و یهوشع را نزد خدا متهم می‌نمود. اتهام‌ها واقعی بودند، و گناه و آلودگی یهوشع نیز واقعی بود. با این حال، پاسخ خدا محکوم کردن یهوشع نیست، بلکه پوشاندن او با جامه‌هایی فاخر و پاک است. خدا به شیطان می‌گوید: ای شیطان، خداوند تو را توبیخ کند! (زکریا ۳:۲). حتی در برابر اتهام‌های بحق شیطان نیز خدا فیض را برمی‌گزیند. او در داوری شیطان با او همراه نمی‌شود، بلکه او را به سوی رهایی دعوت می‌کند. یهوشع مجبور نبود از خود دفاع کند، زیرا خدا مدافع او بود.

ما نیز نباید از خود دفاع کنیم. وقتی اتهام‌های شیطان در ذهن شما می‌چرخند، انتخابی پیش روی شماست. آیا می‌کوشم خودم را توجیه کنم و ارزش خود را با اعمالم ثابت کنم، یا در این حقیقت زندگی کنم که فیض مسیح مرا کافی است؟ افسسیان ۸:۲-۹ می‌گوید: «زیرا به فیض و از راه ایمان نجات یافته‌اید - و این از خودتان نیست، بلکه عطای خداست - و نه

از اعمال، تا هیچ کس نتواند به خود ببالد.» خواهر عزیزم، فقط فیضِ خداست که مدافع توست، نه گذشته‌ات! پارسایی کاملِ عیسی که بر صلیب به تو بخشیده شد، مدافع توست.

در حالی که شیطان مشغولِ متهم کردنِ ما و یادآوریِ گذشتهٔ گناه‌آلودِ ماست، عیسی برای ما شفاعت می‌کند و به‌عنوانِ مدافعِ ما می‌ایستد. عبرانیان ۴:۱۴-۱۶ می‌گوید که عیسی کاهنِ اعظمِ بزرگِ ماست که با ضعف‌های ما همدردی می‌کند، زیرا او نیز در زمانی که بر زمین بود آزموده شد، البته عیسی هرگز گناه نکرد. به‌سببِ عیسی، ما می‌توانیم با دلیری به تختِ فیضِ خدای پدر نزدیک شویم. نباید پنهان شویم یا در شرم فرو برویم. شفاعتِ مسیح دائمی است، زیرا او از جانبِ ما شفاعت می‌کند (رومیان ۸:۳۴؛ عبرانیان ۷:۲۵).

گاهی اتهامات شیطان در گوش ما زمزمه می‌کنند که گذشتهٔ گناه‌آلودمان، ما را از محبتِ خدا محروم می‌سازد. این دروغِ دردناکِ ابلیس ممکن است باعث شود در نزدیک شدن به خدا و بیان درخواست‌های مان تردید کنیم. پس باید هر روز کتاب‌مقدسِ خود را بخوانیم و به یاد بیاوریم که دسترسی ما به خدا از طریقِ عیسا است، نه از طریقِ شایستگی‌های خودمان. وقتی عیسی بر صلیب جان داد، پردهٔ معبد که قدس‌الاقداس را جدا می‌کرد دوپاره شد، و این برای ایمانداران دسترسیِ مستقیم به خدا را فراهم ساخت.

وقتی شیطان دروغ‌های محکوم‌کننده را زمزمه می‌کند، می‌توانید در این حقیقت آرام بگیرید که به پارسایی کاملِ عیسی ملبس شده‌اید. خدا شما را از دریچهٔ کارِ کامل‌شدهٔ پسرش بر صلیب می‌بیند. احتیاج نیست که از خود دفاع کنید؛ فقط باید در او آرام بگیرید.

شیطان همچنین از اتهام‌ها استفاده می‌کند تا ما را از درمیان گذاشتن انجیل دلسرد کند. او ما را متقاعد می‌کند که اشتباهاتِ گذشته‌مان، صلاحیت سخن گفتن دربارهٔ فیضِ خدا با دیگران را زیر سؤال می‌برد. دروغ‌های ابلیس می‌توانند ما را متقاعد کنند که گویا نشان‌نگی بر سینه خود داریم، و دیگران به‌سببِ گذشتهٔ گناه‌آلودمان، ما را رد می‌کنند. ما شرم و احساسِ گناهِ خود را با زنانِ دیگر و با کلیسا مقایسه می‌کنیم که ظاهراً کامل‌اند و انگار همه چیزشان درست است. با این حال، همهٔ ما گناهکاریم (رومیان ۳:۲۳)، و به عیسا مسیح نجات‌دهنده خود نیاز داریم.

ما انجیل را به این دلیل به دیگران اعلام نمی‌کنیم که کامل یا بی‌گناه هستیم؛ آن را اعلام می‌کنیم چون کمال و بی‌گناهی مسیح بر صلیب به ما عطا شده است (دوم قرن تیان ۵: ۲۱) می‌گوید: «او کسی را که گناه را شناخت، در راه ما گناه ساخت، تا ما در وی پارسایی خدا شویم.»

وقتی اجازه می‌دهیم ابلیس پیروز شود و نگاه ما بر شکست‌ها و کمبودهای خودمان متمرکز بماند، می‌خواهیم که به‌آسانی عقب بکشیم. اما خدا شما و همه ایمانداران را دعوت می‌کند تا در فیض او و به‌سبب آنچه او هست دلیری بیابید، نه به سبب آنچه شما هستید! شیطان می‌داند که اگر شما انجیل را با دیگران در میان بگذارید، این احتمال وجود دارد که آن شخص به‌جای پیروی از او، از عیسی پیروی کند. بنابراین ابلیس دروغ می‌گوید، بذره‌های شک می‌کارد، و شما را متهم می‌کند تا تردید کنید و انجیل را به دیگران نرسانید.

چه غم‌انگیز است وقتی خواهری در مسیح به دروغ‌های شیطان گوش می‌دهد و خبر خوش زندگی، مرگ، و رستخیز عیسی را به آنان که نجات را دریافت نکرده‌اند، نمی‌رسانند. به یاد داشته باشید که کتاب مقدس پر است از روایت‌هایی که در آنها خدا از انسان‌های گناهکار برای جلال خود استفاده کرده است. همه شخصیت‌های کتاب مقدسی، به‌جز عیسی، گناه‌کارند، زیرا انسان ذات گناه‌آلود دارد. پس نگذارید اتهام‌های ابلیس شما را از بشارت دادن و ثمر آوردن برای پادشاهی خدا باز دارد.

ما به‌واسطه کار عیسی بر صلیب خریده شده‌ایم. ما آمرزیده شده‌ایم، متبدل شده‌ایم، و به پارسایی کامل او ملبس گشته‌ایم. پس می‌توانیم با اطمینان به‌خاطر آنچه مسیح برای ما انجام داده است، انجیل را اعلام کنیم. در میان اتهام‌های شیطان، این را به یاد داشته باشید که شما فقط به‌سبب فیض نجات یافته‌اید. رومیان ۸: ۱ به ما می‌گوید: «پس اکنون برای آنان که در مسیح عیسی هستند، دیگر هیچ محکومیتی نیست.» به‌جای آن‌که در شرم زندگی کنیم، می‌توانیم با قلبی شکرگزار در فیض خدا گام برداریم. می‌توانیم شکرگزار باشیم که خدا ما را از تاریکی زندگی گناه‌آلودی که به جهنم منتهی می‌شد، نجات داد.

شما آمرزیده شده‌اید. شما آزاد گشته‌اید و وقتی دشمن دروغ‌هایی درباره گذشته شما زمزمه می‌کند، به یاد داشته باشید که هویت شما در او معنا پیدا می‌کند، نه در گذشته شما.

پرسش‌هایی برای تأمل

- ۱) وقتی عیسی بر صلیب گفت: «تمام شد.» این یعنی او بر گناه و مرگ پیروز شد. پس چرا گاهی درباره گناهان گذشته خود نگران هستیم؟ آیا اندیشیدن به گذشته، می‌تواند فایده‌مشتی داشته باشد؟
- ۲) برخی از تفاوت‌های اصلی بین الزام روح‌القدس نسبت به گناهان‌تان، و احساس گناه و شرمی که از اتهام‌های ابلیس می‌آید، چیست؟
- ۳) چگونه بر عدم امنیت و تردیدهای خود در بشارت انجیل غلبه می‌کنید؟
- ۴) چه راه‌هایی وجود دارد که دیگر خود را به‌طور منفی با زنان دیگر مسیحی مقایسه نکنید؟

فصل بیست و هفتم کاهش آسیب‌پذیری شما در برابر نبرد روحانی

نبرد روحانی برای مسیحیان اجتناب‌ناپذیر است. مسئله این نیست که آیا آن را تجربه خواهید کرد یا نه، بلکه این است که تا چه اندازه و هر چند وقت یک‌بار آن را تجربه خواهید کرد. پس بیایید به راه‌هایی نگاه کنیم که می‌توانند آسیب‌پذیری ما را در برابر نبرد روحانی کاهش دهند:

توبه

ما می‌توانیم با پنهان کردن گناهِ اعتراف‌نشده، خود را در برابر نبرد روحانی آسیب‌پذیر بگردانیم. همان‌طور که از بررسی موعظهٔ بالای کوه می‌دانید، افکارِ گناه‌آلود ما معادلِ اعمالِ گناه‌آلود هستند. برای مثال، عدم بخشش، شهوت، اعتماد نکردن به خداوند، و افکارِ نفرت‌آلود، دعوت‌نامه‌هایی خطاب به دشمن هستند تا وارد شود و آشوب به پا کند. در بسیاری از موارد، این ابلیس بوده که بذرهایی را کاشته و نتیجه آن بذرها، به داشتن چنین افکارِ گناه‌آلود و چنین وضعیت درونی منجر گشته است.

شاید فکر کنید موضوع آن‌قدرها هم مهم نیست. اما گناه هرگز بی‌ضرر نیست. کتاب‌مقدس روشن می‌گوید: «زیرا مزد گناه مرگ است، اما عطا‌ی خدا حیات جاویدان در خداوند ما مسیح عیسا است.» (رومیان ۶: ۲۳). گناه بدون توبه همیشه پیامدهایی به بار می‌آورد؛ نه فقط در رابطهٔ ما با خدا، بلکه در سلامتِ روحانی ما نیز. وقتی از توبه و روی‌گردانی از گناه سر باز می‌زنیم، به دشمن در زندگی خود جای پا می‌دهیم (اِفسسیان ۴: ۲۷). اگر همین حالا در حالِ مخفی کردن گناهی هستید، نخستین قدم ساده این است که آن را نزد خدا اعتراف کنید. از او بخشش بطلبید. بگذارید شما را از هر ناراستی پاک سازد (اول یوحنا ۱: ۹). توبه فقط گفتنِ «متاسفم» نیست؛ بلکه یعنی از آنچه می‌دانید نادرست است روی برگردانید و در مسیرِ حقیقتِ خدا گام بردارید.

گاهی از گناه خود آگاه نیستیم، پس می‌توانیم برای گناهی هم که از آن‌ها آگاهی نداریم طلبِ آمرزش کنیم. مزمور ۱۲:۱۹ می‌گوید: «کیست که اشتباهات خود را تشخیص دهد؟ مرا از خطایای پنهان مبرا ساز!» در حالی که ممکن است از همهٔ گناهانِ خود آگاه نباشیم، مهم است که برای هر چیزی که شاید از قلم انداخته‌ایم از خدا طلبِ آمرزش کنیم. می‌توانیم اعتماد داشته باشیم که وقتی گناهان خود را اعتراف می‌کنیم، خدا امین است که همهٔ آن‌ها را ببامرزد (اول یوحنا ۱:۹).

پرهیز از فعالیت‌های مربوط به عرفان‌های نوظهور و جادوگری

استفاده از وسایل یا روش‌های مربوط به عرفان‌های عصر جدید یا جادوگری می‌تواند ما را در نبرد روحانی آسیب‌پذیر بگرداند. هر عملی که در کتاب مقدس محکوم شده باشد، گناه است. گذشته از این، چرا باید کاری انجام دهیم که نجات‌دهندهٔ ما عیسی برای آن جان داد؟ تتنیه ۱۸:۱۰-۱۲ دربارهٔ مشارکت در اعمالِ جادوگری هشدار می‌دهد: «در میان شما کسی یافت نشود که پسر یا دختر خود را بر آتش قربانی کند، و نه فالگیر یا غیبگو، و نه افسونگر یا جادوگر یا ساحر، و نه مشورت‌کننده با ارواح، یا رمال و یا کسی که با مردگان گفتگو کند. زیرا هر که این کارها را می‌کند، خداوند از او کراهت دارد، و به سبب همین اعمال قبیح است که یهوه خدایتان این اقوام را از برابر شما بیرون می‌راند.» این همان بخشی از کتاب مقدس بود که خدا از آن برای نجات من استفاده کرد، وقتی فهمیدم که اعمالِ پیشین من در عرفان‌های نوظهور، مرا در نظرِ خدا مکروه ساخته بود. از آن زمان تاکنون، مردم را تشویق کرده‌ام که عرفان‌ها و تفکر عصر جدید را ترک کنند و هر ابزاری که با آنها ارتباط دارند را نابود سازند.

اگر هرگونه کارتِ تاروت، کارت‌های فرشته، کتاب‌های طالع‌بینی، یا چیزهای مشابه دارید، شما را تشویق می‌کنم که از آن‌ها خلاص شوید. همهٔ این‌ها ابزارهای فال‌گیری هستند؛ یعنی به‌جای اعتماد کردن به خداوند، شما به دیوها و افکار خیالی پناه می‌برید.

برخی از مسیحیان، کتاب مقدس را تحریف می‌کنند تا استفاده از طالع‌بینی را توجیه کنند، در حالی که کتاب مقدس طالع‌بینی را محکوم می‌کند. و برخلافِ تعالیمِ دروغین، مجوسیان طالع‌بین نبودند. من همچنین شنیده‌ام زنانی استدلال می‌کنند که آزادیِ مسیحی به ایشان

اجازه می‌دهد هر کاری که می‌خواهند انجام دهند، باوری که «ضد شریعت‌گرایی» یا بی‌قانونی نامیده می‌شود.

آزادی مسیحی در مورد اموری که در کتاب مقدس محکوم نشده‌اند و ما می‌توانیم مطابق وجدان خود و هدایت‌های روح‌القدس، با آن امور زندگی کنیم. آزادی مسیحی همچنین یعنی وقتی نجات می‌یابیم، اکنون این توانایی را داریم که گناه نکنیم. پیش از نجات، بر ضد خدا سرکشی می‌کردیم و نمی‌توانستیم گناه نکنیم.

روابط

برخی از دوستی‌ها یا مشارکت‌ها ما را از حقیقت خدا دور می‌کنند، زیرا این‌گونه اجازه می‌دهیم تأثیرات سمی افکار، اعمال و نگرش‌های ما را شکل دهند. اول قرن‌تین ۳۳:۱۵ به ما می‌گوید: «فریب مخورید: معاشرت بد، اخلاق خوب را تباہ می‌سازد.»

برخی از اشخاص ایمان ما را تضعیف می‌کنند، چه با غیبت کردن، چه با تشویق به گناه و چه با تماشای فیلم‌های کفرآمیز، یا به هر شکل دیگری که بتوانند حواس ما را از خداوند پرت کنند. عیسی فرمود که ما «در دنیا هستیم، اما از دنیا نیستیم.» (یوحنا ۱۷:۱۴-۱۶). پس باید مراقب باشیم که روابط ناسالم به لغزشگاه‌های روحانی تبدیل نشوند.

ممکن است با ترک چنین روابطی کشمکش داشته باشید و از این که فرصت بشارت را از دست می‌دهید، ناراحت شوید. اگر شما در آن رابطه شخص قوی‌تری هستید که انجیل را با آنان در میان می‌گذارد و آنان را به سوی عیسی هدایت می‌کنید، این اشکالی ندارد. با این حال، زمانی را صرف دعا کنید و با روح‌القدس صادق باشید. آیا این شخص شما را تضعیف می‌کند و حواس شما را از عیسی پرت می‌کند؟ آیا سعی می‌کنید که در این رابطه مودب باشید و از گفتگو درباره انجیل پرهیز می‌کنید تا او آزرده نشود؟ یا می‌توانید ایمان خود را آشکارا با این شخص در میان بگذارید؟ اگر برای بشارت، یا برای ترک رابطه‌ای که شما را در برابر نبر روحانی آسیب‌پذیر می‌سازد، به قوت و جسارت نیاز دارید، دعا کنید تا خدا به شما کمک کند.

تأثیرات رسانه‌ها

ممکن است بی‌ضرر به‌نظر برسد که تازه‌ترین فیلم را تماشا کنید یا خود را در سریال‌های شبکه‌های اجتماعی مشغول کنید، اما اجازه بدهید چیزی به شما بگویم؛ دشمن می‌تواند استفاده ما از رسانه‌ها را به‌عنوان بخشی از نبرد روحانی بر علیه ما به کار بگیرد. ابلیس می‌کوشد از این رسانه‌ها استفاده کند تا به‌جای این که ما به حاکمیت خدا اعتماد کنیم، مضطرب بگردیم.

فیلیپیان ۴: ۸ به ما یادآوری می‌کند: «در پایان، ای برادران، هرآنچه راست است، هرآنچه والاست، هرآنچه درست است، هرآنچه پاک است، هرآنچه دوست‌داشتنی و هرآنچه ستودنی است، بدان بیندیشید.» اگر چیزی عالی و شایان ستایش است، در آن تأمل کنید. اگر آنچه تماشا می‌کنید، می‌خوانید، یا به آن گوش می‌دهید گناه را ترویج می‌کند، وقت تغییر فرا رسیده است. به‌احتمال زیاد، روح‌القدس از پیش شما را متقاعد می‌کند که از این نوع رسانه‌ها فاصله بگیرید. برای کمک او دعا کنید تا اشتیاق شما را نسبت به این نوع «سرگرمی‌ها» از میان ببرد، و در عوض، اشتیاقی برای عیسی و مطالعه کتاب‌مقدس ایجاد کند.

پرسش‌هایی برای تأمل

- ۱) آیا امروز زمانی را صرف توبه برای گناهان آگاهانه و ناآگاهانه خود کرده‌اید؟ این کار چه احساسی در شما ایجاد می‌کند؟
- ۲) آیا عادت‌های استفاده از رسانه‌هایی وجود دارد که لازم باشد برای تغییر آن‌ها از خدا کمک بخواهید؟ اگر چنین است، لطفاً همین حالا دعا کنید.
- ۳) آیا هیچ‌گونه وسایل یا اعمال مربوط به تفکر عصر جدید یا بدعت‌ها یا جادوگری را در خانه خود نگاه می‌دارید؟ اگر چنین است، لطفاً دعا کنید که خدا به شما قوت بدهد تا این اعمال و وسایل را از میان بردارید.
- ۴) آیا اکنون در رابطه‌ای هستید که به‌طور منفی بر سلوک شما با مسیح تاثیر می‌گذارد؟ اگر چنین است، لطفاً دعا کنید که خدا به شما حکمت، جسارت، و شجاعت ببخشد تا انجیل

را با این شخص در میان بگذارید، او را همراه خود به کلیسا دعوت کنید، و در این رابطه مرزهایی تعیین نمایید.

فصل بیست و هشتم

بی‌خوابی، کابوس‌ها، فلج خواب، و نبرد روحانی

گاهی ممکن است چنین احساس کنیم که شبانگهان مانند میدان نبردی برای جنگ روحانی است؛ مشکلاتی مانند بی‌خوابی‌ای که باعث می‌شود مدام در بستر غلت بزنید، فلج خواب وحشتناک، یا کابوس‌هایی که تکرار می‌شوند و گویی تاریکی در تعقیب شماست.

من در روزهای نخست نجاتم بی‌خوابی شدیدی را تجربه کردم، زیرا از تلاش دیوها برای درگیر نمودن من و خانواده‌ام به نبرد روحانی آگاه بودم. خدمات آزادسازی، خودرهایی، ویدئوها، و کتاب‌هایی را امتحان کردم و گوش دادم و خواندم که دعاهایی را ارائه می‌دادند که به اصطلاح «قطعاً دیوها را بیرون می‌رانند.» اما اینها فقط آرامشی موقتی به من می‌دادند، و پس از آن نبرد روحانی شدت بیشتری می‌گرفت. من از بی‌خوابی تحلیل رفته بودم و از فعالیت‌هایی شریر در خانه‌ام، اضطراب داشتم.

امکان دارد که شما گاهی شبی سخت داشته باشید، اما وقتی این الگو ادامه پیدا می‌کند، به این معنا است که دشمن به استراحت، آرامش، و حتی سلامت ذهن شما حمله می‌کند. دشمن می‌داند استراحت شما چه اندازه ارزشمند است، و هر کاری که بتواند می‌کند تا شما را فرسوده و مضطرب نگه دارد، تا آن قدر خسته یا مردود باشید که انجیل را با بی‌ایمانان، در میان نگذارید.

دیوهای نبرد روحانی می‌کوشند شما را از استراحت بازدارند. وقتی آن قدر مضطرب هستید که دیگر نمی‌توانید خود را رها کنید و بخوابید، همان زمان بی‌خوابی آغاز می‌شود. کابوس‌ها زمانی رخ می‌دهند که خواب‌های شما پر از صحنه‌های ترسناک و به‌نظر واقعی باشند. فلج خواب زمانی رخ می‌دهد که بدن شما فلج به‌نظر می‌رسد و نمی‌توانید برای کمک فریاد بزنید.

چند زن ایماندار مسیحی داستان‌های وحشتناکی را درباره این که دیوها می‌خواستند در بستر به آنان تعرض کنند، برایم تعریف کرده‌اند. چه این ترس واقعی باشد و چه خیالی، الگوی مشابه در میان زنانی که این وضعیت را بازگو کرده‌اند نشان می‌دهد که این نیز بخشی از نبرد روحانی است که باید با آن برخورد شود.

افسیسیان ۱۲:۶ می‌گوید: «زیرا ما را کشتی گرفتن با جسم و خون نیست، بلکه ما علیه قدرت‌ها، علیه ریاست‌ها، علیه خداوندگاران این دنیای تاریک، و علیه فوج‌های ارواح شریر در جای‌های آسمانی می‌جنگیم.»

این آیه از واقعیت این حقیقت سخن می‌گوید که آنچه ما در جهان واقعی تجربه می‌کنیم، اغلب از قلمرو نادیدنی تاثیر می‌پذیرد. جنگ روحانی می‌تواند بر ساعت‌های بیداری و خواب ما اثر بگذارد.

خدا را شکر که ابلیس با ریسمانی در دست خداست بسته شده است، و در نهایت دیوها بدون اجازه خدا نمی‌توانند کاری انجام دهند. اول یوحنا ۴:۴ به ما اطمینان می‌دهد: «شما، ای فرزندان، از خدا هستید و بر آنها غلبه یافته‌اید، زیرا آن که در شماست بزرگتر است از آن که در دنیاست.»

دشمن ممکن است بکوشد تا شما خود را ضعیف و آسیب‌پذیر احساس کنید، اما روح‌القدس که درون شما ساکن است، قدرتی است که دشمن هرگز نمی‌تواند با آن برابری کند.

البته شما می‌توانید برای داشتن خوابی بهتر، گام‌هایی بردارید؛ مثلاً از خواندن یا تماشای چیزهایی که ممکن است شما را مضطرب کنند، مانند اخبار یا یک فیلم ترسناک، پرهیز کنید. همان‌طور که در فصل بعد خواهیم دید، من دریافته‌ام که گوش دادن به فایل‌های صوتی کتاب مقدس هنگام خواب رفتن، مانع از نبرد روحانی شبانه می‌شود. به‌رحال، کتاب مقدس شمشیر روح در اسلحه کامل خداست. همچنین مهم است که برای حفاظت خدا از شما، در هنگام خواب دعا کنید.

اگر دیدید که دچار بی‌خوابی، فلج خواب، یا کابوس شده‌اید، سعی کنید در همان زمان، افکار خود را بر کتاب مقدس متمرکز کنید و از کلام خدا قوت بگیرید. مزمو ۷:۳۴ اعلام می‌کند: «فرشته خداوند گرداگرد ترسندگان او اردو می‌زند، و آنان را می‌رهاند.»

ترس از خدا یعنی در برابر آفریننده در حیرت و فروتنی باشید، و عمیقاً به این حقیقت که او می‌تواند کسی را به آسمان یا جهنم بفرستد، احترام بگذارید.

ابزار نیرومند دیگر، پرستش است، حتی در میانه یک کابوس یا یک تجربه فلج خوابی، می‌توانید در روح خود خدا را بستابید و به همه موضوعاتی فکر کنید که می‌توانید برای آنها خدا را شکر کنید. می‌توانید «روح کدورت» را با «ردای تسبیح» عوض کنید (اشعیا ۶۱:۳).

وقتی با چنین لحظاتی روبه‌رو می‌شوید، به یاد داشته باشید که این نبرد را تنها نمی‌جنگید. خدا با شماست، و اشعیا ۴۱:۱۰ به ما اطمینان می‌دهد: «پس ترسان مباش زیرا من با تو هستم، و هراسان مباش زیرا من خدای تو هستم. تو را تقویت خواهم کرد و یاری خواهم داد.»

رومیان ۸:۳۸-۳۹ نیز دلگرم‌کننده است: «زیرا یقین دارم که نه مرگ و نه زندگی، نه فرشتگان و نه ریاستها، نه چیزهای حال و نه چیزهای آینده، نه هیچ قدرتی، و نه بلندی و نه پستی، و نه هیچ چیز دیگر در تمامی خلقت، قادر نخواهد بود ما را از محبت خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است، جدا سازد.»

من همچنین مزمو ۴:۸ را بسیار دوست دارم که می‌گوید: «به سلامتی آرآمیده و به خواب هم می‌روم زیرا تو تنها ای خداوند مرا در امنیت ساکن می‌سازی.»

این وعده‌ای است که می‌توانیم بر آن بایستیم. وقتی با نبرد روحانی شبانه روبه‌رو می‌شوید، به خود یادآوری کنید که در حضور خدا در امنیت هستید. حتی اگر دشمن بکوشد ترس را برانگیزد، خداوند پناهگاه شماست.

همان‌طور که کولسیان ۲:۱۵ به ما یادآوری می‌کند، مسیح دشمن را با قربانی نیابتی خود بر صلیب شکست داد.

پرسش‌هایی برای تأمل

- ۱) آیا تا به حال در میانِ یک کابوس عیسی را صدا زده‌اید؟ او چگونه به کمکِ شما آمد؟
- ۲) آیا هنگامِ خواب نبرد روحانی را تجربه کرده‌اید؟ چگونه با آن برخورد کردید؟
- ۳) آیا متوجه شده‌اید که وقتی خسته یا مضطرب هستید، برای بشارت دادن تردید دارید؟ چگونه می‌توان بر این موضوع غلبه کرد؟
- ۴) کدام آیاتِ کتاب‌مقدس به شما آرامش می‌دهند و کمک می‌کنند تا بتوانید کمی استراحت کنید؟

فصل بیست و نهم به آنچه کتاب مقدس می گوید، وفادار بمانید

اگر از نبرد روحانی فرسوده شده باشید، ممکن است وسوسه شوید برای تسکین یافتن، به وعده‌ها و راه‌حل‌های فوری روی بیاورید. ابلیس می‌داند که اگر شما را تا سرحدِ آسیب‌پذیری فرسوده کند، احتمالاً هر کاری انجام خواهید داد تا آن وضعیت متوقف شود. به‌جای آن که به هدایت کتاب مقدس اعتماد کنید و از آن پیروی نمایید - یعنی اسلحهٔ خدا را بر تن کنید، به خدا تسلیم شوید، و در برابر ابلیس مقاومت کنید - به شکاری برای معلمانِ دروغین تبدیل می‌شوید که وعده می‌دهند می‌توانند دیوهای شما را بیرون کنند. یا همکار شما یک جلسهٔ شفا از نوع عرفان‌های عصر جدید را پیشنهاد می‌دهد تا برای شما «آرامشِ درونی» را به ارمغان بیاورد.

شنیدن این که روشی وجود دارد که می‌تواند دیوها را برای همیشه دور کند، ممکن است جذاب به‌نظر برسد. سازمان‌ها و کتاب‌هایی هستند که وعدهٔ نتایج فوری می‌دهند. شاید به شما بگویند که اگر دعاهای خاص آنان را بخوانید، یا با آنان جلسه‌ای داشته باشید، از جمله جلسات دوره‌ایِ رهایی، نبرد روحانی متوقف خواهد شد.

یکی از خطرهای این است که «راه‌حل‌های فوری» می‌توانند چشمان شما را از انجیل بردارند و باعث شوند بیش از آن که بر مسیح متمرکز شوید، بر دشمن تمرکز کنید. وقتی این اتفاق می‌افتد، ممکن است به طرز وسواس‌گونه‌ای بترسید که همه‌چیز توسط دیوها کنترل می‌شود. راه‌حل‌های فوری می‌توانند شما را به این سو بکشانند که به‌جای اتکا به قدرت و

حاکمیت خدا، به نظام‌های انسانی یا فرمول‌های ساخته بشر اعتماد کنید. مردم به جای آن که با دعاهای صادقانه به خدا روی آورند و به کتاب مقدس اعتماد کنند، به این راه‌حل‌های فوری وابسته می‌شوند.

این خدمات آزادسازی با خشم استدلال خواهند کرد که «عیسی به ما اقتدار داده است تا دیوها را بیرون کنیم.» اما مسئله اقتدار نیست. موضوع کارآمدی است. وقتی پادشاه عیسی وعده می‌دهد که همیشه با ماست، چرا باید یک کودکِ نوپا، یعنی انسان، را به نبرد با دیوها بفرستیم؟ دیوها از عیسی وحشت دارند، نه از خادمانی که وعده آزادسازی می‌دهند، حتی وقتی عبارت «به نام عیسی» را هم به نهیب‌شان اضافه می‌کنند!

گذشته از این، کدام انسانِ عاقلی فکر می‌کند که ایده خوبی است با یک دیو به صورت شخصی وارد بحث شود؟ چرا باید موجودی که سراسر شرارت است و از ما نفرت دارد، به فرمان‌های ما گوش بدهد، حتی وقتی عبارت «به نام عیسی» را به نهیب‌مان اضافه می‌کنیم؟ یا می‌توانیم قهرمان‌بازی درآوریم، یا می‌توانیم از عیسی بخواهیم به ما کمک کند. من دومی را انتخاب کردم. باز هم می‌گوییم، موضوع اقتدار نیست؛ موضوع حکمت است.

دیوها ممکن است به‌طور نمایشی وانمود کنند که در پاسخ به فرمان‌های یک خادمی که می‌گوید روح‌ها را اخراج می‌کند بیرون روند، اما خیلی زود بازمی‌گردند. به همین دلیل است که افرادی که در این نوع از خدمات هستند مراجعان خود را وادار می‌کنند تا به «جلسات دوره‌ای» بروند. حتی با آن که آنها می‌گویند که این خدمت را رایگان انجام می‌دهند، اما اغلب مراجعان خود را برای دریافت «هدیه» تحت فشار می‌گذارند. خدمت آزادسازی یک کسب‌وکار بزرگ و سودآور است، و آنان دوست ندارند کسی از الگوی کاری آنان انتقاد کند، همان‌طور که پولس در اعمال رسولان ۱۹: ۲۳-۲۷ با رنجاندن نقره‌کاران بت‌آرتمیس چنین کرد!

سپس نوبت به کتاب‌هایی می‌رسد که دعاهای وردگونه برای خواندن به شما می‌دهند تا به اصطلاح «دیوها را بیرون برانید.» من وقتی تازه نجات یافته بودم و به شدت برای رهایی از نبرد روحانی درمانده بودم، گرفتار چنین دامی شدم. ما باید در نبرد روحانی، در دعا برای حفاظت و حکمت، به خدا روی آوریم. دعاهای فرمولی، ترفندی است که نام خداوند را به بطلالت به کار می‌گیرند. خدا را نمی‌توان وادار کرد یا ترغیب نمود تا به دعاها پاسخ دهد. او دل ما و

دعاهای برخاسته از دل ما را می‌خواهد، نه دعاهای از پیش‌نوشته‌شده‌ای که آن‌ها را مانند فرمان‌هایی بر زبان بیاوریم تا انگار سگی را وادار به انجام نمایش کنیم. فرمان دادن و اعلام کردن، موضوعی کتاب‌مقدسی نیست! این تعلیمی دروغین و انسان‌محور است که کتاب‌مقدس را تحریف می‌کند. در حقیقت این کتاب‌ها هم به خدا توهین می‌کنند و هم به ما!

یکی دیگر از راه‌حل‌های فوری، بازار «اشیای محافظ» است؛ چیزهایی مانند آویز چشم‌زخم، گیرنده خواب، تندیس‌های بت‌ها، و کریستال‌هایی که به اصطلاح قرار است «انرژی منفی» را دفع کنند. واقعاً مایه تاسف است که حتی افرادی که خود را مسیحی می‌نامند به جای تکیه به خدا و کلام او، ایمان خود را بر این اشیای ساخته‌شده به دست انسان قرار می‌دهند.

در هیچ جای کتاب‌مقدس به ما گفته نشده است که برای محافظت به اشیا پناه ببریم. بت‌پرستی، در هر شکلی، چیزی است که خدا در سراسر کتاب‌مقدس نسبت به آن هشدار می‌دهد. تکیه کردن بر این اشیا به معنای دعوت کردن حضور هر چیزی غیر از روح‌القدس به زندگی خود است. این اشیا در زندگی یک مسیحی جایی ندارند، زیرا با حقیقت این که خدا کیست و از طریق عیسی چه کاری برای ما انجام داده است، هم‌راستا نیستند. ما باید بر خداوند توکل کنیم، نه بر بت‌ها.

پرسش‌هایی برای تامل

۱) آیا هیچ آویز چشم‌زخم یا اشیای دیگری که مردم برای محافظت به کار می‌برند، را در اختیار دارید؟ اگر چنین است، این چیزها چگونه ممکن است حواس شما را از این که تمام اعتماد خود را برای محافظت بر خدا بگذارید، منحرف کنند؟

۲) آیا در مورد کتاب‌ها یا سمینارهایی شنیده‌اید که وعده می‌دهند دیوها را بیرون می‌کنند؟ آیا وسوسه شدید که آن‌ها را امتحان کنید؟ اگر بله، چگونه در برابر این وسوسه مقاومت کردید؟

۳) آیا تا به حال، حتی ناآگاهانه، برای محافظت، بر چیزی غیر از خدا تکیه کرده‌اید؟ این موضوع چه تاثیری بر زندگی روحانی شما گذاشت؟

۴) به جای آن که به اشیا یا اعمالی روی بیاورید که شاید برای این مسئله مانند راه‌حل‌های فوری به نظر برسند، چگونه می‌توانید بیشتر و کامل‌تر برای امنیت و آرامش خود به خدا اعتماد کنید؟

فصل سی‌ام گوش دادن به کتاب‌مقدس صوتی

پس از آن که در دام فریبنده خدمت آزادسازی و کتاب‌های تعالیمِ دروغین با دعاهای فرمولی برای بیرون راندن دیوها افتادم، برای دریافت کمک به کتاب‌مقدس روی آوردم. باید از همان ابتدا از آنجا شروع می‌کردم، زیرا کلام خدا کفایت دارد و هرآنچه برای هر موقعیتی نیاز داریم، از جمله نبرد روحانی، به ما می‌دهد.

از کتاب‌مقدس، درباره اسلحهٔ خدا، تسلیم شدن به خدا، مقاومت در برابر ابلیس، و اهمیت اعتماد به خداوند آموختم. جای تعجب نیست که همهٔ این رویکردها به کاهش تأثیرات نبرد روحانی کمک کردند و از بی‌خوابی و اضطراب من درباره دیوها کاستند.

از روزی که نجات یافتم، هر روز کتاب‌مقدس می‌خوانم. هر صبح را با خواندن یک فصل از کتاب‌مقدس آغاز می‌کنم. این یعنی «کتاب‌مقدس پیش از صبحانه» و «کلام پیش از دنیا». در شب، وقتی آرام‌آرام به خواب می‌رویم، من و شوهرم فایل صوتی یکی از کتاب‌های کتاب‌مقدس را گوش می‌کنیم. گاهی پیش از خواب به تمام آن کتاب گوش می‌دهیم، و گاهی نیز در حالی که کتاب‌مقدس صوتی در حال پخش شدن است، به خواب می‌رویم. گوش دادن به کلام خدا، واقعاً آرامش‌بخش است.

از سال ۲۰۱۷، زمانی که نجات یافتم، هر شب به یکی از کتاب‌های صوتی کتاب‌مقدس گوش داده‌ام. این عادت به من کمک کرده تا بهتر بخوابم، و همچنین بخش‌هایی از کتاب‌مقدس را بشنوم که هنگام خواندن متوجه آنها نشده بودم. به‌هرحال، کتاب‌مقدس شمشیر روح در اسلحهٔ کامل خداست.

به همه کسانی که به من می‌گویند در حال عبور از یک نبرد روحانی هستند، به شدت توصیه می‌کنم به نسخه صوتی کتاب مقدس که سطر به سطر خوانده می‌شود گوش دهند، نه به نسخه‌های نمایشی. باید درباره بعضی از برنامه‌های دیگر کتاب مقدس و راویان نیز هشیار باشیم، زیرا برخی از معلمان دروغین می‌کوشند پنهانی وارد شوند تا مردم را گمراه کنند. همچنین برنامه‌های رایگان و ویدیوهای یوتیوبی بسیاری وجود دارند که در آن‌ها یک راوی کتاب مقدس را سطر به سطر می‌خواند.

شوهرم دوست دارد به فایل‌های صوتی پیدایش و مکاشفه گوش دهد، و من رساله‌های عهد جدید را ترجیح می‌دهم. اگر کمی در فشار باشم، کتاب یعقوب با یادآوری این که «ای برادران من، هر گاه با آزمایش‌های گوناگون روبه‌رو می‌شوید، آن را کمال شادی بینگارید!» باعث آرامش من می‌گردد.

من همچنین با گوش دادن به فایل‌های صوتی کتاب مقدس هنگام رانندگی آرام می‌شوم، به‌ویژه در ترافیک سنگین یا دیگر موقعیت‌های پرفشار. می‌توانید در هواپیما، هنگام پرواز، یا در زمان پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری، کوه‌پیمایی، یا هر جایی که امکان پخش صدا هست، به کتاب مقدس گوش دهید.

خواندن کتاب مقدس فوق‌العاده است، اما گوش دادن به آن تاثیر عمیق‌تری می‌گذارد. برای مثال، وقتی مزمور ۲۳ را با صدای بلند می‌شنوید، با زمانی که آن را در سکوت می‌خوانید متفاوت احساس می‌شود. کلمات زنده‌تر و شخصی‌تر به نظر می‌رسند. «خداوند شبان من است؛ محتاج به هیچ چیز نخواهم بود.»

کتاب مقدس صوتی همچنین به شما کمک می‌کند آیات را حفظ کنید، به‌ویژه اگر بارها و بارها به همان کتاب‌ها گوش دهید. این به شما کمک می‌کند کلام را در دل خود جای دهید، تا در زمان‌های آزمایش بتوانید به راحتی آن را به یاد آورید. کتاب مقدس صوتی ذهن شما را از کلام خدا لبریز می‌گرداند، و این بخشی از تازه شدن ذهن و شکل‌گیری یک جهان‌بینی استوار کتاب مقدسی است. برای ذهنی که با کتاب مقدس هم‌راستا گشته باشد، تعالیم دروغین مانند نُت‌های فالش به نظر می‌رسند. شنیدن مکرر کتاب مقدس، به‌ویژه وقتی به‌طور پیوسته به آن گوش می‌دهید، کمک می‌کند کلام خدا در دل و ذهن شما نهادینه شود.

این درست مانند زمانی است که آهنگی را بارها می‌شنوید و بدون آنکه متوجه باشید، همراه آن زمزمه می‌کنید. درباره گوش دادن به کتاب مقدس نیز همین‌گونه است. در شما نهادینه می‌شود.

هرچه بیشتر گوش بدهید، واژگان و حقایق کتاب مقدس بیشتر در طول روز در افکار شما زمزمه می‌شوند. بنابراین کلام خدا آنجا ثبت شده است و آماده است تا در لحظه‌های نیاز، شما را هدایت و تسلی بخشد.

البته کتاب مقدس صوتی مکمل خواندن کتاب مقدس است، نه جایگزین آن. صبح کتاب مقدس را بخوانید و شب به کتاب مقدس گوش دهید.

وقتی فکر شما با وعده‌های خدا احاطه شود، کمتر مضطرب یا ترسان می‌شوید. وقتی دشمن می‌کوشد دلسردی یا دروغی القا کند، شنیدن حقیقت کلام خدا می‌تواند از ذهن و دل شما محافظت کند.

مزمور ۱ درباره شخصی سخن می‌گوید که مبارک است، زیرا شبانه‌روز در کلام خدا تأمل می‌کند. وقتی به کتاب مقدس گوش می‌دهید، کمی آرام گیرید و مکث و تأمل کنید. می‌توانید چندین بار به همان آیه یا فصل گوش دهید، و هر بار چیز تازه‌ای از آن بیرون بکشید. در حین گوش دادن، تأمل می‌کنید، و این تأملات درک شما را از حقیقت خدا، عمیق‌تر می‌سازند. گاهی دشمن می‌خواهد حواس ما را پرت کند، و ذهن ما را با هر چیزی غیر از کلام خدا مشغول نگه دارد. اما وقتی به کتاب مقدس گوش می‌دهید، عمداً هیاهوی جهان را کنار می‌زنید و ذهن خود را از آرامش و حضور خدا پر می‌کنید.

پرسش‌های برای تأمل

- ۱) آیا تا به حال به کتاب مقدس صوتی گوش داده‌اید؟ اگر بله، آیا بخش‌هایی از کتاب مقدس را شنیده‌اید که هنگام خواندن متوجه‌شان نشده بودید؟
- ۲) چه لحظاتی در طول روز وجود دارند که بتوانید به کلام خدا گوش دهید؟ چگونه می‌توانید گوش دادن به کتاب مقدس را وارد برنامه روزانه خود کنید؟

- ۳) فکر می‌کنید گوش دادن به کتاب مقدس صوتی چگونه می‌تواند در لحظه‌های شک یا اضطراب به شما کمک کند؟
- ۴) کدام کتاب‌های کتاب مقدس از محبوب‌ترین کتاب‌های شما برای گوش دادن هستند؟

سخن آخر

دعا می‌کنم این کتاب در سلوک شما با مسیح کارگر افتاده باشد. نبرد روحانی برای مسیحیان اجتناب‌ناپذیر است، اما قرار نیست در بشارت و خدمت ما به خداوند، مانع ایجاد کند. ابلیس می‌کوشد ما را متقاعد کند که گذشته گناه‌آلود ما قابل بخشش نیست، اما ما می‌دانیم که در همان لحظه‌ای که به مسیح ایمان می‌آوریم و اعتماد خود را بر عیسای مسیح به‌عنوان خداوند و نجات‌دهنده خود قرار می‌دهیم، آمرزیده می‌شویم و نجات، سکونت روح القدس، دلی تازه، و حیاتی تازه در مسیح به ما عطا می‌شود. هلولیاه! خدا را سپاس!

هیچ‌کس جز عیسی بی‌گناه نیست، اما ما به‌عنوان مسیحیان به پارسایی کامل عیسی ملبس گشته‌ایم. همچنین به ما حکم شده که برویم و دیگران را شاگرد بسازیم (متی ۲۸:۱۹-۲۰). یک یاز معانی شاگردسازی این است به کسانی خود را مسیحی می‌دانند کمک کنیم تا در دام و فریب ابلیس نیافتند (افسیسیان ۵:۱۱). به یاد داشته باشید و دعا کنید خدا به شما قوت و جسارت لازم را ببخشد تا انجیل را اعلام کنید، زیرا انجیل قدرت خداست برای نجات آنان که ایمان می‌آورند (رومیان ۱:۱۶).

تمامی جلال بر نام خدا
دورین

درباره نویسنده

دورین ورچو، دارای مدرک کارشناسی ارشد در مطالعات کتاب مقدسی و الاهیاتی، با رتبه ممتاز از Western Seminary است. او همچنین دارای مدارک کارشناسی ارشد در مشاوره روان‌شناسی از Chapman University است.

پیش از آنکه توسط مسیح نجات یابد، او در سن ۵۹ سالگی در سال ۲۰۱۷، یکی از معلمان جنبش عصر جدید و تفکر نوین بود. دورین در سنت تفکر عصر نوین به دنیا آمد و بزرگ شد، و پیش از آن که در دهه ۱۹۹۰ به عرفان‌های نوظهور بپیوندد، ۳۳ سال عضو کلیساهای Christian Science، Unity، و Religious Science بود. او ۲۶ سال در عرفان‌های جنبش عصر جدید فعالیت نمود تا این که خدا با فیض و رحمت خود او را نجات داد.

دورین اکنون دیگران را نسبت به فریب‌های عصر جدید و تفکر نوین هشدار می‌دهد، و آنان را به سوی عیسی و مطالعه کتاب مقدس هدایت می‌کند.

برخی از آثار منتشر شده دورین پیش از نجاتش هنوز به صورت نسخه‌های دست‌نویس و نسخه‌های غیرقانونی فروخته می‌شوند، و او درخواست می‌کند که این آثار که در سال ۲۰۱۷ یا پیش از آن منتشر شده‌اند دور انداخته شوند، زیرا عرفان‌های نوظهور، بخشی از ابزار فریب ابلیس هستند.

برای کسب اطلاعات بیشتر می‌تواند به لینک‌های زیر مراجعه کنید:

www.DoreenVirtue.com

[Facebook.com/DoreenVirtueForJesus](https://www.facebook.com/DoreenVirtueForJesus)

اسلحه كامل خدا / ۱۲۵

[Instagram.com/DoreenVirtue](https://www.instagram.com/DoreenVirtue)

[YouTube.com/@Doreen_Virtue](https://www.youtube.com/@Doreen_Virtue)